روزنامه سراسری اقتصادی، اجتماعی
دوشنبه ۰۸ دی ۱۴۰۴
۰۸ رجب ۱۴۴۷ | ۲۹ دسامبر ۲۰۲۵
شماره ۸۳۲
۸۰۰۰ تومان

روزنامه مرز اقتصاد
www.marzeghtesad.ir

شمشیر دولبه مالیات‌ها

صفحه ۰۸

نسخه روسی وام‌های کریپتویی

قفل ترخیص نهاده‌ها

اظهارنظر معاون برنامه‌ریزی و اقتصادی وزارت جهاد کشاورزی درباره مشکلات حفظ امنیت غذایی در کشور است....

صفحه ۲

تهران بهشت «دودزا»ها شد

در چنین شرایطی معاونت حمل‌ونقل شهرداری از اجرای طرح زوج و فرد از درب منزل و حتی لغو اثرگذاری مجوز...

صفحه ۴

چرا ترمز برقی‌ها کشیده شد؟

در این گزارش دو نکته مهم درباره فرصت‌سوزی ورود برقی‌ها و هیبریدها مورد تاکید قرار گرفت.....

صفحه ۶

۳

ورود شاخص بورس به کانال ۳,۴ میلیونی

۵

مسیر چهارگانه تامین خوراک

۷

شاید نوراللهی را برگردانند

رکود و بلاتکلیفی در زنجیره فولاد

کیوان جعفری طهرانی
تحلیلگر ارشد بازار بین‌المللی

با گذشت بیش از ۵ماه از شروع جنگ و نوسانات بازار، اثرگذاری اولیه تنش‌ها در معاملات و تقاضا تا حد زیادی کاهش یافته است. با این حال، نگرانی‌ها و عدم اطمینان همچنان بر بازار سایه افکنده و فعالان این صنعت را با چالش‌های جدی مواجه کرده است. در واقع، بخش قابل‌توجهی از این نگرانی‌ها به مسائل صادرات، قوانین جدید بورس و تغییرات نرخ ارز مرتبط است. یکی از مهم‌ترین رخدادهای نیمه اول سال، بحث «اسنپ‌بک» و نوسانات شدید قیمت دلار بعد از آن بود که منجر به جهش ناگهانی نرخ ارز شد.

این اتفاق، اگرچه بر برخی فعالیت‌های اقتصادی تاثیر گذاشت، اما نگرانی‌های بنیادین فعالان بازار فولاد را کاهش نداد. شرایط بازار به گونه‌ای است که هرچند تولیدکنندگان برای یک دوره کوتاه از کارت‌های اعتباری و سایر ابزارهای مالی بهره‌مند شدند، اما تجار و صادرکنندگان همچنان با مشکلات جدی مواجه هستند. از جمله عوامل موثر در نگرانی‌های کنونی، قوانین جدید مرتبط با بورس کالاست. پیش‌بینی شده بود که زنجیره فولاد به تالار دوم بورس منتقل شود، اما این انتقال به صورت کامل انجام نگرفت و بسته به نوع محصول، درصد انتقال متفاوت است.

بر اساس مشاهدات، هرچه محصول به سمت محصولات نهایی نزدیک‌تر باشد، درصد ورود آن به تالار دوم بیشتر می‌شود. این وضعیت بر رفتار صادرکنندگان و فعالان بازار اثرگذار است و پیش‌بینی می‌شود که این مساله در بهمن ماه باعث افزایش نرخ دلار شود. با توجه به اعداد فعلی، انتظار می‌رود که نرخ ارز از بهمن به بعد روند صعودی داشته باشد و جهش‌های قیمتی دور از انتظار نباشد. عملکرد کارت‌های اعتباری و ابزارهای مالی مشابه برای تولیدکنندگان، اگرچه موقتا خبر خوبی بود، اما برای تجار مشکلاتی ایجاد کرد. بسیاری از صادرکنندگان محصولاتی را خریداری کرده بودند، چه از بورس و چه از شرکت‌های دولتی یا خصوصی و توقف استفاده از کارت‌های یک بار مصرف باعث شد که محموله‌ها بلاتکلیف بمانند. این وضعیت نه تنها مشکلات لجستیکی ایجاد کرده و برخی از کشتی‌ها با دمورژ چند صد هزار دلاری مواجه شدند، بلکه بر اعتماد خریداران و بازار خارجی نیز تاثیر منفی گذاشته است.

بسیاری از کشتی‌ها و محموله‌ها بدون مشتری و بلاتکلیف مانده‌اند و این موضوع رکود بازار را تشدید کرده است. جالب آنکه برخی از این محموله‌ها خریدار خارجی و قرارداد قطعی داشتند، اما عدم امکان تحویل باعث ایجاد عدم اطمینان در بازار شده است. فعالان بازار اکنون با وضعیتی مواجه هستند که نه تنها صادرات کشور دچار اختلال شده، بلکه اعتماد تجار و مشتریان خارجی به ثبات بازار کاهش یافته است. در واقع، وضعیت فعلی از برخی جهات حتی بدتر از پایان جنگ ۱۲ روزه تیر ماه ارزیابی می‌شود؛ زیرا در آن زمان بازار به سرعت به شرایط طبیعی بازگشت، درحالی‌که امروز مشکلات ساختاری و قانونی و ناترازی بین تولید و عرضه باعث ادامه بلاتکلیفی شده است. بحث کندی صادرات در مرداد ماه و محدودیت‌های اعلام‌شده برای کارت‌های یک بار مصرف، اگرچه جدی گرفته نشد، اما اکنون اثرات آن به وضوح دیده می‌شود. صادرکنندگان با مشکل مواجه شده‌اند و این امر باعث رکود و کاهش انگیزه برای سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی صادراتی شده است.

بر اساس گزارش‌های اولیه، روند صادرات زنجیره معدن و فولاد در سه‌ماهه سوم سال، که گزارش آن در دی ماه منتشر خواهد شد، نشان خواهد داد که صادرات در این دوره به شکل قابل‌توجهی کاهش یافته است. انتقال بخشی از معاملات به تالار دوم بورس، اگرچه وعده داده شده بود، نتوانست به‌طور کامل عملیاتی شود. حتی در مورد محصولاتی که به تالار دوم منتقل شدند، سهم محصولات پایین‌دستی بیش از ۸۰ درصد نیست و هرچه به سمت محصولات بالادستی برویم، سهم کاهش یافته و حتی به ۲۰ درصد می‌رسد. این توزیع نامتوازن باعث شده که اطمینان در بازار به شکل کافی برقرار نشود و نه تنها فعالان بخش بالادستی، بلکه تولیدکنندگان و صادرکنندگان محصولات نهایی نیز با عدم قطعیت مواجه باشند.

وضعیت فعلی بازار نشان می‌دهد تا زمانی که قوانین به‌صورت کامل اجرا نشده و ناترازی بین عرضه و تقاضا اصلاح نشود، بهبود قابل‌توجهی در شرایط صادرات رخ نخواهد داد. انتظار می‌رود در سه‌ماه چهارم سال، با بهبود نسبی وضعیت انرژی، رفع برخی مشکلات لجستیکی و شفاف شدن قوانین، شرایط بازار کمی بهتر شود. اما واقعیت آن است که اکنون صادرات کشور در رکود نسبی قرار دارد و برای بازگشت به شرایط پایدار به زمان و سیاستگذاری درست نیاز است. در این میان، فعالان بازار باید توجه داشته باشند که پیش‌بینی جهش دلار از بهمن ماه به بعد ناشی از ترکیبی از عوامل قانونی، ساختاری و اقتصادی است و نمی‌توان آن را صرفا به عوامل سیاسی یا نوسانات کوتاه‌مدت نسبت داد. روند فعلی نشان می‌دهد که بازار با عدم اطمینان و رکود مواجه است و سیاست‌های دستوری یا وعده‌های ناقص نمی‌تواند مشکل را حل کند.

در نهایت می‌توان گفت، برای بازگشت به شرایط متعادل و افزایش اعتماد صادرکنندگان و تجار، نیاز است که قوانین بورس به‌طور کامل اجرا شود، ناترازی بین عرضه و مصرف محصولات زنجیره فولاد اصلاح شود و مشکلات لجستیکی و انرژی نیز مدیریت شود. تنها در این صورت می‌توان انتظار داشت که صادرات مجددا رونق بگیرد و بازار داخلی و خارجی همزمان از ثبات نسبی برخوردار شوند.

نسخه روسی وام‌های کریپتویی

کریم حسن پور – بار دیگر ضعف ایران در حوزه بلاک‌چین نمایان شد. ایران هنوز در زمینه بلاک‌چین و دارایی‌های دیجیتال نتوانسته با تحولات جهانی همگام شود.

فقدان قوانین شفاف، مقاومت نهادهای سنتی و نبود زیرساخت‌های عملیاتی باعث شده دارندگان رمزارز نتوانند از ظرفیت کریپتو برای تامین مالی، دسترسی سریع به نقدینگی و نوآوری‌های مالی بهره‌مند شوند. این عقب‌ماندگی نه تنها شمول مالی را محدود می‌کند، بلکه ایران را از بهره‌برداری از فرصت‌های اقتصادی و تحول دیجیتال جهانی بازمی‌دارد. در مقابل، روسیه با اقدامات پیشرو خود، شامل برنامه پایلوت اسبر بانک برای وام‌دهی مبتنی بر رمزارزها، توسعه پلتفرم دارایی‌های دیجیتال و تعامل فعال با نهادهای نظارتی، سیستم مالی خود را مطابق با روندهای جهانی به‌روز کرده است. این کشور با استفاده از ظرفیت‌های بلاک‌چین و ترکیب آن با بانکداری سنتی، دسترسی مالی را تسهیل کرده و فرصت‌های سرمایه‌گذاری نهادی و مدیریت ریسک در بازار دیجیتال را فراهم آورده است. این تجربه نشان می‌دهد که نوآوری و امنیت مالی می‌توانند همزمان مدیریت شوند و کشورهایی که سریع‌تر چارچوب قانونی و زیرساخت‌های عملیاتی ایجاد کنند، نقش پیشتاز در اقتصاد دیجیتال جهانی خواهند داشت. ایران اگر نخواهد از این موج تحول عقب بماند، باید به سرعت سیاست‌ها و مقررات شفاف، زیرساخت‌های امن و سازوکارهای حمایتی برای کریپتو و بلاک‌چین ایجاد کند.

نسخه روسی وام‌های کریپتویی

درحالی‌که مرز میان بانکداری سنتی و دارایی‌های دیجیتال هر روز کمرنگ‌تر می‌شود، نظام‌های مالی جهان ناگزیر از بازتعریف نقش خود در مواجهه با فناوری‌های نوظهور هستند. ارزهای دیجیتال، که زمانی در حاشیه نظام مالی رسمی قرار داشتند، اکنون به یکی از متغیرهای تعیین‌کننده آینده تامین مالی، مدیریت ریسک و دسترسی به نقدینگی تبدیل شده‌اند. در این میان، ورود بانک‌های بزرگ و دولتی به حوزه وام‌دهی مبتنی بر کریپتو، نشانه‌ای روشن از تغییر پارادایم در سیاستگذاری پولی و مالی است.

Sberbank، بزرگ‌ترین بانک دولتی روسیه، با راه‌اندازی برنامه آزمایشی وام‌دهی با وثیقه رمزارزها، نه‌تنها گامی جسورانه در مسیر همگرایی بانکداری سنتی و اقتصاد دیجیتال برداشته، بلکه تلاش کرده است الگویی تنظیم‌محور برای ادغام کریپتو در ساختار رسمی مالی ارائه دهد؛ الگویی که می‌تواند پیامدهایی فراتر از مرزهای روسیه داشته باشد.

روسیه در خط مقدم وام‌های کریپتویی

در دنیای مالی امروز که فناوری‌های دیجیتال مانند ارزهای دیجیتال (کریپتوکارنسی) نقش پررنگی ایفا می‌کنند، بانک‌های سنتی در حال تطبیق خود با این تغییرات هستند. اسبربانک، به عنوان بزرگ‌ترین بانک دولتی روسیه، در خط مقدم این تحول قرار گرفته است. این بانک اخیرا برنامه آزمایشی (پایلوت) برای ارائه وام‌های پشتیبان‌گیری‌شده با کریپتوکارنسی‌هایی مانند بیت‌کوین و اتریوم راه‌اندازی کرده است.

طبق اظهارات معاون رئیس هیات‌مدیره اسبر بانک، آناتولی پوپوف، این ابتکار با هدف ادغام دارایی‌های دیجیتال در خدمات بانکی سنتی و بهبود دسترسی مالی طراحی شده است. این برنامه نه‌تنها نشان‌دهنده تغییری ساختاری در چارچوب مالی روسیه است، بلکه بر اهمیت همکاری نزدیک با نهادهای نظارتی نیز تاکید دارد.

پوپوف در این‌باره تصریح کرده است: «ما در حال بررسی امکان وام‌دهی با وثیقه کریپتوکارنسی هستیم. در روسیه، تنظیم بازار کریپتو هنوز در مراحل اولیه قرار دارد و ما آماده همکاری با رگولاتور برای توسعه راه‌حل‌های مناسب هستیم.» این رویکرد پیشرو نشان می‌دهد اسبربانک تلاش دارد مسیر خود را در هماهنگی کامل با بانک مرکزی روسیه و در بستر تحولات نظارتی آینده ترسیم کند.

این برنامه آزمایشی بخشی از تلاش‌های گسترده‌تر اسبر بانک برای ورود نظام‌مند به اکوسیستم دارایی‌های دیجیتال محسوب می‌شود. بر اساس گزارش‌های منتشرشده از خبرگزاری‌هایی مانند Crypto.news و Interfax، این بانک در دسامبر ۲۰۲۵ نخستین وام امن‌شده با کریپتو را صادر کرده است. این وام به شرکت JSC Intelion Data اعطا شده و از رمزارزهای استخراج‌شده داخلی به‌عنوان وثیقه استفاده شده است.

این اقدام را می‌توان نخستین گام عملی در ادغام رمزارزها با سیستم بانکی روسیه دانست؛ گامی که می‌تواند الگویی برای سایر بانک‌های این کشور و حتی سایر اقتصادهای نوظهور باشد. Sberbank قصد دارد وام‌های مبتنی بر روبل را با وثیقه دارایی‌های دیجیتال ارائه دهد، بدون آنکه نیازی به فروش رمزارزها وجود داشته باشد؛ موضوعی که دسترسی به نقدینگی را برای دارندگان کریپتو به‌طور قابل‌توجهی تسهیل می‌کند.

این ابتکار نه‌تنها به اشخاص حقیقی و حقوقی امکان می‌دهد از دارایی‌های دیجیتال خود برای تامین مالی استفاده کنند، بلکه به Sberbank اجازه می‌دهد سهمی از بازاری داشته باشد که ارزش آن در سال ۲۰۲۵ به بیش از ۵ تریلیون دلار رسیده است. با توجه به نوسانات شدید بازار رمزارزها، Sberbank تمرکز ویژه‌ای بر توسعه مکانیسم‌های ارزیابی وثیقه و فرآیندهای تصفیه داشته تا ریسک‌های اعتباری و عملیاتی را مدیریت کند.

طرح‌هایی مانند انتقال آب یا سدسازی رژیم بارش را تغییر نمی‌دهد و تنها به افزایش جمعیت و تقاضا در مناطق مقصد منجر می‌شود.

کریپتو زیر ذره بین بانک‌ها

علاوه بر وام‌دهی، Sberbank در حال توسعه پلتفرم دارایی‌های دیجیتال خود است؛ پلتفرمی که فرصت‌های تازه‌ای برای سرمایه‌گذاران نهادی فراهم می‌کند. طبق گزارش AInvest، برنامه‌های پایلوت این بانک امکان مشارکت مستقیم نهادهای بزرگ را در بازار کریپتو فراهم می‌سازد و می‌تواند به شکل‌گیری یک اکوسیستم دارایی دیجیتال تنظیم‌شده در روسیه منجر شود.

این پلتفرم شامل خدمات نگهداری دارایی (custody) و سازوکارهای امنیت عملیاتی در سطح نهادی است؛ مؤلفه‌هایی که برای جلب اعتماد سرمایه‌گذاران بزرگ و کاهش ریسک‌های سیستمی ضروری محسوب می‌شوند. هرچند بازار کریپتو در روسیه همچنان در مرحله شکل‌گیری قرار دارد، Sberbank پیش‌بینی می‌کند تا سال ۲۰۲۶ چارچوب‌های قانونی جامع‌تری تدوین شود و این بانک بتواند جایگاه رهبری خود را حفظ کند.

ابتکار Sberbank در وام‌دهی مبتنی بر کریپتو بازتاب‌دهنده روندهای نظارتی گسترده‌تر در روسیه است. بانک مرکزی این کشور اخیرا رویکردی منعطف‌تر نسبت به رمزارزها اتخاذ کرده و مفهوم دارایی‌های دیجیتال را به‌صورت محدود پذیرفته است. برنامه پایلوت Sberbank نیز بر ضرورت همکاری نزدیک با نهادهای ناظر برای ایجاد چارچوبی پایدار در حوزه وام‌های کریپتو تاکید دارد.

چالش‌های نظارتی پیش‌رو شامل تدوین قوانین شفاف در حوزه نگهداری دارایی‌های دیجیتال، نحوه ارزش‌گذاری وثیقه و فرآیندهای تصفیه است. رویکرد Sberbank بر تعامل زودهنگام با رگولاتورها متمرکز شده تا چارچوب‌هایی طراحی شود که هم حفاظت از سرمایه‌گذاران را تضمین کند و هم الزامات تطبیق با مقررات را در اولویت قرار دهد.

بر اساس گزارش‌های CryptoRank و MSN، صدور نخستین وام کریپتو-امن‌شده در روسیه نشانه‌ای از پیشرفت تدریجی در تنظیم بازار است. با این حال، نوسانات شدید رمزارزها، ریسک تصفیه سریع وثیقه و ضرورت اجرای استانداردهای سخت‌گیرانه KYC و AML همچنان از چالش‌های اصلی به شمار می‌روند. Sberbank با همکاری نزدیک با بانک مرکزی تلاش دارد مدلی ایمن و قابل تعمیم برای این نوع وام‌دهی ایجاد کند.

ناگفته نماند که در این پایلوت، اسبربانک از راه‌حل اختصاصی خود مبتنی بر ماژول سخت‌افزاری Rutoken برای نگهداری امن وثیقه‌های دیجیتال استفاده کرده است؛ فناوری‌ای روسی که امنیت دارایی‌ها را در طول دوره وام تضمین می‌کند و ریسک‌های مرتبط با نوسانات و نگهداری را به حداقل می‌رساند.

از رمزارز تا ترازنامه

در سطح بین‌المللی، اقدام Sberbank هم‌راستا با روندهایی است که در ایالات متحده و اروپا نیز مشاهده می‌شود؛ جایی که بانک‌ها به‌تدریج وارد ارائه خدمات مرتبط با کریپتو شده‌اند. با این تفاوت که در روسیه، به دلیل تحریم‌ها و تمرکز بر دارایی‌های داخلی، استفاده از رمزارزهای استخراج‌شده محلی در اولویت قرار دارد. گزارش LiveBitcoinNews تاکید می‌کند که ارائه وام‌های روبلی با وثیقه دیجیتال، بدون فروش کریپتو، می‌تواند بخشی از ریسک‌های بازار را کاهش دهد.

رویکرد Sberbank درس‌های مهمی برای سازمان‌های خودمختار غیرمتمرکز (DAOها) و استارت‌آپ‌های فین‌تک به همراه دارد. نخست، همسویی زودهنگام با مقررات و تعامل با نهادهای ناظر برای کاهش ریسک‌های اجرایی؛ دوم، استفاده از برنامه‌های پایلوت و سندباکس‌های نظارتی برای آزمون تدریجی محصولات؛ و سوم، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های نگهداری و امنیت در سطح نهادی برای جلب اعتماد بازیگران بزرگ.

در عین حال، گسترش وام‌های کریپتو پیامدهای دوگانه‌ای برای دسترسی مالی دارد. اگرچه این ابزارها می‌توانند دسترسی سریع‌تری به نقدینگی فراهم کنند، اما به دلیل نیاز به وثیقه رمزارزی، ممکن است به تشدید نابرابری‌های مالی منجر شوند. تمرکز ثروت در بازار کریپتو باعث می‌شود دارندگان بزرگ دارایی از شرایط مطلوب‌تری برخوردار شوند، درحالی‌که کاربران کوچک‌تر در معرض ریسک تصفیه و زیان‌های شدید قرار می‌گیرند.

از این‌رو، طراحی محصولاتی که میان نوآوری و حفاظت از مصرف‌کننده توازن ایجاد کند، برای نهادهایی مانند Sberbank حیاتی است. اعمال محدودیت‌های دسترسی، افشای شفاف ریسک‌ها و ایجاد سازوکارهای حمایتی می‌تواند به حفظ اعتبار بانک و ارتقای شمول مالی کمک کند.

در مجموع، برنامه پایلوت Sberbank برای ارائه وام‌های کریپتو، گامی معنادار در مسیر ادغام دارایی‌های دیجیتال با بانکداری سنتی به شمار می‌رود. این ابتکار، با تاکید بر همکاری نظارتی و مدیریت ریسک، Sberbank را در جایگاه یکی از پیشگامان تحول مالی قرار می‌دهد. درس‌های این تجربه می‌تواند برای DAOها(یعنی سازمانی دیجیتال و غیرمتمرکز که بدون مدیر مرکزی، بر اساس کدهای بلاک‌چینی و رای اعضا اداره می‌شود.)، استارت‌آپ‌های فین‌تک و سیاستگذاران مالی الهام‌بخش باشد و نشان دهد که آینده بانکداری، نه در تقابل با کریپتو، بلکه در هم‌زیستی تنظیم‌شده با آن رقم خواهد خورد.

۲
روزنامه مرز اقتصاد
دوشنبه ۰۸ دی‌ماه ۱۴۰۴ • شماره ۸۳۲
www.marzeghtesad.ir

حذف ارز ترجیحی برنج خارجی

وزیر جهاد کشاورزی خبر از حذف ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی برنج داد و افزود: از این پس ارز مورد نیاز واردات برنج با ارز مرکز مبادله تامین می‌شود. حذف ارز ترجیحی برنج در شرایطی اجرایی شد که در ماه‌های گذشته شاهد شدت گرفتن التهاب در بازار برنج بوده‌ایم و واردات با ارز ترجیحی نیز تاکنون نتوانسته از شدت گرانی بکاهد. هرچند انتظار می‌رود با حذف ارز ترجیحی شاهد افزایش ورود این محصول به کشور باشیم.

به گزارش مهر، غلامرضا نوری قزلجه وزیر جهاد کشاورزی درباره گرانی لبنیات در بازار گفت: فقط این وزارتخانه متولی قیمت‌گذاری شیر خام است. وزیر جهاد کشاورزی افزود: قیمت اقلام مشمول هم از سوی سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان تعیین می‌شود. نوری قزلجه ادامه داد: نظارت بر قیمت این اقلام در بازار هم بر عهده وزارت جهاد کشاورزی، صنعت، معدن و تجارت و نیز سازمان تعزیرات حکومتی است. نظارت در حال انجام است و رصد اقلام از سوی متولیان انجام می‌گیرد.

نوری قزلجه درباره جبران زیان دامداران به دلیل شیوع تب برفکی سویه جدید، عنوان کرد: به طور قطع دامداری‌های صنعتی دام‌های خود را بیمه کرده‌اند و در این خصوص مشکلی ندارند. وی افزود: با ورود سویه جدید این ویروس، کارگروه ملی تشکیل شد و یک سری منابع از سوی دولت مصوب شد. اقدامات مناسب برای واکنش سریع در حال انجام است و با همکاری بخش‌های خصوصی و دولتی تب برفکی در حال کنترل است. وزیر جهاد با اشاره به تامین واکسن مورد نیاز کشور تصریح کرد: واردات به اندازه مورد نیاز انجام شده است. همچنین تولید واکسن این ویروس در داخل کشور آغاز شده و بخش دولتی و خصوصی در آن مشارکت دارند.

وزیر جهاد کشاورزی گفت: با وجود تمام تلاطماتی که در کشور وجود دارد از جمله خشکسالی، بخش کشاورزی توانسته رونق تولید خود را حفظ کند. نوری قزلجه با اشاره به احتمال ۶۰ درصدی هجوم ملخ صحرایی به نوار جنوبی کشور گفت: سلامت مواد غذایی موضوع مهمی است چه برای مصرف داخل و چه صادرات. از این رو، وزارت جهاد کشاورزی به دنبال تامین مواد تکنیکال با کیفیت بالا برای تولید سموم استاندارد برای مقابله با آفات گیاهی است. وی ادامه داد: به طور قطع کشاورزان حاضر هستند سموم با کیفیت را خریداری کنند اگر چه با قیمت بالاتر اما به شرط اینکه از تاثیر آن بر فراوانی بیشتر مطمئن شوند. در این راستا باید حوزه ترویج فعالانه به کار خود ادامه دهد و آموزش درست مصرف سموم چه به لحاظ زمانی، میزان و کیفیت را به کشاورزان اطلاع‌رسانی کند. نوری قزلجه با اشاره به رویکرد وزارت جهاد کشاورزی در مبارزه با آفات گیاهی گفت: هدف ما به حداقل رساندن مصرف سموم شیمیایی و استفاده از آفت‌کش‌های بیولوژیک و سازگار با محیط است

وی اضافه کرد: اقدامات و برنامه‌ریزی‌های لازم برای مقابله با حمله ملخ صحرایی و بیماری‌های دام، به ویژه بیماری برفکی، مورد بررسی قرار گرفته است. بنابراین از ماه‌ها قبل اقدامات مقابله‌ای شامل اخذ مصوبه هیات دولت، مکاتبه با دستگاه‌های مرتبط مانند سازمان برنامه و بودجه و وزارت کشور و آماده‌سازی تجهیزات، سموم و ماشین‌آلات انجام شده است. همکاری با سازمان مدیریت بحران نیز برای اجرای سریع و موثر مقابله انجام گرفته است. وزیر جهاد کشاورزی با اشاره به همکاری‌های بین‌المللی در این راستا، عنوان کرد: منش دولت همکاری شفاف و دقیق با تمام نهادهای بین‌المللی از جمله فائو است. ما سعی داریم نقش بیشتری در این همکاری داشته باشیم و با به اشتراک گذاری اطلاعات و داده‌ها از تجربیات آنها استفاده کنیم. وی یادآور شد: با تمام تلاطمات موجود در حوزه‌های مختلف مثل خشکسالی، تولید در بخش کشاورزی رونق خود را حفظ کرده است. کالای اساسی در بازار به وفور وجود دارد و مشکلی در تامین کالاهای اساسی نداریم.

ضرورت بازتعریف سیاست‌های باغبانی در عصر کم‌آبی

تغییرات اقلیمی، گرمایش جهانی و عدم مدیریت صحیح منابع آبی در گذشته، منجر به ایجاد چالش‌های متعددی در بخش کشاورزی و منابع طبیعی کشور شده است. در حال حاضر، یکی از مهم‌ترین راهکارها برای مدیریت صحیح منابع آب و خاک و در عین حال، تامین امنیت غذایی کشور، اصلاح الگوی کشت گیاهان زراعی و باغی و اصلاح الگوی تولید محصولات دامی و شیلاتی است.

اصلاح الگوی کشت و تولید محصولات کشاورزی در سال‌های اخیر به یکی از کلیدی‌ترین موضوعات سیاستگذاری کشاورزی تبدیل شده است؛ موضوعی که دیگر یک توصیه فنی یا موضع اختیاری نیست، بلکه ضرورتی مهم برای مدیریت پایدار بحران آب و فرسایش خاک، کنترل ارزبری و تامین امنیت غذایی محسوب می‌شود. خوشبختانه یکی از رویکردهای مهم اخیر وزارت جهاد کشاورزی، سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و پیاده‌سازی الگوی صحیح کشت و تولید محصولات کشاورزی است. یکی از این رویکردها و برنامه‌ها، اصلاح الگوی تولید محصولات باغبانی است که دارای پیچیدگی‌های زیادی است، زیرا سیاستگذار تلاش دارد هم از زاویه محدودیت آب و هم از زاویه نیاز کشور به تولید میوه‌های پرمصرف و جلوگیری از خروج ارز وارد بحث شود. همین دوگانه (محدودیت آب از یک‌سو و ضرورت کاهش واردات از سوی دیگر)، باعث شده است تصمیم‌گیری درباره توسعه باغات در مناطق مختلف پیچیدگی بیشتری پیدا کند.

قفل ترخیص نهاده‌ها

مریم لطفی – نهاده‌های دامی هم‌اکنون در بنادر شمالی و جنوبی موجود است، اما به دلیل عدم تامین ارز، ترخیص آن معطل مانده است.

اظهارنظر معاون برنامه‌ریزی و اقتصادی وزارت جهاد کشاورزی درباره مشکلات حفظ امنیت غذایی در کشور است؛ مشکلی که به گفته فعالان تجاری، ریشه در عدم‌هماهنگی میان وزارتخانه جهاد کشاورزی و بانک مرکزی دارد. به عبارتی دیگر، واگرایی در سیاستگذاری و اقدامات این دو نهاد و همچنین پابرجا ماندن تخصیص ارز ۲۸۵۰۰ تومانی در نهایت به تاخیر در ترخیص نهاده‌های دامی در گمرکات کشور منجر شده است.

معاون برنامه‌ریزی و اقتصادی وزارت جهاد کشاورزی با اشاره به آنکه تنها ثبت‌سفارش نهاده بر عهده جهاد کشاورزی است و تخصیص ارز بر عهده بانک مرکزی، گفت: اگر ثبت‌سفارش نهاده‌ها بیش از نیاز انجام نمی‌شد، امروز با بحران بسیار بزرگ‌تری مواجه بودیم. این در حالی است که وزیر جهاد کشاورزی درباره تاخیر در ترخیص نهاده‌ها که توسط معاون خود مطرح شده بود، گفت: این نهاده‌ها به تدریج در حال ترخیص و ورود به بازار هستند. تاخیر در تامین ارز رفع شده و فرآیند واردات و توزیع نهاده‌ها روزانه در حال انجام است، بنابراین هیچ نگرانی در تامین نهاده وجود ندارد. اما تضاد میان اظهارات مسوولان به همین نقطه ختم نشد. چندی پیش، اخباری مبنی بر توقف واردات و عرضه نهاده‌های دامی، آن‌هم به ناچار توسط یکی از شرکت‌های تامین‌کننده نهاده‌های دامی منتشر شد که گفته می‌شود انحصاری‌بودن عرضه این نوع نهاده‌ها منجر به توقف واردات و عرضه شده است.

در وضعیت فعلی، تاخیر در ترخیص نهاده‌های دامی، به‌ویژه ذرت و کنجاله سویا، به شکل محسوسی فشار را بر زنجیره تولید گوشت، مرغ و سایر محصولات پروتئینی افزایش داده است. برخی مرغداران و تولیدکنندگان طیور گزارش می‌دهند که برای ادامه تولید مجبور به تهیه نهاده از بازار آزاد، آن هم با دو الی سه برابر قیمت مصوب شده‌اند. این افزایش هزینه تامین خوراک دام، در نهایت به رشد قیمت تمام‌شده تولید منجر می‌شود یا تولیدکنندگان در بسیاری مواقع مجبور به عرضه محصول با زیان خواهند شد.

از سوی دیگر، مشکلات ساختاری و سیاستگذاری‌های موازی و متضاد نهادها، خود را در فرآیند ترخیص و توزیع نهاده نیز نشان داده‌اند. برای مثال، واردات نهاده‌های دامی در چهار ماه اول ۱۴۰۴ نسبت به مدت مشابه سال قبل کاهش داشته است. همچنین برخی محموله‌ها هنوز در بنادر و لنگرگاه‌ها در انتظار تخلیه و دریافت مجوز گمرکی هستند. در عین حال روند تخصیص ارز برای واردات این نهاده‌ها و اولویت‌بندی توزیع در سامانه داخلی به‌گونه‌ای بوده که هم تاخیر زمانی در تحویل خوراک ایجاد شده و هم توزیع چندان عادلانه نبوده است.

گمرک و سازمان‌های هم‌عرض نیز به‌جای هماهنگی افقی، عملا در چیدمان مقررات با هم تقابل پیدا می‌کنند. یک بخش سخت‌گیری فنی را بالا می‌برد، دیگری بخش تعهدات ارزی را تغییر می‌دهد و این نوسان بین مقررات باعث می‌شود فعال تجاری دید روشنی از زمان‌بندی ترخیص نداشته باشد. اگر این وضعیت، یعنی تاخیر در ترخیص و تخصیص نهاده و همچنین نبود شفافیت در توزیع، ادامه یابد، بازار گوشت و مرغ احتمالا در ماه‌های آتی با کمبود عرضه و رشد بیشتر قیمت مواجه خواهد بود؛ اتفاقی که فشار بر سفره خانوارها را تشدید می‌کند.

در این میان باید اشاره کرد که تدابیری برای تسهیل ورود نهاده‌های دامی به منظور تامین امنیت غذایی کشور در نظر گرفته شد. برای مثال، در روزهای پایانی آبان ۱۴۰۴، هیات وزیران با مصوبه‌ای ورود کالاهای اساسی شامل برنج، روغن نباتی، گوشت قرمز، جو، ذرت، کنجاله و حبوبات از مسیر استان‌های مرزی را مجاز اعلام کرد. همچنین شنیده‌ها حاکی از آن است که بر اساس بخشنامه سازمان توسعه تجارت در راستای رفع موانع تجاری و تسریع در فرآیند ثبت‌سفارش کالا، تمامی کنترل‌های مربوط به تخصیص ارز از جمله قرارگیری در صف تخصیص یا احراز وجود تخصیص ارز در مرحله ارسال اطلاعات به گمرک در سامانه جامع تجارت متوقف شده است.

فعالان تجاری کشور بر این باورند که ریشه اصلی بحران واردات و ترخیص نهاده‌های دامی، نبود هماهنگی میان بانک مرکزی و وزارت جهاد است.

واگرایی در سیاستگذاری نهادها

فعالان تجاری کشور بر این باورند که ریشه اصلی بحران واردات و ترخیص نهاده‌های دامی، نبود هماهنگی میان بانک مرکزی و وزارت جهاد است. این دو نهاد با سیاست‌های متفاوت عمل می‌کنند و همین شکاف، ترخیص محموله‌ها را به تاخیر می‌اندازد. به‌گفته نمایندگان بخش خصوصی «کمبود ارز»، «تداوم ابهام در تخصیص دلار ۲۸۵۰۰ تومانی»، «پرداخت‌نشدن مطالبات چندماهه واردکنندگان» و «اختلاف اداری میان دو دستگاه» باعث شده کالا در گمرک بماند و بخش خصوصی با وجود انجام تعهدات خود، بدون دریافت ارز و بدون پاسخ روشن، به بن‌بست برسد.

بر این اساس احمدرضا فرشچیان، رئیس کمیسیون مدیریت واردات اتاق بازرگانی ایران، در گفت‌وگو با «دنیای‌اقتصاد» با اشاره به آنکه هنوز حجم نهاده‌های دامی که در گمرکات کشور معطل مانده‌اند مشخص نیست، گفت: علت اصلی تاخیر در ترخیص نهاده‌ها در گمرکات، عدم‌هماهنگی میان بانک مرکزی و وزارت جهاد کشاورزی است. در واقع این دو نهاد طبق دو سیاست جدا اقدام می‌کنند و هیچ نقطه‌ای از همگرایی میان آنها دیده نمی‌شود. از سوی دیگر، هیچ‌کدام از این دو نهاد شرایط دیگری را درک نمی‌کنند و به واقعیت‌های موجود توجهی ندارند.

او با اشاره به بحث تامین ارز نیز گفت: این مشکل نیز همچنان در بحث ترخیص کالا به‌جای خود باقی است. در واقع اکنون دولت ارز کافی برای تخصیص ندارد و کسری بیش از پیش تشدید شده است. واردکننده نیز از سوی دیگر با تامین‌کننده خارجی مواجه است که بدون دریافت پول، کالا را آزاد نمی‌کند. نتیجه آن نیز توقف کالا و نابسامانی بازار داخلی است.

رئیس کمیسیون مدیریت واردات اتاق بازرگانی ایران توضیح داد: فعالان حوزه تجارت همچنان با دلار ۲۸۵۰۰ تومانی با مشکل مواجه‌اند و کارشناسان این حوزه بر این باورند که تخصیص دلار ۲۸۵۰۰ تومانی باید متوقف و یک ساختار سازگار و سازوکار صحیح به عنوان جایگزین تعریف شود. هنگامی که هر نهاد از ظن خود مسیر را پیش می‌برد و اعتنایی به شرایط ندارد، همچنین یک اصلاح ساختاری اساسی صورت نمی‌گیرد، نمی‌توان به بهبود وضعیت امیدوار بود. در این میان باید اشاره کرد که اکنون بانک مرکزی ادعا می‌کند که ارز مورد نیاز نهاده‌ها را تخصیص داده است، اما در مقابل جهاد کشاورزی مدعی است که ارزی به آن تخصیص داده نشده است. از سوی دیگر، طلبکاران و واردکنندگانی که اقدام به واردات کالا کرده‌اند، چندین ماه است که معوقاتشان پرداخت نشده است.

بن‌بست مطالبات بخش خصوصی

فرشچیان تاکید کرد: هیچ‌کدام از فرایندهای ترخیص کالا، که نخستین گام اصلاح است، اصلاح نمی‌شود؛ مگر آنکه وزارت جهاد کشاورزی و بانک مرکزی بپذیرند که عرضه دلار ۲۸۵۰۰ تومانی متوقف شود تا سلامت در ساختار تجارت افزایش یابد. آن‌گاه می‌توان مطمئن بود که همه مشکلات، به نوبت حل می‌شود.

او ادامه داد: سیستم تجارتی که وزارت جهاد کشاورزی طراحی کرده، ناکارآمد است و این موضوع به سایر بخش‌های تجاری کشور سرایت کرده است. درصورت عدم‌اصلاح نرخ ارز، بانک مرکزی نیز قادر نیست تامین ارز را به شکل صحیح اجرا کند. بانک مرکزی نیز خود را در موقعیتی می‌بیند که اگر تعدیل نرخ انجام دهد، تورم ایجاد می‌شود؛ درحالی‌که تورم کنونی مدت‌ها است خارج از این قواعد شکل گرفته است. این ساختار معیوب، با وضعیت فعلی درآمدی دولت، شرایط تخصیص ارز و وضعیت تامین ارز بانک مرکزی، همچنان ادامه‌دار خواهد بود.

رئیس کمیسیون مدیریت واردات اتاق بازرگانی ایران با اشاره به نقش بخش خصوصی در فرآیند واردات و ترخیص نهاده‌ها از گمرکات کشور گفت: بخش خصوصی همواره در حال انجام وظایف خود است. اعضای پارلمان بخش خصوصی نهاده‌ها را وارد کشور کرده‌اند، اما همچنان ارزی به آنها تعلق نگرفته است. در واقع بخش خصوصی بیش از این توان ندارد و پیگیری‌ها و مطالبات نیز در مقابل وزارت جهاد کشاورزی به بن‌بست می‌خورد.

در نهایت باید به این نکته اشاره کرد که در فضای فعلی کشور، مساله نهاده‌ها دیگر صرفا یک گره لجستیکی یا اختلاف اداری نیست، بلکه به مشکل و نشانه هشدار برای کل معماری حکمرانی تجاری کشور تبدیل شده است. تا زمانی که ساختار تصمیم‌گیری در سطح تجارت خارجی هر نهادی بر پایه منافع خود باشد، هر اصلاح مقطعی، دوباره به نقطه شکست بازمی‌گردد. بنادر امروز فقط محل دپوی ذرت و سویا نیستند، بلکه آینه‌ای از شکاف میان سیاست ارزی، تامین مالی و مدیریت زنجیره تامین‌اند. آینده بازار پروتئین و حتی ثبات قیمتی در ماه‌های پیش‌رو، وابسته به این است که نهادهای اقتصادی کشور به این نتیجه برسند که زنجیره واردات به یک ساختار یکپارچه، شفاف و قابل اتکا نیازمند است و نه تصمیم‌سازی‌های جزیره‌ای.

موج تازه تعدیل نیرو در شرکت‌های بزرگ جهانی

همزمان با کاهش تقاضای مصرف‌کنندگان و آغاز جایگزینی مشاغل با اتوماسیون درشرکت‌های فناوری متمرکز بر هوش مصنوعی، شرکت‌های بزرگ در سراسر جهان از جمله آمازون، نستله و یوپی‌اس، برای مهار هزینه‌ها تعدیل نیرو را تشدید کرده‌اند. شرکت‌های آمریکایی در ماه جاری، بیش از ۲۵ هزار شغل را حذف کرده‌اند.

با توجه به اینکه دولت آمریکا در میانه دومین تعطیلی طولانی تاریخی خود قرار دارد، آمار کلی تعدیل نیرو در سطح اقتصاد این کشور در دسترس نیست. این در حالی است که تعدیل نیرو در پایان سال امری عادی است و بسیاری از تعدیل‌های چشم‌گیر در یک دوره طولانی ادامه خواهند داشت. دلایل این تعدیل نیروها متفاوت است. برخی از این شرکت‌ها، مدیران عامل جدیدی دارند که مشتاق بازسازی و تحول در فرآیند کار خود هستند.

آخرین نظرسنجی منتشر شده شرکت کی‌پی‌ام‌جی از مدیران مستقر در آمریکا در سپتامبر، نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری پیش‌بینی شده در هوش مصنوعی، در سه‌ماه اول سال جاری افزایش یافته است. اقتصاددانان آمریکا در ۲۲ اکتبر اعلام کردندَ که مشاغلی که بیشترین احتمال حذف را خواهند داشت، مشاغلی رده پایینی هستند که با اتوماسیون جایگزین می‌شود.

نوسان رشد روی خط صفر

درحالی‌که در برنامه هفتم توسعه، رشد اقتصادی ۸درصدی هدف‌گذاری شده، عملکرد اقتصاد ایران در نیمسال نخست۱۴۰۴ فاصله قابل‌توجهی با این هدف دارد. طبق آمار موجود، رشد اقتصادی تنها ۰.۱درصد و رشد بدون نفت منفی ۰.۵درصد بوده است؛ رقمی که نشان می‌دهد بخش‌های مولد اقتصاد ایران در سال جاری درجا می‌زند. حال آنکه در نیمسال نخست سال ۱۴۰۳، رشد اقتصادی ۳.۹درصد ثبت شده بود و مقایسه این دو دوره حکایت از افت محسوس رشد دارد. بررسی گروه‌های اثرگذار بر تولید نشان می‌دهد بسیاری از بخش‌ها در رکود قرار دارند یا رشدی کمتر از یک درصد داشته‌اند. بنابراین موتورهای اصلی اقتصاد توان لازم را برای ایجاد رشد پایدار ندارند. کارشناسان معتقدند عبور از وضعیت رشد کم‌دامنه نیازمند جذب سرمایه‌گذاری خارجی، بهبود فضای کسب‌وکار و ثبات شاخص‌های اقتصادی است. علاوه بر این، وابستگی قابل‌توجه صنعت به انرژی ارزان باعث شده است کمبود منابع انرژی در سال جاری به مانعی جدی برای افزایش رشد اقتصادی تبدیل شود.

اروند جعفرصالحی: مرکز آمار ایران آخرین نتایج حساب‌های ملی فصلی را منتشر کرد که بر اساس آن رشد ۶ماهه اقتصاد ایران ۰.۱درصد ثبت شده و این میزان بدون احتساب، نفت منفی ۰.۵درصد بوده است. فصل بهار سال ۱۴۰۴ رشد منفی ۰.۲درصدی را ثبت کرده بود که هشداری برای وضعیتی رکودی اقتصاد ایران به حساب می‌آمد اما فصل تابستان با رشد مثبت کم‌رمق ۰.۳درصدی مواجه شد که نسبت به فصل پیش از آن ۰.۵واحد درصد افزایش را ثبت کرده است. این میزان هرچند بهبودی را نسبت به فصل بهار نشان می‌دهد اما همچنان از سطوح برنامه‌ریزی شده در اسناد بالادستی فاصله دارد. در میان اجزای تولید ناخالص داخلی، گروه کشاورزی کمترین میزان رشد را با منفی ۳.۲درصد و گروه صنایع و معادن با رشد ۰.۹درصدی ثبت کردند. بخش خدمات نیز در فصل تابستان ۱۴۰۴ رشد ۰.۵درصدی را تجربه کرد. با توجه به پایداری چالش‌های پیش روی رشد اقتصادی در فصل پاییز به نظر نمی‌رسد رشد اقتصادی تا پایان سال از بازه یک تا ۲درصد فراتر رود. پیش‌بینی رشد اقتصادی تا پایان سال، فاصله معناداری با رشد ۸درصدی در برنامه هفتم پیشرفت دارد.

گزارش مرکز آمار ایران در رابطه با حساب‌های ملی فصلی منتشر شد. براساس نتایج این گزارش، محصول ناخالص داخلی (یا GDP) به قیمت ثابت سال ۱۴۰۰ در ۶ ماه نخست سال ۱۴۰۴ رقم ۵ هزار و ۶۶ هزارمیلیارد تومان را ثبت کرده است. این در حالی است که در مدت مشابه سال قبل، محصول ناخالص داخلی به ۵ هزار و ۶۱ هزارمیلیارد تومان رسیده بود. این موضوع نشان از رشد ۰.۱ درصدی محصول ناخلی داخلی دارد. در رابطه با محصول ناخالص داخلی بدون احتساب نفت اما وضعیت ناخوشایندتر است. محصول ناخالص داخلی در ۶ ماه ابتدایی سال جاری به ۳ هزار و ۸۱۹ هزارمیلیارد تومان رسید که بدون احتساب نفت است. این رقم برای ۶ ماه ابتدایی سال ۱۴۰۳ برابر با ۳ هزار و ۸۳۶ هزارمیلیارد تومان بوده است که حاکی از افت منفی ۰.۵ درصدی محصول ناخالص داخلی در ۶ ماه ابتدایی سال ۱۴۰۴ دارد. در بازه زمانی ۶ ماهه و در میان گروه‌های اصلی، گروه کشاورزی با افت منفی ۳ درصدی در رشد اقتصادی، بیشترین افت را تجربه کرده است. در مقابل گروه خدمات با رشد ۰.۵ درصدی بیشترین رشد را داشته است. گروه صنایع و معادن نیز رشد ۰.۳ درصدی را ثبت کرده است، درحالی‌که بدون احتساب نفت، رشد این گروه به منفی ۰.۹ درصد می‌رسد.

رشد منفی تشکیل سرمایه ثابت ناخالص

براساس بخش دیگری از گزارش نتایج حساب‌های ملی فصلی مرکز آمار ایران، رشد محصول ناخالص داخلی به تفکیک اجزای هزینه نهایی آمده است. پس از ثبت رشد منفی ۱.۱ درصدی در هزینه مصرف نهایی خصوصی فصل بهار، در ۶ ماه ابتدایی سال ۱۴۰۴ نیز رشد منفی ۱.۲ درصدی را ثبت کرد. هر چند میزان کاهش در فصل تابستان ۱۴۰۴ نسبت به فصل بهار کمتر بوده است اما همچنان هزینه مصرف نهایی خانوار روندی نزولی را طی می‌کند که می‌تواند هشداری از کاهش مصرف در اقتصاد باشد. این موضوع عمدتا از ناطمینانی به شرایط اقتصادی و افزایش تقاضای احتیاطی و در نتیجه کاهش مصرف خانوار ناشی می‌شود. در قسمت تشکیل سرمایه ثابت ناخالص نیز در فصل بهار افت منفی ۱.۹ درصدی را ثبت کرد که نسبت به رشد کم رمق ۰.۷ درصدی سال ۱۴۰۳، افت قابل‌توجهی را نشان می‌دهد. تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به عنوان موتور رشد اقتصادی برای فصل‌های آتی شمرده می‌شود. این جزء در ۶ ماه نخست سال جاری افت بیشتری را نیز نشان می‌دهد و رقم منفی ۳.۴ درصدی را ثبت کرده است که می‌تواند هشداردهنده باشد. این نشان می‌دهد که تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در فصل تابستان همچنان کاهشی بوده است و تغییر محسوسی در بهبود روند آن مشاهده نمی‌شود. تشکیل سرمایه در ماشین‌آلات و ساختمان در ۶ ماه ابتدایی سال جاری نیز به ترتیب منفی ۵.۲ و منفی ۰.۸ درصد بوده است.

تابستان کم‌حاصل اقتصاد ایران

تولید ناخالص داخلی فصلی از پاییز سال ۱۴۰۲ روندی نزولی را طی کرده است و از رشد ۵.۵ درصدی در این فصل، به منفی ۰.۲ درصد در بهار سال جاری رسیده است. این کاهش در انتهای بازه زمانی عمدتا ناشی از افزایش ریسک‌های سیاسی که بر فروش نفت اثرگذار بودند رخ داده است. همچنین پس از تحمیل جنگ بر اقتصاد ایران از سوی اسرائیل و ایالات متحده آمریکا در پایان فصل بهار و ابتدای فصل تابستان، فضای نه جنگ و نه صلح اقتصاد را تحت‌تاثیر قرار داده که در نهایت به افزایش ناطمینانی‌ها و کاهش تولید منجر شده است. هر چند که در فصل تابستان رشد اقتصادی به ۰.۳ درصد رسیده و اندکی مثبت شده است اما همچنان پایین و نزدیک به صفر است. این نرخ رشد در مقایسه با نرخ رشد فصل تابستان سال ۱۴۰۳ که رقم ۳.۱ درصد را ثبت کرده بود، به طور قابل‌توجهی پایین است.

در میان اجزای رشد فعالیت‌های عمده اقتصادی، گروه کشاورزی رشد منفی ۳.۲ درصدی را در فصل تابستان تجربه کرد. رشد این بخش در فصل بهار نیز منفی ۲.۷ درصد بوده است. این در حالی است که در تمام فصول سال ۱۴۰۳ بخش کشاورزی رشدهای بالای ۲ درصد را تجربه کرده بود. از عوامل تاثیرگذار بر رشد پایین این بخش می‌توان به بروز خشکسالی، کمبود آب و سیاستگذاری ناصحیح دولت در قیمت‌گذاری و تخصیص نهاده‌های اولیه این بخش اشاره کرد.

گروه صنایع و معادن بیشترین رشد اقتصادی را در تابستان ۱۴۰۴ در میان گروه‌های اصلی ثبت کرده است. رشد این گروه ۰.۹ درصد بوده است، درحالی‌که در فصل بهار رشد منفی ۰.۳ درصدی را به ثبت رسانده بود. در میان زیرگروه‌های این بخش بیشترین رشد مربوط به گروه معادن و استخراج نفت و گاز طبیعی بوده است که رشد ۲.۸ درصدی را ثبت کرده است و در مقابل، تامین آب و برق و ساختمان به ترتیب با رشدهای منفی ۵.۴ درصد و منفی ۱.۷ درصد کمترین رشدها را ثبت کردند. این نشان می‌دهد نیروی محرکه رشد مثبت اما ناچیز تابستان امسال، بخش استخراج نفت و گاز بوده است. این موضوع در رشد گروه صنایع و معادن بدون احتساب نفت نیز مشخص است که منفی ۰.۷ درصد بوده است.

گروه خدمات در تابستان امسال رشد ۰.۵ درصدی را تجربه کرد که اندکی بیشتر از رشد ۰.۴ درصدی فصل پیشین بوده است. در میان زیربخش‌های این گروه، واسطه‌گری‌های مالی با ۹.۴ درصد بیشترین رشد را داشته و عمده و خرده‌فروشی، هتل و رستوران با منفی ۲.۸ درصد کمترین رشد را داشته است. بروز جنگ و کاهش تقاضای سفر و از سوی دیگر افزایش قیمت جهانی دارایی‌هایی چون طلا و دارایی‌های داخلی به دلیل افزایش تورم و رسیدن به سطوح ۴۰ درصدی، دلیل رشد واسطه‌گری‌های مالی بوده است.

به طور کلی رشد اقتصادی در فصل تابستان، هرچند اندکی مثبت بوده است اما فاصله چندانی از صفر ندارد و با توجه به فضای اقتصاد کلان به نظر نمی‌رسد تا پایان سال و در فصول آینده رشد تغییر چندان کند که به اهداف برنامه‌ریزی‌شده در قانون برنامه هفتم توسعه که رشد ۸ درصدی را هدف‌گذاری کرده بود، برسد. از سوی دیگر نیروی پیشران رشد اندک این فصل عمدتا توسط بخش استخراج نفت و گاز صورت گرفته و بخش‌های دیگر چون خدمات و صنعت رشد کمی را تجربه کرده‌اند. با توجه به روند فزاینده تورم و اینکه بخش عمده‌ای از اشتغال در بخش‌هایی است که رشد پایینی را تجربه کرده‌اند، نیروی کار سهم کمتری از رشد اقتصادی دارد. در حال حاضر، رشد اقتصادی به صورت کلی نیازمند سرمایه‌گذاری در بخش‌هایی است که موتور حرکت اقتصاد هستند و تا زمانی که محدودیت‌ها در این حوزه برطرف نشوند، برگشت اقتصاد به رشدهای بالا دور از ذهن خواهد بود.

حراج سکه طلا تا پایان سال هر هفته انجام می‌شود

تا پایان سال جاری هر هفته حراج انواع قطعات سکه طلا در مرکز مبادله ایران برگزار خواهد شد. طبق اعلام بانک مرکزی، این اقدام با هدف تنظیم بازار، ایجاد شفافیت در فرآیند عرضه و فراهم آوردن امکان دسترسی آسان‌تر برای خریداران و متقاضیان واقعی صورت می‌گیرد و انتظار می‌رود نقش مهمی در تعادل‌بخشی به قیمت‌ها، مقابله با سوداگری و همچنین مدیریت تقاضای موجود در بازار ایفا کند.

براساس اعلام بانک مرکزی، با توجه به برگزاری منظم و زمان‌بندی‌شده این رویداد، فعالان بازار و خریداران خرد می‌توانند با اطمینان بیشتری برای خرید برنامه‌ریزی کنند. همچنین روند عرضه قطعات سکه در این حراج‌ها با نظارت کامل و به‌صورت شفاف انجام خواهد شد تا امکان سوءاستفاده یا ایجاد هیجان کاذب در بازار به حداقل برسد.

طبق اعلام بانک مرکزی، در دوشنبه هفته جاری، نودمین مرحله از حراج سکه طلا برگزار می‌شود. در این حراج، انواع سکه‌های بهار آزادی ضرب سال ۱۴۰۴ شامل ربع، نیم و تمام سکه بدون بسته‌بندی عرضه می‌شود. واریز وجه یکشنبه ۱۶ آذر از ساعت ۸ تا ۲۳ امکان‌پذیر است.

متقاضیان می‌توانند تا ۵ قطعه سکه خریداری کنند. شیوه برگزاری حراج از طریق ثبت‌سفارش و تخصیص بر مبنای اولویت قیمت-زمان است. شروع جلسه حراج رأس ساعت ۱۲ روز دوشنبه ۱۷ آذرماه خواهد بود و نتایج ساعت ۱۶ همان روز اعلام می‌شود.

روزنامه مرز اقتصاد
www.marzeghtesad.ir
دوشنبه ۰۸ دی ماه ۱۴۰۴ • شماره ۸۳۲
www.marzeghtesad.ir

ورود شاخص بورس به کانال ۳,۴ میلیونی

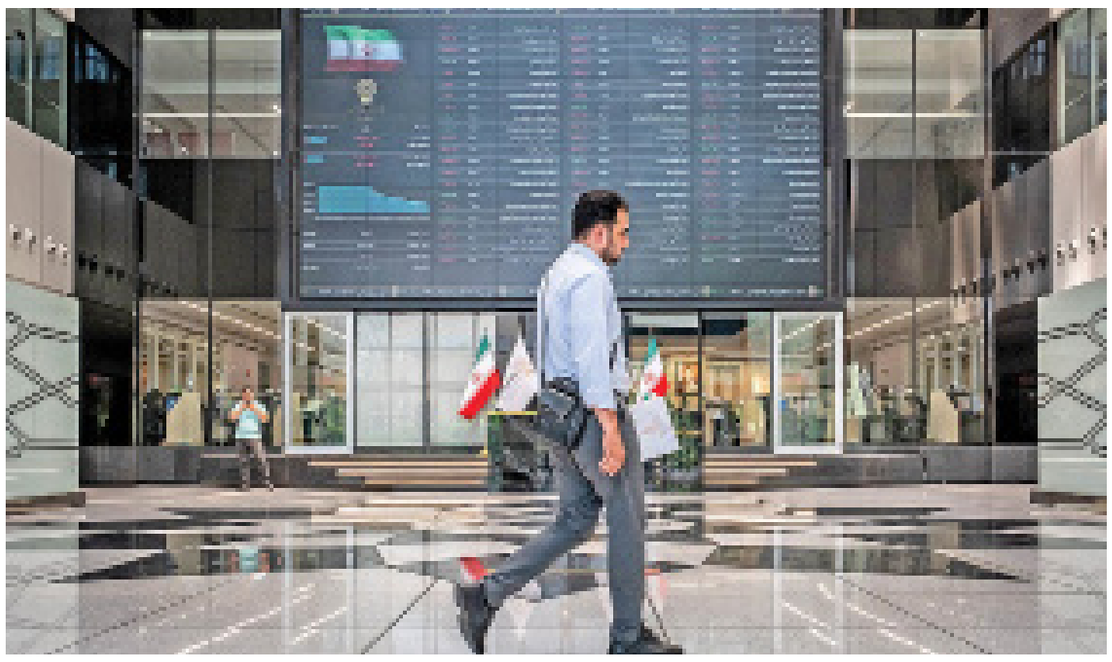

فرحناز نعمتی – بازار سهام دیروز، شاهد رکوردشکنی‌های جدیدی بود. رشد قیمت دلار، سکه و طلا، بورس تهران را مجاب کرد تا در مقابل رقبای خود با واکنش مثبت، هفته جاری را آغاز کند.

شاخص کل بورس با افزایش حدود ۱.۹۷درصدی موفق شد تا برای نخستین‌بار وارد کانال ۳.۴میلیون واحدی شود. پس از حضور قدرتمندانه خریداران در صحنه بازار سهام، شاخص کل در محدوده ۳میلیون و ۴۶۶هزار واحد آرام گرفت. همچنین نماگر هموزن نیز با افزایش ارتفاع بیش از ۱.۴درصدی، در محدوده ۹۷۳هزار واحد متوقف شد تا در یک‌قدمی سقف تاریخی خود یعنی محدوده ۹۷۷هزار واحد قرار گیرد. با توجه به اختلاف ۷۰درصدی قیمت دلار توافقی و بازار آزاد و همچنین روند روبه‌رشد نرخ‌های کالاهای پایه در بازارهای جهانی، چشم‌انداز بازار سهام مثبت ارزیابی می‌شود.

علاوه بر این، انتشار گزارش‌های عملکرد ماهانه آبان‌ماه نیز شانس تقویت سودآوری شرکت‌ها در نیمه دوم سال را افزایش داد. به نظر می‌رسد فرمان بورس برای ادامه روند افزایشی در دست سیاستگذار است تا با انجام اصلاحات لازم، راه را برای رونق بازار سهام هموار کند.

ریسک‌پذیری در بازارهای جهانی

در هفته گذشته، بحث تغییر پاول به عنوان سکاندار فدرال‌رزرو یا بانک مرکزی آمریکا جدی شد. به نظر می‌رسد در نشست بعدی که در ۱۰دسامبر برگزار می‌شود، شانس کاهش نرخ بهره بیشتر باشد. به‌خصوص آنکه با تضعیف دلار و رشد نسبی شاخص‌های سهامی در آمریکا، سیگنال کاهش نرخ بهره تقویت شده است. با این حال، بازار اوراق قرضه آمریکا تحت فشار قرار دارد، چرا که نرخ‌های بازده اوراق رو به افزایش است. تمرکز کلی بازارهای جهانی در هفته پیش‌رو روی دو موضوع اصلی است. اول احتمال کاهش یا عدم کاهش نرخ بهره است. دوم نشانه‌هایی از کندشدن بازار کار و همچنین ناطمینانی‌ها از تورم که بازارهای جهانی را متلاطم کرده است. با این حال، قیمت‌های جهانی در هفته گذشته با رشد قابل‌توجهی همراه بودند و بر درجه ریسک‌پذیری معامله‌گران جهانی افزوده شده است.

کالاهای پایه که به طور مستقیم بر بورس ایران اثرگذار هستند، شامل طلا، مس، آلومینیوم و روی با افزایش قیمت همراه بودند. قیمت فولاد به‌رغم سایر فلزات تغییرات به‌خصوصی نداشته است. نفت برنت با وجود فشار عرضه‌ها با افزایش اندکی همراه بوده و در محدوده ۶۳دلار به ازای هر بشکه مورد معامله قرار گرفته است. هر اونس طلای جهانی در محدوده ۴هزار و ۲۰۰دلار دادوستد می‌شود. به نظر می‌رسد، از منظر بازارهای جهانی صنایع کالامحور بورس تهران، محرک‌های کافی را داشته باشند، به‌خصوص آنکه در بازار داخلی به ویژه تالار نقره‌ای بورس کالا شرایط فروش محصولات شرکت‌ها بسیار خوب ارزیابی می‌شود.

رشد دلار در تالار نقره‌ای

همزمان با رشد قیمت دلار و عبور آن از مرز ۱۲۰هزار تومان، همچنان نرخ حواله اسکناس آمریکایی در بازار توافقی در کانال ۷۱هزار تومان قرار دارد. اختلاف بیش از ۷۰درصدی قیمت در دو بازار مذکور، سبب شده پتانسیل بالایی برای شرکت‌های بورسی به وجود آید. تالار نقره‌ای بورس کالا همچنان خبرهای خوبی را برای صنایع کالامحور دارد.

در رینگ پتروشیمی، قیمت هر تن پلی‌اتیلن با رشد ۲درصدی در هفته گذشته به ۸۲میلیون تومان رسید. هر تن اوره از ۲۵میلیون تومان به ازای هر تن گذشت و سایر محصولات پتروشیمی نظیر ABS و PP با رشد بیش از ۵درصدی در هفته گذشته همراه بودند. در رینگ صنعتی نیز هر تن کنسانتره سنگ‌آهن حدود ۶.۴میلیون تومان، گندله حدود ۷.۳میلیون تومان و آهن اسفنجی بیش از ۱۸.۶میلیون تومان به ازای هر تن مورد معامله قرار گرفت. شمش فولاد نیز بیش از ۳۴.۷میلیون تومان دادوستد شد. این درحالی است که هر تن کاتد مس از ۱.۱۶میلیارد تومان عبور کرده و روی و آلومینیوم نیز به واسطه رشد قیمت‌های جهانی در حال رکوردشکنی هستند.

بر حسب قیمت‌های جهانی، دلار محصولات فولادی در بورس کالا، حدود ۸۰هزار تومان و دلار کاتد مس حدود ۱۰۰هزار تومان است. این درحالی است که دلار محصولات آلومینیومی بالای ۱۰۸هزار تومان مورد محاسبه قرار گرفت. به نظر می‌رسد در روزهای آینده رشد قیمت دلار توافقی و جبران فاصله قیمتی ۷۰درصدی بازار توافقی و آزاد، بتواند روزهای بهتری را برای بازار سهام رقم بزند. هرچند دیروز شاخص‌های سهامی نیز نمایش خوبی را در تالار شیشه‌ای بورس تهران به اجرا گذاشتند.

بورس؛ مهمان کانال جدید

بورس تهران تحت‌تاثیر نوسانات قیمت دلار همچنان در مسیر صعودی گام برمی‌دارد. نماگر اصلی بازار سهام با رشد ۱.۹۸درصدی همراه شد که از ۲۶مهر ماه امسال چنین نوسان مثبت روزانه‌ای سابقه نداشته است. در نهایت شاخص بورس با رشد بیش از ۶۶هزار واحدی برای اولین‌بار وارد کانال ۳.۴میلیون واحدی شد. حضور پررنگ خریداران و جذابیت هرچه بیشتر بورس تهران، در مقایسه با سایر بازارها در کوتاه‌مدت، سبب شد تا نماگر اصلی در محدوده ۳میلیون و ۴۶۶هزار واحد تثبیت شود. تنها نماگر بازارها، یعنی شاخص هموزن همچنان پشت سقف تاریخی خود منتظر مانده است. این نماگر ثانویه بازار، دیروز با رشد ۱.۴۲درصدی در محدوده ۹۷۳هزار واحد قرار گرفت. این درحالی است که سقف تاریخی شاخص هموزن، در محدوده ۹۷۷هزار واحد قرار دارد. فاصله اندک این نماگر با مقاومت تاریخی، احتمالا روزهای متعادل و بهتری را برای بازار سهام رقم خواهد زد.

به‌خصوص آنکه بیش از ۸۰درصد نمادهای بورسی در محدوده سبز مورد معامله قرار گرفتند. ۳۸۴نما در محدوده ۲ تا ۳درصد و ۱۱۴نماد در محدوده یک تا دو مثبت در نوسان بودند. ضمن آنکه همه صندوق‌های اهرمی به صف خرید نشستند تا نشان دهند جرات بازار برای حضور در سمت خرید افزایش یافته است. تحرکات حقیقی‌ها نیز حکایت از آن دارند که استقبال از بورس نسبت به هفته گذشته قدری افزایش یافته است.

لیدرهای رشد ۲درصدی

بورس تهران در روز گذشته، با صف خرید در ۲۶۷نماد همراه بود. ضمن آنکه ۴۰نماد از محدوده منفی به صف خرید نشستند. همچنین بیش از ۹۰۰میلیارد تومان پول حقیقی وارد بازار سهام شد. حدود ۸۰۰میلیارد تومان از این مبلغ مستقیما وارد سهام و حق‌تقدم شد و صندوق‌های سهامی نیز میزبان ۱۱۱میلیارد تومان از سرمایه حقیقی‌ها بودند. این درحالی است که صندوق‌های اهرمی به‌رغم صف خرید شاهد کوچ جریان پول حقیقی بودند.

لیدری رشد قابل‌توجه شاخص‌های سهامی در روز گذشته را عمدتا گروه بانکی و پالایشی بر عهده داشتند. صف‌های خرید در نمادهای فملی، وبملت و شپنا، سبب شد تا هیجان خرید در بازار پایدار بماند. از میان صندوق‌های سهامی نیز بیشترین جریان پول به سمت صندوق‌های بخشی گروه بانکی و پالایشی روانه شد. این درحالی است که خروج بیش از ۲همتی پول از صندوق‌های درآمد ثابت زمینه‌ساز ورود نقدینگی سرگردان به بازار سهام و صندوق‌های طلا را فراهم آورد. ETFهای طلایی در دقایق ابتدایی بازگشایی خود با ورود پول بیش از ۲۰۰همتی همراه شدند. این صندوق‌ها تا لحظه تنظیم این گزارش عمدتا در محدوده یک تا دو درصد مثبت تابلو، در حال نوسان بودند. با رشد قیمت سکه تا مرز ۱۳۰میلیون تومان و عبور قیمت دلار از مرز ۱۲۱هزار تومان، طلای ۱۸عیار نیز به ۱۲میلیون و ۴۰۰هزار تومان به ازای هر گرم افزایش یافت. همین موضوع سبب شد تا دوباره صندوق‌های طلا در جذب سرمایه‌های حقیقی پیشتاز باشند. البته بورس تهران بر اساس سناریوهای مختلف می‌تواند تارگت‌های بالاتری را مورد هدف قرار دهد.

تارگت‌های احتمالی شاخص کل

بورس تهران برای نخستین‌بار موفق شد شاهد کانال‌های جدید قیمتی در شاخص‌های سهامی خود باشد. به‌خصوص آنکه همچنان قیمت دلار و طلا در حال پیشتازی است و بازار سهام به رسم گذشته نسبت به این تحولات در دیگر بازارها واکنش نشان می‌دهد. اینکه بورس تهران بتواند در کوتاه‌مدت از سایر رقبای خود پیشی بگیرد، شاید با احتمال بالایی قابل تحقق باشد، اما در میان‌مدت همچنان از سایر بازارها عقب خواهند ماند. یکی از دلایل این موضوع ناطمینانی‌ها در اقتصاد ایران و وضعیت کلان صنایع بورسی است که مورد توجه اهالی بازار قرار گرفته است. با رشد قیمت دلار در بازار آزاد، هرچند انتظارات تورمی برای تقویت سودآوری شرکت‌ها افزایش یافته، اما تارگت‌های جدیدی برای نرخ بهره اوراق شنیده می‌شود. به‌خصوص آنکه اخیرا نرخ بازدهی برخی از اوراق به بالای ۴۰درصد رسیده و میانگین نرخ‌ها از مرز ۳۸درصد نیز عبور کرده است. از این‌رو نمی‌توان □/□ بالایی را در مقایسه با سال‌های گذشته به سودآوری شرکت‌ها نسبت داد. این نسبت هم‌اکنون پایین‌تر از ۷واحد قرار دارد.

بر اساس گزارش‌های درآمدی ماهانه صنایع در آبان‌ماه که اخیرا راهی کدال شده، احتمال آنکه سودآوری صنایع در نیمه دوم سال تقویت شود، بسیار بالاست. در این صورت شاخص کل بورس حداقل برای قیمت‌گذاری عملکرد مالی امسال صنایع می‌تواند بین ۳.۶ تا ۴.۲میلیون واحد مورد دادوستد قرار گیرد. با این حال، در کوتاه‌مدت با فرض حفظ شرایط فعلی، اصلاح‌هایی نیز می‌تواند در شاخص اصلی بورس به وقوع بپیوندد. تا پایان امسال بازار سهام شاهد گزارش‌های ۹ماهه شرکت‌ها خواهد بود که می‌تواند بهتر از انتظارات ظاهر شود. اگر ریسک‌های سیاسی دست و پاگیر بازار سهام نشود، شاخص کل بازار سهام می‌تواند برای سال آینده با دلار توافقی بالای ۱۰۰هزار تومان، در محدوده ۵میلیون تا ۵.۲میلیون واحد نوسان کند.

عقب‌نشینی اول هفته دلار

افت قیمت در اولین روز کاری هفته می‌تواند نشان‌دهنده تعدیل انتظارات کوتاه‌مدت معامله‌گران باشد؛ به‌ویژه پس از جهش‌های متوالی در هفته گذشته. برخی فعالان این افت را ناشی از کاهش تقاضای نقدی و مداخله عرضه‌کنندگان در بازار عنوان می‌کنند، درحالی‌که گروهی دیگر آن را اصلاح طبیعی پس از رشدهای سریع اخیر می‌دانند. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد که بخشی از تقاضای ارز مسافرتی و ارز زیارتی نیز کمتر از گذشته شده است.

در کنار این موضوع، برخی فعالان بازار معتقدند که انتشار خبر دعوت رسمی گروه ویژه اقدام مالی (FATF) از رئیس مرکز اطلاعات مالی کشور برای مذاکره حضوری، پس از شش سال، نیز ممکن است بر افت قیمت ارز موثر بوده باشد. ایران در ماه‌های اخیر تلاش‌هایی برای خروج از فهرست سیاه FATF آغاز کرده و در گام نخست، کنوانسیون پالرمو چندی قبل در مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب شد. همچنین تودیع این سند نزد امین اسناد سازمان ملل متحد در دستور کار وزارت امور خارجه قرار گرفته و فرآیند تصویب کنوانسیون CFT نیز در حال پیگیری است.

با این وجود برخی کارشناسان تاکید می‌کنند که هنوز برای خروج ایران از لیست سیاه گام‌های زیادی باید برداشت. در کنار این موضوع، گمانه‌زنی‌ها درباره احتمال آغاز مجدد مذاکرات ایران و آمریکا نیز فضای روانی بازار را تحت‌تاثیر قرار داده است.

جا ماندن دلار توافقی از دلار آزاد

در روزهای اخیر اختلاف میان نرخ دلار آزاد و دلار توافقی دوباره به یکی از محوری‌ترین موضوعات فعالان بازار سرمایه تبدیل شده است. این فاصله که حالا به‌گفته بسیاری از تحلیلگران به محدوده‌ای بی‌سابقه از اول سال رسیده، اثر مستقیم و فوری بر سودآوری شرکت‌های صادرات‌محور دارد؛ شرکت‌هایی که بخش بزرگی از ارزش بازار را تشکیل می‌دهند و در واقع عامل سنجش عملکرد صنایع به سیاست‌های ارزی محسوب می‌شوند.

برزو حق‌شناس، کارشناس بازار سرمایه با اشاره به اثر دوگانه و پیچیده شکاف ارزی بر صادراتی‌ها توضیح داد: هر زمان دلار آزاد رشد می‌کند، اما دلار توافقی همراه آن بالا نمی‌آید، اثر نخست در سمت هزینه‌ها ظاهر می‌شود. بسیاری از صادراتی‌ها در بخش‌های مختلف از مواد مصرفی گرفته تا قطعات، کاتالیست‌ها، حمل‌ونقل و حتی برخی اقلام سرمایه‌ای وابستگی ارزی دارند. وقتی دلار آزاد بالا می‌رود، این اقلام نیز گران‌تر می‌شود. اما چون نرخ توافقی ثابت می‌ماند، درآمدها رشد نمی‌کند و این عدم‌توازن مستقیما حاشیه سود شرکت را فشار می‌دهد.

او تاکید کرد: این وضعیت به‌ویژه در دوره‌های طولانی باعث کم شدن EPS(سود هر سهم) و در برخی شرکت‌ها حتی منفی شدن جریان سود می‌شود؛ موضوعی که در صورت‌های مالی ۶ماهه و ۹ماهه بعضی صادرکنندگان در دو سال اخیر قابل مشاهده بوده است. وی در ادامه افزود: اما در سناریوی مقابل یعنی زمانی که دلار توافقی نیز همراه بازار آزاد رشد کند معادله کاملا متفاوت می‌شود. در چنین حالتی چون اثر هزینه‌ای محدودتر است، اما درآمد تسعیر شده با نرخ بالاتر ثبت می‌شود، EPS شرکت‌ها افزایش پیدا می‌کند. این دقیقا همان چیزی است که بازار از آن استقبال می‌کند؛ هماهنگی میان نرخ‌های ارزی و حذف فاصله‌ای که هر چه بزرگ‌تر می‌شود، عدم‌قطعیت بیشتری به شرکت‌ها تحمیل می‌کند.

کدام صنایع بیشترین انتفاع را می‌برند؟

حق‌شناس در ادامه درباره صنایع مختلف توضیح داد: وقتی صحبت از کاهش فاصله میان دلار آزاد و دلار توافقی به میان می‌آید، اثر آن بر صنایع مختلف صادرات‌محور یکسان نیست. او معتقد است نخستین گروهی که در چنین شرایطی واکنش مثبت نشان می‌دهد پتروشیمی‌ها هستند؛ چرا که فروش آنها عمدتا ارزی است، اما بخش قابل‌توجهی از هزینه‌هایشان ریالی یا کم‌وابسته به ارز آزاد است. همین ترکیب باعث می‌شود کوچک‌شدن شکاف ارزی بلافاصله در صورت‌های مالی این شرکت‌ها خودش را نشان دهد و رشد EPS آنها سریع‌تر از سایر گروه‌ها نمایان شود. این کارشناس اضافه کرد: بعد از پتروشیمی‌ها نوبت به فولادی‌ها و شرکت‌های فلزات اساسی می‌رسد. این صنایع نیز درآمد دلاری دارند، اما در مقایسه با پتروشیمی‌ها وابستگی بیشتری به نهاده‌های وارداتی و قیمت‌های جهانی نشان می‌دهند. با این حال، کوچک‌شدن فاصله نرخ‌ها همچنان برای آنها مثبت است، چون در محاسبه نرخ پایه محصولات، قیمت‌های صادراتی و نرخ تسعیر نقش تعیین‌کننده دارد. در فولاد و فلزات، هر زمان نرخ توافقی به نرخ آزاد نزدیک شود، حاشیه سود شرکت‌ها قابل‌ترمیم است؛ حتی اگر هزینه‌ها هم مقدار کمی بالا برود.این کارشناس درباره معدنی‌ها افزود: اثرگذاری در معدنی‌ها کندتر و با شدت پایین‌تری رخ می‌دهد. درآمد این شرکت‌ها شدیدا تحت‌تاثیر قیمت‌های جهانی مواد معدنی است و نرخ ارز تنها یکی از متغیرهای سودآوری آنهاست. بنابراین افزایش نرخ توافقی اگرچه برایشان مثبت است، اما در مقایسه با پتروشیمی‌ها و فلزات به همان سرعت و شدت اثر نمی‌گذارد.اما پیچیده‌ترین وضعیت متعلق به پالایشی‌هاست. ساختار سودآوری پالایشگاه‌ها بر پایه کرک‌اسپرد، فرمول‌های قیمتی داخلی و فاصله قیمت محصولات و خوراک است. بنابراین تغییر نرخ توافقی اثر مستقیم، فوری و قابل‌اندازه‌گیری مثل دیگر صنایع ندارد. اثر کاهش فاصله ارزی برایشان مثبت هست، اما نه آن‌قدر که بتوان آن را عامل تعیین‌کننده سودآوری دانست.در مجموع، هرچند کوچک‌شدن فاصله بین نرخ آزاد و توافقی به شکل کلی برای همه صادراتی‌ها مثبت است، اما شدت و سرعت اثرگذاری آن متفاوت خواهد بود؛ پتروشیمی‌ها زودتر واکنش نشان می‌دهند، فلزات و فولادی‌ها با کمی تاخیر و معدنی‌ها با حساسیت کمتر این واکنش را به همراه دارند. پالایشی‌ها نیز همچنان بیش از ارز، تحت‌تاثیر متغیرهای خاص صنعت خود قرار خواهند گرفت.

جهت سیاستگذاری ارزی به کدام سو است؟

این کارشناس به ارزیابی سیاستگذاری پرداخت و گفت: رویکرد دولت جدید و به‌ویژه وزارتخانه‌های اقتصادی نسبت به موضوع کاهش فاصله میان نرخ‌های ارز، منعطف‌تر و نزدیک‌تر به دیدگاه‌های کارشناسی توصیف می‌شود. به باور او، مجموعه اقتصادی دولت نگاه مساعدی نسبت به کوچک‌تر شدن این شکاف دارد، زیرا اختلاف میان نرخ آزاد و نرخ‌های سامانه‌ای می‌تواند به ایجاد عدم‌تعادل در جریان درآمدی صادرکنندگان، شکل‌گیری رفتارهای غیرشفاف و کاهش کارآیی سازوکارهای صادراتی منجر شود. حق‌شناس در ادامه گفت: بانک مرکزی در سال‌های اخیر سیاستی محتاطانه‌تر و متمایل به تثبیت نرخ‌های رسمی اتخاذ کرده است؛ رویکردی که بیشتر بر کنترل دامنه نوسان نرخ‌های سامانه‌ای تمرکز داشته است. همین تفاوت نگاه میان سیاستگذار پولی و بخش‌های دیگر دولت، روند اصلاح فاصله ارزی را کند کرده و باعث شده کاهش این شکاف با احتیاط و در بازه‌های زمانی طولانی‌تر دنبال شود.او اضافه کرد: تا زمانی که این هماهنگی میان نهادهای اقتصادی تقویت نشود، شرکت‌های صادرات‌محور ناچارند با سطحی از عدم‌قطعیت در سیاست‌های ارزی فعالیت کنند؛ عدم‌قطعیتی که در سال‌های گذشته نیز اثر آن در صورت‌های مالی صنایع صادراتی قابل مشاهده بوده است. با این حال، این تحلیلگر یادآور می‌شود که در صورت شکل‌گیری همگرایی بیشتر میان تصمیم‌گیران، امکان تعدیل تدریجی این فاصله و بهبود محیط پیش‌بینی‌پذیری برای شرکت‌ها وجود دارد.

آینده نرخ توافقی

این کارشناس در پاسخ به این پرسش که با توجه به مدیریت دولتی نرخ توافقی، نوسان آینده آن چطور ارزیابی می‌شود، تصویر روشنی ارائه کرد و گفت: دلار آزاد در ماه‌های اخیر مسیر صعودی داشته و این روند، دیر یا زود به دلار توافقی هم منتقل می‌شود. حتی اگر بانک مرکزی بخواهد آن را تثبیت کند، توان مقابله با فشارهای بازار محدود است. بنابراین در هر دو سناریو چه سیاستگذاری و چه حرکت طبیعی بازار نرخ توافقی رشد خواهد کرد.به‌گفته او این رشد می‌تواند به‌صورت پلکانی، کنترل‌شده و با تاخیر اتفاق بیفتد، اما توقف‌پذیر نیست.این حرکت آرام باعث می‌شود صادرکنندگان بتوانند بخشی از حاشیه سود ازدست‌رفته خود را بازیابی کنند.البته تا زمانی که ساختار نرخ‌ها یکپارچه نشود، این ترمیم ناقص باقی می‌ماند.در پایان حق‌شناس افزود: اختلاف نرخ دلار آزاد و توافقی فقط یک اختلاف عددی نیست؛ بلکه شکافی است که کل زنجیره ارزش شرکت‌های صادراتی را متلاطم می‌کند؛ از هزینه‌های تولید تا تسعیر درآمد و از نقدشوندگی تا جریان □□□ تحت‌تاثیر قرار می‌گیرند. کاهش این فاصله می‌تواند بسیاری از صنایع را از وضعیت نیمه‌تعطیل خارج کند و به تعادل برگرداند، اما این مسیر بیش از هر چیز به تصمیمات نهادی بستگی دارد که اکنون در مرکز تقابل سیاستی قرار گرفته است. در نهایت، تا زمانی که تکثر نرخ‌ها و سیاست‌های دستوری ادامه داشته باشد، صادراتی‌ها همچنان باید میان فشار هزینه و امید به رشد نرخ توافقی تعادل برقرار کنند؛ تعادلی شکننده که آینده آن به میزان هماهنگی تیم اقتصادی دولت و رویکرد ارزی کشور وابسته است.

بازار سرمایه بدون هیجان بر بنیادها تکیه‌کرده

نگاهی به روند شاخص‌کل نشان می‌دهد که بازار طی حدود ۱۰ روز گذشته عمدتا در محدوده سه‌میلیون و ۲۳۰ تا سه‌میلیون و ۳۰۰هزار واحد در حال نوسان بوده‌است. این رفتار متعادل، بیانگر آن است که بازار به سطحی از تعادل نسبی رسیده و واکنش‌ها به‌جای جریان‌های هیجانی بیشتر مبتنی بر عوامل بنیادی است.

به‌عنوان نمونه، بازار نسبت به خبرهای مرتبط با تخصیص ارز توسط بانک‌مرکزی به تالار دوم فولادی و پتروشیمی‌ها واکنش مثبت نشان داد و با تردید نسبت به‌عملیاتی‌شدن آن، رشد متوقف شد. همین الگو درباره موضوعات کلان مانند بودجه۱۴۰۵، تحریم‌ها و انتظارات ارزی نیز دیده می‌شود. همه اینها نشان می‌دهد که مسیر بازار در شرایط فعلی، تحت‌تاثیر واقعیات اقتصادی است و نه امواج کوتاه‌مدت هیجانی.

یکی از مهم‌ترین نشانه‌های نبود هیجان، وضعیت صندوق‌های اهرمی است. در دوره‌هایی که بازار دچار التهاب می‌شود، حباب مثبت در این صندوق‌ها افزایش می‌یابد؛ اما اکنون میانگین این صندوق‌ها حدود ۸درصد حباب منفی دارد که تاییدی بر نبود هیجان خرید است. در بازار موازی طلا نیز همین الگو دیده می‌شود.

صندوق‌های طلا با وجود رشد نرخ دلار، فاقد حباب‌اند و سرمایه‌گذاران با طمانینه و بر اساس تحلیل‌های بنیادی در حال معامله هستند. از منظر ریسک سیستماتیک نیز بازار در نقطه شکننده‌ای قرار ندارد. با توجه به گزارش‌های ۶ماهه شرکت‌ها و عملکرد مناسب آنها در مهر و آبان، نسبت‌های بنیادی مانند P/E بازار در وضعیت قابل‌قبولی است. در سناریوی بدبینانه، حتی با نبود محرک‌های مثبت یا انتشار خبرهای منفی، شاخص می‌تواند تا حدود ۳میلیون و ۱۰۰هزار واحد اصلاح کند که سطحی طبیعی و قابل‌هضم برای بازار است.

با این حال، باید تجربه ریزش پس از جنگ ۱۲روزه منطقه را نیز مدنظر داشت؛ دورانی که با وجود ارزندگی سهام، سایه ریسک سیاسی باعث شد شاخص تا محدوده دومیلیون و ۴۵۰هزار واحد سقوط کند. این تجربه یادآور می‌شود که بازار همیشه هم به سودآوری شرکت‌ها وزن نمی‌دهد و گاهی مولفه‌های بیرونی می‌توانند بر تحلیل‌های بنیادی غلبه کنند.

از سوی دیگر، برای تشخیص و مدیریت هیجان‌های صعودی نیز باید به نقش جریان پول توجه کرد. تجربه سال۱۳۹۹ نشان داد که ورود بی‌رویه نقدینگی و نبود ابزارهای کنترلی می‌تواند بازار را از ارزش‌های بنیادی جدا و حباب ایجاد کند. امروز اما ابزارهایی مانند صندوق تثبیت و صندوق توسعه قابلیت عرضه در زمان‌های هیجانی را دارند و می‌توانند از شکل‌گیری حباب جلوگیری کنند؛ مشروط به آنکه تشخیص سقف‌های حبابی توسط تیم‌های متخصص با دقت انجام شود.

در سطح کلان، اگر سیاستگذار به سمت حذف قیمت‌گذاری دستوری و تک‌نرخی‌شدن ارز حرکت کند، بازار پتانسیل رشدهای ۷۰ تا ۸۰درصدی را نیز خواهد داشت؛ رشدی که برخاسته از تغییر ریل سیاستگذاری است و نمی‌توان آن را هیجان نامید. در نهایت باید تاکید کرد؛ عمق‌بخشی به بازار از طریق افزایش سهام شناور آزاد و تقویت حجم معاملات روزانه، مهم‌ترین عاملی است که می‌تواند ریسک‌های هیجانی را کاهش دهد. اکنون تنها ۲۵درصد سهام بازار شناور است.

فرصت‌های پنهان بازارهای نوظهور

در حال حاضر ارزش این سبد عظیم الجثه حدود ۲۵۰تریلیون دلار است. این رقم تقریبا معادل دو برابر تولید ناخالص داخلی کل جهان است. برای بسیاری از سرمایه‌گذاران نهادی و افراد حرفه‌ای، این پرتفوی حکم نقطه شروع را دارد. سرمایه‌گذاران هنگامی که می‌خواهند برای دهه آینده برنامه‌ریزی کنند، نگاهی به ترکیب پرتفوی جهانی انداخته و از آن به‌عنوان معیاری کلیدی استفاده می‌کنند.

بسیاری از بازیگران بازار تصور می‌کنند که پیروی از وزن دارایی‌های حاضر در این سبد منجر به چینش پرتفویی با کم‌ترین ریسک و بیشترین تنوع خواهد شد، بااین‌حال موسسه گلدمن‌ساکس در آخرین گزارش خود عنوان کرده‌است که این روش لزوما ایده خوبی نیست چراکه پرتفوی جهانی «آن‌چه هست» را نشان می‌دهد، نه «آنچه باید باشد». در شرایطی که دارایی‌های آمریکایی بیش از ۶۰درصد وزن سهام جهانی را در اختیار دارند و اوراق قرضه دولتی کشورهای توسعه‌یافته بخش عظیمی از سبد بدهی را تشکیل می‌دهند، دنبال‌کردن کورکورانه این وزن‌ها ممکن است افراد را در معرض ریسک و حباب‌های احتمالی قرار دهد.

سلطه بیش از حد برخی از دارایی‌ها در پرتفوی جهانی موجب شده‌است که بسیاری از طبقات دارایی جذاب از جمله فرصت‌های موجود در بازارهای نوظهور، کالاها و دارایی‌های جایگزین مانند بازارهای خصوصی، از دید این سبد پنهان بمانند. گلدمن‌ساکس معتقد است که این سبد ۲۵۰ تریلیون دلاری اغلب به دارایی‌هایی وزن بالاتری می‌دهد که برخلاف اندازه‌شان، شایستگی چنین سهمی را نداشته و هم‌زمان دارایی‌های متنوع دیگر را نادیده می‌گیرد، در نتیجه اگرچه برخی از دارایی‌ها قابلیت معامله فوری را نداشته و برخی نیز از شفافیت قیمتی کافی برخوردار نیستند، اما می‌توان دامنه دارایی‌های قابل‌سرمایه‌گذاری را با افزودن گزینه‌هایی مانند املاک مسکونی، زمین‌های کشاورزی، اقلام کلکسیونی یا حتی دارایی‌های نامشهود گسترده‌تر کرد.

برخی از ساده‌ترین رویکردهای تخصیص دارایی نیز در افق‌های زمانی طولانی عملکرد بهتری از پرتفوی جهانی داشته‌اند. برای نمونه، ترکیب ۶۰درصد سهام و ۴۰درصد اوراق قرضه از سال ۱۹۵۰ تاکنون، بازده تعدیل‌شده با ریسک (نسبت شارپ) بالاتری داشته‌است. این مساله نشان می‌دهد که حتی در افق‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت، فاصله گرفتن از شاخص‌های معیار می‌تواند فرصت‌های قابل‌توجهی ایجاد کند.

سه‌گانه سرمایه‌گذاری

گلدمن‌ساکس از روشی به‌نام شیب‌دهی استراتژیک (Strategic Tilting) برای چینش پرتفوی استفاده می‌کند. در این روش، بازده مورد انتظار هر دارایی و بازده ضمنی شاخص فعلی بررسی‌شده، و سپس وزن‌های فعلی پرتفوی جهانی با وزن‌های بهینه‌ای که از نظر عملیاتی قابل‌اجرا هستند مقایسه می‌شود. یکی از روش‌های استخراج شده برمبنای مدل شیب دهی استراتژیک، مدیریت فعال ترکیب سهام، اوراق قرضه و طلا است. در این روش، نسبت دارایی‌ها به گونه‌ای تغییر می‌کند که بازده نهایی پرتفوی با در نظر گرفتن ریسک، بهینه شده و بتواند عملکردی بهتر از شاخص جهانی به‌دست آورد.

در حال حاضر وزن سهام در پرتفوی جهانی معادل ۵۰درصد است که براساس ارزیابی‌های صورت گرفته، معقول به‌نظر می‌رسد. از نظر تاریخی نیز از سال ۱۹۰۰ تاکنون، سهام به‌طور متوسط سالانه حدود ۴ تا ۵درصد بهتر از اوراق قرضه بازده داشته‌است، بنابراین سهم قابل‌توجه سهام در پرتفوی منطقی به‌نظر می‌رسد.

با این حال، وزن فعلی طلا در پرتفوی جهانی تنها حدود ۵درصد است، که بسیار کم‌تر از سطح بهینه‌ای است که پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهند. سهم کم طلا باعث شده‌است که پرتفوی جهانی نسبت به فشارهای تورمی آسیب‌پذیر باشد، چراکه طلا به‌عنوان یک دارایی واقعی و محافظ در برابر تورم شناخته می‌شود. شوک‌های تورمی معمولا باعث کاهش ارزش پرتفوی‌های سنتی ۶۰-۴۰ (۶۰درصد سهام و ۴۰درصد اوراق قرضه) می‌شوند و این موضوع اهمیت داشتن بخشی از سرمایه در دارایی‌هایی مانند طلا، املاک یا کالاهای واقعی را برجسته می‌کند.

روش دوم برای بهبود پرتفوی جهانی، شامل تنوع‌بخشی بین‌المللی برای کاهش سلطه دارایی‌های آمریکایی و مدیریت فعال ریسک ارزی است. وزن بالای سهام آمریکا در پرتفوی جهانی، در مقایسه با شیب‌دهی‌های استراتژیک تاریخی، نشان می‌دهد که سهام آمریکا احتمالا در دهه آینده همچنان حدود ۴ تا ۵درصد بهتر از سهام غیرآمریکایی عمل خواهد کرد. این مساله با روند صعودی بازار سهام آمریکا از زمان بحران مالی ۲۰۰۸ نیز همخوانی دارد، بااین‌حال ارزش‌گذاری بالای سهام آمریکا و تمرکز شدید بر شرکت‌های بزرگ (Mega-Cap) می‌تواند ضرورت تنوع‌بخشی بین‌المللی را افزایش دهد.

درحال حاضر تحلیلگران معتقدند که روند برتری سهام آمریکایی ممکن است به قوت سابق نباشد، زیرا دیگر از حمایت‌های گذشته در زمینه ارزش‌گذاری، سودآوری و قدرت دلار بهره‌مند نیست. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که دلار آمریکا در ماه‌های آینده در برابر سایر ارزهای اصلی تضعیف خواهد شد. این وضعیت باعث می‌شود سرمایه‌گذاران غیرآمریکایی بیش از پیش ریسک ارزی را در پرتفوی‌های خود مدنظر قرار دهند. همچنین، ارزهای کشورهای نوظهور می‌توانند در سال‌های آینده به‌عنوان یک نیروی مثبت برای دارایی‌های مرتبط عمل کنند.

۴
روزنامه مرز اقتصاد
دوشنبه ۰۸ دی‌ماه ۱۴۰۴ • شماره ۸۳۲
www.marzeghtesad.ir

تهران بهشت «دودزا»ها شد

بیتا حسن پور – کاهش غلظت ذرات آلاینده در هوای تهران در عصر روز جمعه باعث شد تا کارگروه اضطرار آلودگی هوا، برای شنبه ۱۵ آذر آموزش را در تمامی مقاطع به استثنای ابتدایی، حضوری کرده و دورکاری تمامی مشاغل نیز لغو شد.

در چنین شـــرایطی معاونت حمل‌ونقل شهرداری از اجرای طرح زوج و فـــرد از درب منزل و حتی لغو اثرگذاری مجوز طرح ترافیک خبر داد. این تصمیم درحالی اخذ شـــد که طبق مصوبه شورای‌عالی ترافیک تهران برای سال ۱۴۰۴ در زمان بروز آلودگی هوا، تنها فروش روزانه مجوز طرح ترافیک ممنوع می‌شود و اجازه‌ای برای لغو طرح‌های ترافیک ماهانه و سالانه وجود ندارد. تصمیم اخیر کارگروه اضطرار از چند منظر قابل‌نقد است.

از سویی مطابق گزارش سازمان محیط‌زیست، اجرای طرح زوج و فرد از درب منزل تاثیر بســـزایی در مهار آلودگی هوای تهران ندارد؛ چراکه منبع اصلی تولید آلاینده جای دیگری است، در عین‌حال لغو فروش قبلی طرح به‌نوعی غش در معامله بوده و تضییع حقوق شهروندی است، همچنین در حالی کارگروه اضطرار بدون وجاهت قانونی چنین تصمیمی را اخذ کرده‌است که حمل‌ونقل عمومی پایتخت توان کافی برای جابه‌جایی مسافران بیشتر را ندارد. مهرداد تقی‌زاده، معاون اسبق سازمان حمل‌ونقل ترافیک شهرداری تهران در گفت‌وگو با «دنیای‌اقتصاد» اجرای طرح زوج و فرد از درب منزل را بی‌اثـــر بر آلودگی هوا عنوان و تاکید کـــرد؛ اجرای این طرح تنها باعث رواج اســـتفاده از موتورسیکلت در شهر شده و از این منظر بر چالش ورود آلاینده‌ها به هوای تهران می‌افزاید.

تضییع حقوق شهروندی یا مهار آلودگی؟

افزایش غلظت ذرات آلاینده در هوای تهران از ابتدای آذر امسال باعث شد تا طرح زوج و فرد از درب منزل در اغلب روزهای گذشته در پایتخت اجرایی شـــود. این طرح حتی در روزهایی که ادارات دولتی دورکار نبودند و مدارس نیز بازگشـــایی شدند به اجرا درآمد؛ درحالی‌که این مصوبه تاثیر محســـوسی بر کاهش آلودگی هوا نداشـــت. معاونت حمل‌ونقل شهرداری تهران در اطلاعیه‌ای خبر از سراسری‌شدن طرح ترافیک در تهران داد. در این اطلاعیه آمده است؛ طبق مصوبه کارگروه اضطرار آلودگی هوا مبنی‌بر اجرای طرح زوج و فرد از درب منزل، حتی با داشتن مجوز طرح ترافیک، خودروهای با پلاک زوج در روز فرد و خودروهای با پلاک فرد در روز زوج حق تردد در محدوده ترافیک تهران را ندارند.

این تصمیم در حالی اخذ شد که مسبوق‌به‌سابقه نبود، همچنین مطابق ماده ۱۱ مصوبات شـــورای‌عالی ترافیک شهر تهران برای سال ۱۴۰۴ فروش روزانه مجـــوز ورود به محدوده‌های ممنوعه تردد موضوع این مصوبه برای کلیه وســـایل نقلیه در روزهای با کیفیت هوای ناسالم (برای همه گروه‌ها) ممنوع است، اما عدم‌اجازه برای ورود به طرح ترافیک درخصوص خودروهایی که مجوز سالانه یا ماهانه داشتند، سابقه نداشته‌است.

اجرای طـــرح زوج و فرد از درب منزل و لغو طرح ترافیک‌های فروخته شـــده از چند منظر قابل‌انتقاد است؛ در حالی کارگروه اضطرار آلودگی هوا در تمامی جلسات اخیر خود طرح زوج و فرد از درب منزل را به‌عنوان یکی از راهکارهای مقابله با آلودگی هوا انتخاب و تصویب کرده‌اســـت که تمامی مطالعات از ســـهم محدود خودروهای سواری در آلودگی فعلی شهر تهران خبر می‌دهند. تازه‌ترین گزارش سازمان محیط‌زیست از کنترل کیفی هوای تهـــران از آن حکایت دارد که نیروگاه‌ها و خودروهای دیزلی که در جنوب اتوبان آزادگان تردد دارند، بیشترین سهم را در بروز آلودگی هوای پایتخت دارند و نمی‌توان با اجرای طرح زوج و فرد از آلودگی هوای شـــهر کاســـت. دومین ایراد به تصمیم اخیـــر کارگروه اضطرار لغو اجازه تردد خودروهای دارای طرح ترافیک و ملزم‌شدن آنها به رعایت طرح زوج و فرد بود. این در حالی اســـت که خودروهای دارای مجوز طرح ترافیک اجازه تردد در طرح زوج و فـــرد و طرح اصلی را دارند. در حالی کارگروه اضطرار این تصمیم را اخذ کرده‌اســـت که دارندگان دارای بسته ماهانه و سالانه از قبل نسبت به خرید طرح اقدام‌کرده و هزینه آن را نیز پرداخت کرده‌اند.

در چنین شـــرایطی لغو این تصمیم به‌نـــوعی بی‌اعتبارکردن مصوبات شـــورای‌عالی ترافیک شـــهر تهران بوده و از ســـوی دیگـــر تضییع حقوق شهروندی است. سومین ایراد مصوبه اخیر سوق‌دادن شهروندان به استفاده از موتورسیکلت اســـت؛ بخشی از شهروندان برای عبور و مرورهای خود در این روزهای آلوده به استفاده از موتورسیکلت روی می‌آورند، حتی کسانی کـــه موتورسیکلت نیز ندارند، با این دســـت مصوبات، محدودیت‌ها و زیرپا گذاشتن قوانین موجود، برای حل مشکل به سمت خرید این وسیله نقلیه می‌روند. این درحالی اســـت که یـــک موتورسیکلت کاربراتوری می‌تواند تا ۱۵برابر یک خودروی سواری نوشماره، آلاینده در هوا تولید کند، بنابراین این مصوبـــه با رونق تردد با موتورسیکلت در نهایت به زیان کیفیت هوای تهران تمام می‌شود.

ایراد چهارم تصمیم اخیر به سوق‌دادن شهروندان به بی‌قانونی بازمی‌گردد. درواقع این تصمیم بخشی از شـــهروندان را به سمت انجام اقداماتی نظیر مخدوش‌کردن پلاک سوق داده و گروهی از شهروندان که به دلایل مختلف چاره‌ای جز استفاده از خودروی شخصی ندارند، برای ممانعت از جریمه این دست اقدامات را برمی‌گزینند. این مدل تصمیمات به‌نوعی ترویج بی‌قانونی شمرده می‌شود. ایراد پنجم درخصوص تصمیم اخیر کارگروه اضطرار مبنی‌بر لغو طرح ترافیک‌های فروخته‌شده و اجرای طرح زوج و فرد از درب منزل را باید در چالش جدید شهروندان برای جابه‌جایی‌های روزانه جست‌وجو کرد. درحالی‌که حمل‌ونقل عمومی ظرفیت کافی برای جابه‌جایی شـــهروندان را ندارد و درواقع همین ظرفیت محدود باعث‌شـــده تا بخش عمده‌ای از شهروندان به استفاده از خودروی شـــخصی روی آورند، چنین تصمیمی می‌تواند بخشی از مردم را به اســـتفاده اجباری از تاکسی آنلاین ســـوق دهد که این موضوع نیز به‌رغم تحمیل هزینه، تاثیری بر میزان انتشـــار آلاینده‌ها در هوا ندارد. این تصمیم گروهی دیگر از شـــهروندانی را که پیش از این از خودروی شـــخصی اســـتفاده می‌کردند و توان پرداخت هزینه تاکسی آنلاین را ندارند به اســـتفاده از وســـایل نقلیه عمومی ســـوق داده که این وسایل نیز توان کافی برای پذیرش مسافران جدید را نداشته و به این‌ترتیب گروهی از شهروندان در روزهای آلوده دچار چالش چگونگی جابه‌جایی در شهر می‌شوند.

تصمیم ترافیکی کارگروه اضطرار ناکافی است

پیگیری «دنیای‌اقتصاد» درخصوص وجاهت قانونی تصمیم کارگروه اضطرار مبنی‌بر لغو اثرگذاری طرح ترافیک ماهانه و سالانه در اجرای طرح زوج و فرد از یکی از مدیران با سابقه حوزه شهری از آن حکایت دارد که این مصوبه لازم، اما ناکافی است؛ درواقع کارگروه اضطرار باید اجرای چنین طرحی را از مسیری دیگر پیش‌می‌گرفت. به گفته این مدیر شهری؛ طبق قانون، تعداد، نوع، ســـاعت و محدوده اجرای طرح ترافیک باید توســـط شورای ترافیک تهران یا شورای بالادست آن یعنی شـــورای‌عالی هماهنگی ترافیک کشـــور تعیین‌شده و به تصویب برســـد، بنابراین به فرض اینکه از نظر حقوقی، حقی برای خریداران مجوز طرح ترافیک ایجاد نشده باشد (اظهارنظر در این‌خصوص نیاز به بررسی کارشناسی دارد) باید اول مصوبه شـــورای ترافیک یا نهادهای بالادســـتی اخذ شـــود و در گام بعدی نیز اطلاع‌رسانی گسترده انجام شود تا شهروندان بدون اطلاع، خودروی خود را از منزل خارج نکنند و بی‌جهت جریمه نشـــوند. طرح‌ترافیک مدت‌دار از دو نوع در تهران اجرایی می‌شـــود، بســـته طرح ترافیک ماهانه که دارندگان خودرو پیش از آغاز ماه وارد سایت «تهران من» شده و برای خودروی شخصی خود بسته با قیمت مشخص را خریداری‌کرده و برای ورود به طرح مجوز دریافت می‌کنند.

مدل دیگر طرح ترافیک مدت‌دار نیز طرح ترافیک سالانه است که این طرح شامل گروهی از اقشار می‌شود که این گروه نیز ابتدای دوره با پرداخت کل هزینه، امکان ورود به طرح ترافیک در طول ســـال را می‌یابند. این گروه شـــامل: جانبازان، خودروهای حمل‌ونقل عمومی مســـافری، باری، آژانس، وانت‌بار، تاکسی آنلاین، تاکسی گردشی، خودروهای ویژه آموزش رانندگی، خودروی پلاک «ع»، مینی‌بوس پلاک تهران، اشـــخاص حقیقی واجد شرایط، خودروی دولتی با پلاک شخصی، خودروهای متعلق به بخش خصوصی، خودروی هیبریدی و خبرنگاران می‌شـــود. در حالی مصوبه کارگروه اضطرار تردد نیمی از خودروها در شهر را ممنوع کرده‌است که وسایل حمل‌ونقل عمومی پاسخگوی نیاز گروه‌های دارای معلولیت نبوده و این تصمیم از این منظر نیز به‌نوعی تضییع حقوق شهروندی این گروه است که حتی برای تردد در شهر از ابتدای سال هزینه نیز پرداخته‌اند.

تاکید بر اجرای سختگیرانه طرحی نادرست

مهرداد تقی‌زاده، معاون اســـبق ســـازمان حمل‌ونقل ترافیک شهرداری تهران در گفت‌وگو با «دنیای‌اقتصاد» درخصوص اثربخشی اجرای طرح زوج و فرد از درب منزل بر کاهش آلودگی هوا به‌نحوی‌که دیگر خبری از معافیت برای خودروهای دارنده معافیت طرح ترافیک به شکل بسته ماهانه و سالانه نیز وجود ندارد، گفت: به عقیده من تصمیم اخیر مبنی‌بر اجرای طرح زوج و فرد از درب منزل با هدف مهار آلودگی هوا در زمره تصمیمات سطحی‌نگرانه است که با توجه به گزارش‌های رســـمی کارشـــناسی، در نهایت نیز تاثیری بر مهار آلودگی هوا ندارد. به‌جای ممنوعیت باید به میزانی حمل‌ونقل عمومی در کشـــور گسترش یابد که شهروندان استفاده از حمل‌ونقل عمومی را بر خودروی شخصی ترجیح دهند، این موضوع نیز تنها با توســـعه حمل‌ونقل عمومی رقم می‌خورد که موضوعی زمانبر است، اما برای میان‌مدت نیز مدیریت شهری می‌تواند با افزایش ناوگان مترو و اتوبوس و بهبود خدمات حمل‌ونقل عمومی، مردم را به کاهش استفاده از خودروی شخصی سوق دهـــد. وی ادامـــه‌داد: تصمیم‌گیری بدون درنظر گرفتن چالش‌های جانبی و عـــوارض میان و بلندمدت یکی از بحران‌های اصلی در کشـــورهای جهان‌سوم است؛ این شیوه تصمیم‌گیری منطبق بر منطق توسعه پایدار نیست و حتی اگر باعث رفع چالش در کوتاه‌مدت شود، مشکلاتی را برای آیندگان رقم می‌زند.

تـــقی‌زاده تاکید کـــرد: طرح زوج و فرد یک نمونه از تصمیمات عجولانه‌ای بود که بدون درنظر گرفتن عواقب بلندمدت برای پایتخت گرفته شـــد، تصمیمی که چالش‌های متعددی را در این شـــهر رقم زد، چالش‌هایی که عواقب آن به‌راحتی قابل‌حل نیست. طرح ترافیک تهران در سال ۱۳۸۴ و زمانی‌که من معاون حمل‌ونقل ترافیک شهردار وقت تهران (محمدباقر قالیباف) بودم، اخذ شـــد، درحالی‌که شـــورای‌عالی ترافیک، شورای‌شـــهر و بسیاری دیگر با مصوبه طرح زوج و فرد موافق بودند، اینجانب مخالفت خود را با آن اعلام‌کرده و اســـتدلال‌های لازم در این‌خصوص نیز ارائه شـــد، اما این دلایل از سوی مدیران وقت پذیرفته نشـــد و به این‌ترتیب این پیشـــنهاد به امید کاهش ترافیک در منطقه مرکزی شهر و ایجاد آرامش در این منطقه رای مثبت آورد. تقریبا ۶ ماه بعد از اجرای طرح زوج و فرد مدیرانی که آن را به تصویب رســـانده بودند، از اثر نداشتن طرح زوج و فرد در کاهش ترافیک مناطقی که طرح در آن اجرا شد خبر دادند، این طرح نه‌تنها مزایایی را برای شهر تهران به‌همراه نداشت که معایب گسترده‌ای را نیز رقم زد، از جمله مهم‌ترین این معایب عبارت بود از: افزایش تعداد موتورسیکلت در شهر که چالش‌های به‌مراتب بیشتری را برای پایتخت و شهروندان رقم زد.

وی ادامـــه‌داد: با اجرای طرح زوج و فرد در ســـال ۱۳۸۴، یک مرتبه قیمـــت آژانس‌هایی که خودرو برای محدوده طرح اصلی و طرح زوج و فرد داشتند، جهش یافت. در این زمان بخشی از شهروندان که خودروی شخصی داشتند به فکر خرید موتورسیکلت افتادند تا بتوانند بدون محدودیت وارد محدوده طرح شـــوند و این موضوع یکی از دلایل اصلی جهش تعداد موتورسیکلت‌ســـوارها در تهران بود. در عین‌حال خانواده‌هایی که وضعیت مالی خوبی داشـــتند، نسبت به خرید خودروی دوم با پلاک متفاوت اقدام کردند، بخشی از خانواده‌های متوســـط که یک خودرو داشتند نیز خودروی فرسوده‌ای با پلاک متفاوت خریدند تا برای ورود به طرح زوج و فرد دچار چالش نشوند. به این‌ترتیب تصمیم برای اجرای طرح زوج و فرد از ابتدا نیز دچار ایراد بود و به همین‌دلیل نیز به نتیجه مطلوب نرسید.

تقی‌زاده ادامه‌داد: اگر به واقع کارشناسان و تصمیم‌گیران به این نتیجه برسند که اجرای طرح زوج و فرد از درب منزل راهکار حل بحران آلودگی هوا است، طبیعتا می‌توانند با اعلام قبلی و با استرداد وجه خریداران طرح یا انتقال آن به روزی دیگر، طرح ترافیک‌های پیش‌فروش شـــده را لغو کنند؛ این در حالی اســـت که تمامی گزارش‌های کارشـــناسی از بی‌اثری اجرای طرح زوج و فرد حکایت دارد.

شرط فرود ساختمانی‌ها در بافت فرسوده

وزیر راه و شهرسازی در جلسه‌ای با حضور معاونان چهار حوزه مسکن، زمین، بافت‌فرسوده و شهرهای جدید، از آنها خواسته «نظر سازندهای بخش‌خصوصی را برای ورود به بافت فرسوده جلب کنند» تا «جلوی هزینه‌های گزاف آمادسازی زمین در خارج از شهرها گرفته‌شده و با انتقال جبهه ساختوساز مسکونی به هسته درونی شهرها، فرآیند نوسازی خانه‌های فرسوده را متحول کند.» وزیر در عین‌حال به این واقعیت هم اشاره‌کرده که «مناطق فرسوده درون شهرها، تمام خدمات زیربنایی و روبنایی شهری را دارند و هزینه تامین مسکن در این نقاط کمتر از بیرون شهرهاست.»

طراحی «مسکن ملی» یا همان «مسکن‌سازی دولتی» که فعلا همه امکانات و تسهیلات تامین مسکن را مشغول به خود کرده، به‌گونه‌ای است که «ضد نوسازی بافت‌فرسوده» تمام شده‌است. طرح «مســـکن ملی» که هدف آن، «ســـاخت، عرضه و تامین مســـکن ارزان برای خانه‌ندارها» است، دست‌کم دو اشکال بزرگ دارد؛ اشکال اول، اولویت قراردادن «مسکن‌سازی روی زمین‌های ۹۹ساله بیرون از شهرها» در مقایسه با «جبهه آماده ساخت مسکن درون شهرها، یعنی همان بافت‌فرسوده» است و اشکال دوم نیز «تبعیض نادرست وام ویژه ساخت مسکن حمایتی به نفع اراضی خام و فاقد خدمات و به ضرر پلاک‌های دارای انشعاب آب و برق و گاز» است.

جنگ ستارگانی ماسک و بزوس

شـــرکت فضایی بلو اوریجین متعلق به جف بزوس بالاخره در عرصه فضایی به حرکت افتاده و در حال کســـب شـــتاب در مدار اســـت. این شـــرکت برنامه‌ریزی کرده است تا ماموریت‌های مداری بیشتری را انجام دهد از جمله یک پرواز باری به ماه در اوایل سال ۲۰۲۶ کـــه پـــس از موفقیت‌های اخیر در پرتاب راکت نیو گلن و گرفتن بوســـتر صورت می‌گیرد. این شـــرکت همچنین اعلام کرده که نســـخه‌ای بزرگ‌تر و قدرتمندتر از راکت نیو گلن در حال توسعه است.

بلو اوریجین که ۲۵ سال از تاسیس آن می‌گذرد تا به امروز بیشتر به تحقیق و توسعه ســـخت‌افزار و ماموریت‌ها به صورت گام به گام و گاهی کند پرداخته اســـت. اما اکنون و پس از دستیابی به برخی پیروزی‌های مهم، تیم مدیریتی جدید تحت رهبری دیو لیمپ، مدیرعامل، تلاش می‌کند تا این شرکت در مسیر سرعت و بهره‌وری بیشتری قرار بگیرد و پرتاب‌های بیشـــتری را انجام دهد. به نظر می‌رسد بزوس قصد دارد که با شرکت ایلان ماسک در حوزه فضا وارد رقابت نزدیک شود.

بر اساس نوشته وال‌استریت ژورنال، دیو لیمپ که از دسامبر ۲۰۲۳ به سمت مدیرعاملی بلو اوریجین منصوب شده در تلاش است تا انتظارات مرتبط با سرعت را تغییر دهد و به تیم پرتاب این شرکت فشار می‌آورد تا عملیات را سریع‌تر از برنامه‌ریزی‌های اولیه پیش ببرند. به عنوان نمونه پس از تاخیر در اولین تلاش پرتاب نیو گلن در ژانویه لیمپ از تیم خواسته است تا با سرعت بیشتری تلاش و زمان را جبران کنند.

بلو اوریجین در تلاش اســـت تا بتواند با ســـرمایه‌گذاری در فناوری‌های نوین از جمله تبدیل مواد غبارآلود ســـطح ماه به منابع قابل اســـتفاده همچون سلول‌های خورشیدی، سیم‌های انتقال برق و دیگر منابع زیرســـاخت‌های لازم برای اقامت‌های بلندمدت در ماه را فراهم کند. این شـــرکت همچنین در ســـال ۲۰۲۳ موفق به دریافت قراردادی از ناسا برای تحویل یک فرودگر ماه بزرگ‌تر شد.

در راســـتای حرکت به سوی چابکی بیشـــتر بلو اوریجین اخیرا ۱۰ درصد از کارکنان خود را اخراج کرده و تغییرات عمده‌ای در ساختار مدیریتی شرکت ایجاد کرده است. ایان ریچاردســـون که پیش‌تر در اســـپیس‌ایکس فعال بوده است اکنون به عنوان معاون ارشد عملیات این شرکت فعالیت می‌کند و مسوولیت‌های بیشتری را در این راستا بر عهده دارد.

بلو اوریجین با وجود رقابت فشرده‌ای که با اسپیس‌ایکس دارد، در نظر دارد تا از ماه به عنوان فرصتی به چالش کشیدن این غول فضایی استفاده کند. درحالی‌که اسپیس‌ایکس طی ســـال‌های اخیر توانســـته اســـت در زمینه پرتاب راکت‌ها، حمل ماهواره‌ها و پرواز فضانوردان به فضا پیشـــرفت‌های قابل‌توجهی داشـــته باشد. بلو اوریجین امیدوار است با گام‌های سریع‌تر و استفاده از فرصت‌های جدید در این رقابت پیروز شود.

بلـــو اوریجین برای انجام ماموریتی که انتظار می‌رود چند ســـال دیگر انجام شـــود، برنامه‌هایی دارد. اوایل سال آینده، این شرکت قصد دارد یک وسیله نقلیه باری کوچک به نام بلو مون مارک ۱ را به سطح غبارآلود ماه پرتاب کند. این ماموریت به منظور جمع‌آوری داده‌های ارزشمند و ارسال یک دستگاه تحقیقاتی از سوی ناسا به ماه طراحی شده است.

در پاســـخ به درخواست مدیر موقت ناسا شـــان دافی، بلو اوریجین همچنین اخیرا به مقامات این سازمان نحوه فرود فضانوردان روی ماه در یک جدول زمانی سریع‌تر را توضیح داده است. اسپیس‌ایکس نیز پیشنهاداتی برای انجام این ماموریت ارائه داده و گفته است که فرودگر این شـــرکت ســـریع‌ترین روش برای تکمیل این کار است. بسیاری از مقامات منتخب در واشنگتن می‌خواهند ایالات متحده پیش از چین فضانوردانی را به ماه ارسال کند. طبق گزارش‌های وال‌اســـتریت ژورنال، ترامپ با جف بزوس درباره تمایل خود برای دیـــدن یک بازدید فضانـــوردی از ماه در طول دوره ریاســـت‌جمهوری‌اش صحبت کرده است. برنامه ناسا برای بازگشت فضانوردان به سطح ماه تحت عنوان آرتمس با مشکلات و تاخیرهایی روبه‌رو شـــده است.برنامه شـــتاب‌زده بلو اوریجین شامل توَسعه نسخه‌ای از فرودگر باری اســـت که این شـــرکت قصد دارد اوایل سال آینده پرتاب کند تا فضانوردان را برای اقامتی کوتاه‌مدت روی ماه جابه‌جا کند. طبق اطلاعات منابع نزدیک به شـــرکت هدف این اســـت که اولین فرود انسانی تا پایان سال ۲۰۲۸ انجام شود. این وسیله نقلیه اصلاح‌شده از سوخت‌های قابل ذخیره استفاده خواهد کرد، به این معنی که بلو اوریجین نیازی به تســـلط بر انتقال ســـوخت در فضا برای این ماموریت احتمالی نخواهد داشت، چالشی که این شرکت در حال کار بر روی آن برای یک پرواز فضانوردی دیگر ناسا است.

دیو لیمپ، مدیرعامل بلو اوریجین، اخیرا در مصاحبه‌ای گفت که پیشنهاد این شرکت به ناسا برای یک فرود ساده‌تر انسانی بر استفاده از سخت‌افزارهای اثبات شده یا تجهیزاتی که در آســـتانه آزمایش هســـتند، تاکید دارد. او توضیح داد: «آنچه ما پیشنهاد کرده‌ایم تغییرات دراماتیک از چیزی جدید نیست، بلکه استفاده از چیزهایی است که قبلا در حال تفکر برای ساخت آنها هستیم و قطعات آنها در حال سفارش است.» سخنگوی ناسا اعلام کرده اســـت که این سازمان پیشنهادات فرود فضانوردان بر سطح ماه را از بلو اوریجین و اســـپیس‌ایکس بررسی خواهد کرد و در عین حال پیشنهادهای احتمالی دیگر شرکت‌ها را نیز مورد ارزیابی قرار خواهد داد.

«سلامت»؛ بزرگ‌ترین بهره‌بردار هوش مصنوعی

براساس نموداری که سایت «استاتیستا» پایگاه داده و پلتفرم تحلیل داده‌های آماری درباره سهم بازار هوش مصنوعی بر اساس صنایع مختلف در سطح جهانی منتشر کرده، بزرگ‌ترین سهم بازار متعلق به صنعت سلامت است که حدود ۱۵.۷ درصد از بازار جهانی هوش مصنوعی را به خود اختصاص داده است.

صنایع با سهم زیاد

طبق داده‌های نمودار استاتیستا، بزرگ‌ترین سهم بازار متعلق به صنعت سلامت است که حـــدود ۱۵.۷ درصد از بازار جهانی هوش مصنوعی را به خود اختصاص داده اســـت. این رقم نشان‌دهنده اهمیت بالای هوش مصنوعی در بهبود مراقبت‌های پزشکی، تشخیص بیماری‌ها، مدیریت بیمارســـتان‌ها و پژوهش‌های درمانی است. هوش مصنوعی در این حوزه باعث شده فرآیندهای درمان سریع‌تر، دقیق‌تر و شخصی‌سازی‌شده‌تر شوند که در نهایت به بهبود کیفیت زندگی بیماران منجر می‌شود. پس از سلامت، بخش مالی و صنعت تولید هر کدام با سهمی ۱۳.۷ درصدی در جایگاه‌های دوم و سوم قرار دارند. در صنعت مالی، هوش مصنوعی به طور گسترده‌ای در تحلیل ریسک، پیش‌بینی بازار، تشخیص تقلب و بهینه‌سازی سرمایه‌گذاری‌ها به کار گرفته می‌شود.

این تکنولوژی‌ها به شرکت‌های مالی کمک می‌کنند تا تصمیمات هوشمندانه‌تر و سریع‌تری بگیرند و خدمات بهتری به مشتریان ارائه دهند. در صنعت تولید نیز هوش مصنوعی موجب بهبود فرآیندهای تولید، کنترل کیفیت و نگهداری پیش‌بینی‌شـــده شده است که هزینه‌ها را کاهش داده و بهره‌وری را افزایش می‌دهد. بخش خدمات حقوقی و کسب‌وکار با سهم ۱۳.۵ درصدی جایگاه چهارم را دارد. استفاده از هوش مصنوعی در این حوزه به اتوماسیون فرایندهای حقوقی، مدیریت اسناد، تحلیل داده‌های پیچیده و کمک به تصمیم‌گیری‌های استراتژیک کمک می‌کند. این امر موجب صرفه‌جویی در زمان و منابع شده و دقت کارها را افزایش می‌دهد.

صنعت حمل‌ونقل با ۱۰.۷ درصد سهم، نقش مهمی در بازار هوش مصنوعی دارد. در این بخش، کاربردهایی مانند بهینه‌سازی مسیرها، خودروهای خودران، مدیریت ترافیک و لجستیک هوشمند به چشم می‌خورد که همه به کمک هوش مصنوعی پیشرفت کرده‌اند. امنیت نیز با سهم ۹.۹ درصد، بخش دیگری است که هوش مصنوعی در آن نقشی کلیدی به‌خصوص در زمینه امنیت سایبری، شناسایی تهدیدها و جلوگیری از حملات ایفا می‌کند.

بازار «برق خورشیدی» در لرستان

خرم‌آباد: معاون هماهنگی امور عمرانی استانداری لرستان گفت: اکنون ۷۱۷ نیروگاه خورشیدی در لرستان فعال اســـت که با راه‌اندازی ۱۰ ساختگاه جدیـــد ظرفیت تولیدی این انرژی تجدیدپذیر به بیش از ۱۰ برابر می رسد.

مهدی مجیدی اظهار کرد: تاکنون ۷۱۷ نیروگاه خورشیـــدی خانگی در شهرســـتان‌های مختلف اســـتان احداث شـــده که حدود ۸۰ درصد آنها با محوریت نهادهای حمایتی مانند کمیته امداد امام خمینی(ره) و بسیج سازندگی انجام شده است.

وی افزود: بیشترین تعداد مربوط به شهرستان سلسله با ۲۰۲ فقره نیروگاه و ظرفیت تولید برق ۴هزار و ۲۴۲ کیلووات است.

معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار لرستان اظهار کرد: خانوارهای بهره‌مند از این طرح ماهانه به‌طـــور میانگین ۵تا ۶میلیون تومان درآمد پایدار از محل فروش برق به شرکت توزیع برق دریافت می‌کنند و خرید تضمینی برق از این نیروگاه‌ها تا ۲۵ سال ادامه خواهد داشت.

مجیدی با بیان اینکه سرمایه‌گذاری لازم برای احداث نیروگاه خورشیدی پنج کیلوواتی در شرایط فعلی حدود ۱۷۰ تا ۱۸۰میلیون تومان است، اضافه کرد: نهادهای حمایتی به دهک‌های یک تا چهار تســـهیلات بانکی ارائه می‌کنند و افراد غیر از این دهک‌ها نیز می‌توانند با ســـرمایه‌گذاری شخصی وارد این طرح شوند.

وی ادامـــه داد: علاوه بر نیروگاه‌های خانگی ۱۰ ساختگاه بزرگ خورشیدی با ظرفیت مجموع ۳۰ مگاوات نیز در دســـتور کار قـــرار دارد که پس از تصویب در کمیســـیـــون ماده ۲۱، اجرای آنها آغاز می‌شـــود و با بهره‌برداری از این طرح‌ها، ظرفیت انرژی خورشیدی استان به بیش از ۱۰ برابرمیزان فعلی افزایش خواهد یافت.

معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار لرستان با اشاره به محدودیت‌های موجود در برخی اراضی استان به دلیل منابع طبیعی و پوشش جنگلی افزود: تلاش می‌شود مکان‌یابی این نیروگاه‌ها به‌گونه‌ای انجام گیرد که کمترین آسیب به اراضی کشاورزی و منابع طبیعی وارد شود.

مجیدی همچنین درباره وضعیت طرح نهضت ملی مسکن در لرستان گفت: از زمان آغاز اجرای این طرح در سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ تاکنون تنها ۵۰ درصد متقاضیان به تســـهیلات بانکی متصل شده‌اند و اگر این تسهیلات در زمان مقرر پرداخت می‌شد، بسیاری از متقاضیان تاکنون صاحب خانه شده بودند.

وی تاکید کرد: گسترش بهره‌گیری از انرژی‌های تجدیدپذیر به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین راهکارهای مقابله با مخاطرات زیست‌محیطی و کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی مطرح است و در این میان انرژی خورشیدی به دلیل فراوانی، پاکی و توجیه پذیری اقتصادی، جایگاه ویـــژه‌ای در برنامه‌های توسعه‌ای کشورها یافته است.

معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار لرستان گفت: استان لرستان نیز طی سال‌های اخیر با اجرای طرح‌های متعدد در حوزه نیروگاه‌های خورشیدی خانگی و صنعتی، مسیر پایداری را برای تامین برق و ایجاد درآمد پایدار برای خانوارها دنبال می‌کند و رشد چشم‌گیر ظرفیت تولید برق خورشیدی در لرستان نشان‌دهنده حرکت سریع این استان در جهت توسعه انرژی پاک و بهره‌برداری حداکثری از ظرفیت‌های طبیعی خود است.

وزن صادراتی منطقه ویژه خلیج‌فارس

بر اســـاس آمار منتشـــر شده، شـــرکت‌های مستقر در این منطقه توانسته‌اند به‌رغم تحریم‌ها، محدودیت‌هـــای جهانی و نوســـانات بازار، روندی صعـــودی در تولید و صـــادرات محصولات خود حفـــظ کنند و نقش موثری در توســـعه صادرات غیرنفتی کشور ایفا کنند که در این زمینه عملکرد شرکت‌های فولادی مستقر در منطقه همچون فولاد هرمزگان، مادکوش، صبا فولاد خلیج فارس و فولاد کاوه جنوب کیش برجسته بوده است.

محمدرضـــا پیرحسینلـــو، مدیرعامل منطقه ویژه اقتصادی خلیج‌فارس گفت: در این منطقه با پشتیبانی همه‌جانبه ایمیدرو، همراهی شرکت‌های مستقر و مسوولان محلی، پروژه‌های متعددی در حوزه زیرساخت، انرژی و لجستیک به مرحله اجرا رسید که تاثیر مستقیمی در افزایش ظرفیت تولید و رشد کم‌سابقه صادرات این منطقه داشت.

وی، نقش محوری این منطقه در توسعه صادرات غیرنفتی کشور را برجســـته دانست و افزود: این موفقیت، حاصل عـــزم جدی و برنامه‌ریزی دقیق در شـــرایطی است که جهان با چالش‌های متعدد اقتصادی و محدودیت‌های تجاری مواجه بوده است.

براســـاس آمارهای رسمی منتشر شده، ارزش صادرات منطقه ویژه اقتصادی خلیج فارس در سال گذشته به رقم چشم‌گیر یک‌میلیارد و ۴۹۴میلیون و ۹۸۳ هزار دلار رسید. این حجم از صادرات، عمدتا شامل محصولات استراتژیک فولادی، آلومینیومی، روی، پتروشیمی و ســـایر مواد معدنی بوده که به بازارهای متنوع بین‌المللی ارسال شده‌اند.

از سوی دیگر، حجم تولید شرکت‌های مستقر در این منطقه نیز عدد قابل‌توجه ۸میلیون و ۶۷۴ هزار و ۲۴۶ تن را ثبت کرده که از این مقدار، ۳میلیون و ۷۵۳ هزار و ۵۲۸ تن به صورت مستقیم صادر شده است. در بخش صنایع غیرآهنی، شرکت‌های هرمزال و آلومینیوم المهدی با تولید بیش از ۱۵۲,۰۰۰ تن شـــمش آلومینیوم، عملکردی باثبات و تاثیرگذار داشتند. این مجموعه‌ها به‌رغم نوسانات نرخ انرژی، رشد مثبت صادرات را تجربه کردند و با ثبت ارزش صادراتی ۲۷۸میلیون و ۲۳۴ هزار دلار، نقش کلیدی در حفظ تراز تجاری منطقه ایفاکردند.

روزنامه مرز اقتصاد
www.marzeghtesad.ir
دوشنبه ۰۸ دی ماه ۱۴۰۴ • شماره ۸۳۲
www.marzeghtesad.ir

مسیر چهارگانه تامین خوراک

لیلا جلیلوند – مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی کشور با اعلام اینکه تامین خوراک، مهم‌ترین چالش برنامه هفتم توسعه صنعت پتروشیمی است.

در حال‌حاضر ۲۲درصد ظرفیت صنعت پتروشیمی خالی است و دلیل اصلی این وضعیت، کمبود خوراک است. به گفته حسن عباس‌زاده جمع‌آوری گازهای فلر، مهم‌ترین و پایدارترین راهکار برای تامین خوراک این صنعت راهبردی است.

به گزارش «دنیای‌اقتصاد» هر سال با ورود به فصل سرد، دغدغه کاهش تولید در صنایع پتروشیمی به دلیل محدودیت‌های گازی سربر می‌آورد. آمارهای وزارت نفت حاکی از آن است که میانگین کسری روزانه گاز از ۱۵۵میلیون مترمکعب در سال۱۳۹۹ به ۱۷۴میلیون مترمکعب در سال ۱۴۰۱ رسیده و در زمستان ۱۴۰۳ از ۳۰۰میلیون مترمکعب فراتر رفته‌است. یکی از بخش‌هایی که به‌طور مستقیم از این ناترازی آسیب می‌بیند، صنعت پتروشیمی است. این صنعت که سهمی بیش از ۱۵میلیارد دلار ارزآوری سالانه در صادرات غیرنفتی دارد، هر زمستان در اولویت محدودیت و قطع خوراک گاز قرار می‌گیرد و پیامدهای آن در تولید، صادرات و اشتغال ملی نمایان می‌شود.

در زمستان ۱۴۰۳، گزارش‌های رسمی نشان‌داد؛ سهم صنایع از گاز به کمتر از ۲۰درصد رسید و در بسیاری از روزها پتروشیمی‌ها در عمل از خوراک گاز محروم شدند. نتیجه آن، کاهش شدید تولید در واحدهای متانول، اوره و آمونیاک بود. طبق اعلام انجمن صنفی کارفرمایی پتروشیمی، تنها در همان زمستان، صادرات محصولات پتروشیمی حدود ۱.۳میلیارد دلار کاهش‌یافت؛ از همین‌رو اخیرا مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی، مهم‌ترین چالش برای تحقق ظرفیت تولید ۱۳۱میلیون تنی صنعت پتروشیمی در برنامه هفتم توسعه را تامین خوراک پایدار دانست و گفت: هم‌اکنون با توجه به مصرف غیربهینه انرژی در کشور از حدود ۲۲درصد از ظرفیت کنونی صنعت پتروشیمی به دلایل متعدد که عمده دلیل آن نبود خوراک است، نمی‌توان استفاده کرد که برای این مقدار ظرفیت حدود ۱۸میلیارد دلار سرمایه‌گذاری شده‌است.

سهم صنایع از گاز به کمتر از ۲۰درصد رسید و در بسیاری از روزها پتروشیمی‌ها در عمل از خوراک گاز محروم شدند.

بررسی راهکارهای تامین پایدار خوراک

سال گذشته کمیته‌ای با عنوان تامین پایدار خوراک در شرکت ملی صنایع پتروشیمی تشکیل شد. هدف این کمیته بررسی تمام راهکارهای تامین پایدار خوراک بود. یکی از این راهکارها سرمایه‌گذاری هلدینگ‌ها و شرکت‌های پتروشیمی در میدان‌های گازی بوده‌است که امسال چند قرارداد در این حوزه هم به امضا رسید. استفاده از گازهای مشعل یکی دیگر از راهکارهای تامین پایدار خوراک صنعت پتروشیمی بوده‌است و در این ارتباط بخش عمده‌ای از گازهای همراه نفت از طریق پالایشگاه بیدبلند خلیج‌فارس، پتروشیمی مارون و طرح ان‌جی‌ال ۳۱۰۰ جمع‌آوری شده است. استفاده از سوخت‌های دیگر مانند ال‌پی‌جی نیز از دیگر راهکارهای تامین خوراک پایدار است که در نیروگاه‌ها به‌صورت اس‌ان‌جی مصرف می‌شود. همچنین طرح‌های بهینه‌سازی مصرف گاز را داشته‌ایم که امسال قرار است با شرکت‌های کارور به‌صورت جدی‌تری پیگیری شوند.

بزرگ‌ترین پروژه جمع‌آوری گازهای مشعل

مدیرعامل شرکت ملی پتروشیمی اخیرا در بازدید از مجتمع پالایشی بیدبلند با اشاره به اینکه جمع‌آوری گازهای فلر یکی از پیچیده‌ترین عملیات‌های صنعت نفت است، گفته بود: برخی از این فلرها بیش از ۷۰ سال‌قدمت داشتند و اتصال آنها به شبکه جمع‌آوری نیازمند مسیرهای طولانی لوله‌کشی و نصب کمپرسورهای متعدد بود. خوشبختانه امروز با تلاش بی‌وقفه متخصصان، اتصال بخش زیادی از این فلرها نهایی شده‌است.

جمع‌آوری ۱.۵میلیارد فوت‌مکعب گاز در چهار پروژه بزرگ

مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی با اشاره به چهار پروژه اصلی جمع‌آوری گازهای مشعل، گفت: مجموع حجم گازهای جمع‌آوری‌شده از این طرح‌ها ۱.۵میلیارد فوت‌مکعب در روز معادل ۴۲میلیون مترمکعب خواهد بود که سهم مهمی در کاهش ناترازی گاز کشور دارد.

وی چهار پروژه بزرگ را شامل موارد زیر عنوان کرد: بیدبلند خلیج‌فارس؛ بزرگ‌ترین پروژه جمع‌آوری و فرآورش گازهای فلر، پالایشگاه گاز خلیج‌فارس به‌عنوان پروژه مادر، پروژه جمع‌آوری گازهای فلر در حوزه بهبهان و استان خوزستان، پروژه بهبود عملکرد فلرها و تامین خوراک پتروشیمی مارون.

وی افزود: در پروژه خلیج‌فارس، روزانه ۲۴۰میلیون فوت‌مکعب گاز جمع‌آوری می‌شود که بخش عمده آن اکنون در سرویس قرار دارد و خوراک مجتمع‌های پتروشیمی بندرامام را نیز تامین می‌کند. مجتمع پالایش گاز بیدبلند یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های جمع‌آوری گازهای مشعل کشور محسوب می‌شود، اما باید درنظر داشت که میزان سرمایه‌گذاری در این پروژه‌ها بسیار بالا است و بخش‌خصوصی هم به دلیل آینده نامعلوم خوراک آنها رغبت چندانی برای سرمایه‌گذاری در این بخش ندارد.

معاون وزیر نفت حجم‌کل سرمایه‌گذاری انجام‌شده در زنجیره پروژه‌های بیدبلند را بیش از پنج‌میلیارد دلار اعلام‌کرده و گفته است: صرفا بخش جمع‌آوری و انتقال گازهای فلر، بدون احتساب تجهیزات پالایشی، ۱.۱میلیارد دلار هزینه داشته و خوشبختانه این بخش اکنون با پیشرفت قابل‌توجهی همراه است. در حال‌حاضر بخش عمده‌ای از ظرفیت این پالایشگاه وارد مدار تولیدشده و بر اساس آخرین گزارش‌ها، این پالایشگاه اکنون ۸۰درصد خوراک خود را دریافت می‌کند و با تکمیل جمع‌آوری گازهای فلرها، ظرفیت آن به ۱۰۰درصد خواهد رسید. جمع‌آوری روزانه حدود ۶۰۰میلیون فوت‌مکعب گاز مشعل یکی از اهداف کلیدی این پروژه است. امسال چند قرارداد دیگر هم برای جمع‌آوری گازهای غرب کارون به امضا رسید. دولت نرخ پایه صفر فروش این گاز را به‌عنوان یکی از مشوق‌ها برای جذب سرمایه‌ها درنظر گرفته‌است.

کمبود خوراک صنعت پتروشیمی

بر اساس گزارش شرکت ملی پتروشیمی، عباس‌زاده در جریان بازدید از مجتمع پالایش گاز بیدبلند با اشاره به اینکه تامین خوراک مهم‌ترین چالش برنامه هفتم توسعه صنعت پتروشیمی است، بیان کرد: در حال‌حاضر ۲۲درصد ظرفیت صنعت پتروشیمی خالی است و دلیل اصلی این وضعیت، کمبود خوراک است. جمع‌آوری گازهای فلر، مهم‌ترین و پایدارترین راهکار برای تامین خوراک این صنعت راهبردی است. وی افزود: «در سال‌اول برنامه هفتم، تمامی تکالیف صنعت پتروشیمی به‌طور کامل انجام شد. در سال‌دوم نیز از ۱۵ طرح هدف‌گذاری شده برای افزایش ۷میلیون تن ظرفیت اسمی، ۱۰ طرح محقق شده‌است و یکی از طرح‌ها تا خردادماه به بهره‌برداری می‌رسد.»

معاون وزیر نفت با اشاره به برنامه بهینه‌سازی مصرف گاز در استان‌های سردسیر گفت: سال‌گذشته با مشارکت دو مجتمع پتروشیمی، پروژه‌هایی در پنج استان سردسیر عملی شد که نقش موثری در کاهش مصرف گاز و تامین خوراک مجتمع‌ها داشت. امسال نیز پروژه‌های مشابهی در حال اجراست. او ادامه‌داد: جایگزینی خوراک نیروگاه‌ها با LNG نیز یکی از مسیرهای مهم آزادسازی گاز برای صنعت پتروشیمی است. عباس‌زاده با اشاره به تمرکز شدید دولت بر جمع‌آوری گازهای همراه نفت گفت: رئیس‌جمهوری هر چهارشنبه جلسات ویژه‌ای با مدیران ارشد صنعت نفت برگزار می‌کنند و بر تسریع بهره‌برداری از پروژه‌های مشعل تاکید دارند. این نگاه موجب‌شده پیشرفت پروژه‌ها سرعت بیشتری بگیرد.

وی ضمن اشاره به حضور گسترده نیروهای متخصص در رگسفید، اهواز، امیدیه و دیگر مناطق گفت: «اجرای این پروژه‌ها اشتغال مستقیم و غیرمستقیم چشمگیری ایجادکرده و زنجیره‌ای از فرصت‌های صنعتی و خدماتی را در استان خوزستان فعال کرده‌است.»

عباس‌زاده گفت: «جمع‌آوری گازهای فلر، علاوه‌بر تامین خوراک پتروشیمی‌ها، آلودگی هوا را در یکی از حساس‌ترین استان‌های کشور کاهش می‌دهد. این پروژه هدیه‌ای ارزنده از سوی صنعت نفت و پتروشیمی به مردم خوزستان و استان‌های همجوار است.»

حاشیه سود پالایش جهانی به بالاترین سطح ۲۰ ماه اخیر رسید

به گزارش شانا به‌نقل از رویترز، حاشیه سود پالایش نفت در بازارهای جهانی به بالاترین سطح ۲۰ ماه گذشته رسید؛ افزایشی که تا حدود زیادی ناشی از عملکرد مطلوب بازار گازوئیل و نگرانی‌ها درباره محدودیت عرضه در پی دور تازه تحریم‌های آمریکا علیه شرکت‌های نفتی روسنفت و لوک اویل، بزرگ‌ترین صادرکنندگان روسیه بوده است.

بر پایه داده‌های گروه مالی بورس اوراق بهادار لندن (LSEG)، حاشیه سود پالایش پیچیده در سنگاپور (شاخص سودآوری پالایش در آسیا) روز سه‌شنبه (ششم آبان ۱۴۰۴) به حدود ۹ دلار برای هر بشکه رسید که بالاترین سطح از فوریه ۲۰۲۴ و افزایشی خیره‌کننده نسبت به حدود ۲ دلار در اوایل اکتبر به‌شمار می‌آید. شکاف قیمتی گازوئیل با ۱۰ پی‌پی‌ام گوگرد هم روز سه‌شنبه از ۲۶ دلار برای هر بشکه عبور کرد و به بالاترین سطح خود در بیش از یک‌سال‌ونیم گذشته رسید.بازارهای اروپایی نیز روندی مشابه را تجربه کرده‌اند، به‌طوری که حاشیه سود معیار گازوئیل در روز دوشنبه از ۳۰ دلار برای هر بشکه فراتر رفت و به بالاترین سطح از اواسط فوریه ۲۰۲۴ رسید. در ایالات متحده آمریکا، معاملات آتی دیزل با گوگرد بسیار کم (ULSD) روز دوشنبه با اختلاف ۳۹ دلار و ۹۱۴ سنتی نسبت به معاملات آتی نفت خام آمریکا انجام شد؛ رقمی که بالاترین سطح از فوریه ۲۰۲۴ است.

بازی تیمی تولید و تجارت

ناترازی تجاری با کشورهایی همچون عراق، افغانستان و پاکستان، به یک مشکل جدی بدل شده است. بر اساس آمارهای رسمی، ارزش واردات ایران از این ۳کشور، کمتر از ۱۰درصد صادرات به این مقاصد است. کارشناسان معتقدند افزایش واردات از کشورهای مذکور، علاوه بر اینکه به تامین بخشی از کالاهای ضروری مورد نیاز شهروندان کمک می‌کند، انگیزه این کشورها را برای تجارت با ایران افزایش می‌دهد. درعین حال تولید مشترک نیز راهکار دیگری است که می‌تواند در استحکام روابط اقتصادی میان ایران و کشورهای همسایه موثر باشد.

فاطمه جوادی: تولید محصول مشترک بین کشورها در حوزه‌های مختلف از سال‌های گذشته انجام شده و موضوع جدیدی نیست. این اقدام با هدف کاهش هزینه تولید، افزایش اشتغال و صادرات، عبور از موانع تجاری، بهبود روابط کشورها و سودآوری بیشتر انجام می‌شود. در شرایطی که کشورهای منطقه با تدوین برنامه‌ریزی‌های بلندمدت زیرساخت‌ها را برای حضور شرکت‌های خارجی فراهم کرده‌اند تا سود نصیب هر دو طرف شود، کشور ما با وجود ظرفیت‌های منحصر به فردی که از آن برخوردار بوده، تجربه محدود و نامطلوبی را در این زمینه پشت سر گذاشته است.

نمونه‌های متعددی از همکاری برای سرمایه‌گذاری و تولید مشترک بین کشورها در بین همسایگان ایران وجود دارد. جمهوری آذربایجان موافقت‌نامه‌هایی با شرکت‌های چندملیتی آمریکایی و بریتانیایی برای اکتشاف نفت و گاز امضا کرده است. هتل‌های زنجیره‌ای با مالکیت شرکت‌های چندملیتی حضور گسترده‌ای در امارات متحده عربی دارند. همچنین برندهای مطرح در حوزه شوینده در ترکیه حضوری فعال دارند. عربستان فعالیت‌های گسترده‌ای را برای سرمایه‌گذاری و ساخت مشترک خودرو با شرکت‌های مطرح خودروساز دنیا آغاز کرده است. پیش از عربستان نیز ترکیه از سال‌ها قبل همین مسیر را با شرکت‌های برتر خودروساز دنیا آغاز کرده است. این در حالی است که فرصت‌های همکاری بین برندهای مطرح با خودروسازان ایرانی که برای تولید خودرو در ایران در سال‌های گذشته ایجاد شده بود به دلایلی چون تحریم‌ها و عدم ثبات در سیاستگذاری ناقص مانده و نتیجه مطلوبی نداشته است. از طرف دیگر خودروسازان ایرانی در کشورهایی چون سوریه و بلاروس نیز حضور موفقی را تجربه نکرده‌اند.

فعالان اقتصادی در تشریح دلایلی که سبب شده است تا کشور ما از چنین تجربه‌ای دور بماند به موارد آشنایی اشاره می‌کنند. به اعتقاد آنها مهم‌ترین مورد، سرخوردگی تولیدکنندگان در بازار داخل است. زمانی که تولیدکنندگان با چالش‌های متعددی چون تغییرات ناگهانی مقررات و دخالت‌های گسترده دولت مواجه هستند و ظرفیت‌های تولید در داخل ناقص مانده است، چگونه می‌توانند حتی با وجود توانایی، برای تولید مشترک با کشورهای دیگر برنامه‌ریزی کنند. از طرف دیگر صنعتگران می‌گویند زیرساخت‌ها و شرایط برای حضور شرکت‌های خارجی در ایران فراهم نیست.

هرویک یاریجانیان، عضو هیات نمایندگان اتاق ایران در مورد تولید مشترک بین ایران و سایر کشورها به خبرنگار «دنیای اقتصاد»گفت: سابق بر این، ایران‌خودرو در بلاروس و سایپا نیز در سوریه کارخانه راه‌اندازی کردند تا خودرو به عنوان کالای مشترک دو کشور با سرمایه‌گذاری مشترک تولید شود. بخش خصوصی نیز کارخانه‌ای در یکی از کشورهای همسایه تاسیس کرد که دچار آتش‌سوزی شد. تجربه چنین نمونه‌هایی را داشته‌ایم، اما در تمام این پروژه‌ها با چالش‌هایی مواجه بوده‌ایم و کار چندان روان پیش نرفته است. در نهایت هم موفقیت چشم‌گیری حاصل نشد.

یاریجانیان افزود: البته یکی از کشورهای همسایه در ایران سرمایه‌گذاری کرده که آثار آن کاملا مشهود است. این کشور در ایران محصولات سلولزی و شوینده تولید می‌کند و کل بازار ما را در اختیار گرفته است. همچنین یک فروشگاه زنجیره‌ای خارجی در ایران تاسیس شده است. با این حال در ایران چندان مسیر را برای ورود کشورهای دیگر باز نگذاشته‌ایم. به جز چند مورد محدود، دیگر کشوری حاضر نیست در ایران سرمایه‌گذاری کند. اگر بخواهم صادقانه بگویم، اقتصاد ایران در وضعیت نامناسبی قرار دارد که نه می‌توان گفت امکان انتقال سرمایه وجود دارد و نه می‌توان گفت وجود ندارد.

نمونه‌های موفق در منطقه

یاریجانیان با تاکید بر اینکه نمونه‌های متعددی از تولید مشترک و سرمایه‌گذاری‌های موفق و ماندگار در کشورهای منطقه وجود دارد، گفت: شرکت‌های خارجی پس از مطالعات دقیق و بررسی‌های جدی وارد بازار در کشور دیگر می‌شوند. این رویه برخلاف رفتار ما است که بعضا احساسی تصمیم می‌گیریم. اخیرا باشگاه یوونتوس در ارمنستان سرمایه‌گذاری کرده تا فوتبالیست پرورش بدهد. این موارد همه از جنس سرمایه‌گذاری است، اما چنین رفتاری در ایران مشاهده نمی‌شود. در شرایطی که کشورهای خارجی به شهروندان خود هشدار می‌دهند که از سفر به ایران خودداری کنند، چگونه انتظار سرمایه‌گذاری داریم. این هشدار به معنای نبود امنیت سرمایه‌گذاری است. در شرایطی که امکان پذیرش گردشگر نداریم، بدیهی است که انتظار انجام همکاری مشترک تولیدی با سایر کشورها واقع‌بینانه نخواهد بود. طبیعتا اگر قرار باشد ما هم برای سرمایه‌گذاری به این کشورها برویم با استقبال مواجه نمی‌شویم. متاسفانه در اغلب موارد اقتصادی، بیشتر شکست خورده‌ایم تا اینکه پیروز باشیم.

تجربه‌های ناموفق گذشته

این عضو هیات نمایندگان اتاق ایران با اشاره به این که در سرمایه‌گذاری‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای آن‌طور که باید و شاید به موفقیت‌های مطلوب نرسیده‌ایم، گفت: برای مثال با حمایت سازمان توسعه تجارت، مرکز تجاری ایرانیان را در ارمنستان تاسیس کردیم که چند سال از فعالیت آن می‌گذرد، اما خروجی آن بسیار ناامید کننده بوده است. قرار بر این بود که تولیدکنندگان ایرانی ابتدا از این مرکز برای ارائه کالاهای خود استفاده کنند و سپس در صورت موفقیت، تولید مشترک یا تولید مستقل در ارمنستان داشته باشند و کالا را با برچسب «ساخت ارمنستان» به نقاط مختلف دنیا صادر کنند. اما در عمل، کارنامه این مرکز اصلا موفق نبود. ضمن این که شرکت‌های بزرگ ایرانی نیز برای سرمایه‌گذاری وارد ارمنستان شدند، اما آنها هم چندان موفق عمل نکردند. به‌نظر می‌رسد ما مسیر ورود به کشورهای دیگر را نمی‌شناسیم یا اگر هم بشناسیم، دانسته‌های خود را به کار نمی‌گیریم.

بازار بی‌ثبات داخلی

یاریجانیان در مورد چالش‌هایی که مانع از موفقیت فعالان اقتصادی در ارمنستان شد، گفت: عمده‌ترین چالش سردرگمی تولیدکننده‌های ایرانی در بازار داخلی است. اگر تولیدکننده داخلی با ثبات وضعیت مواجه باشد، طبیعتا راحت‌تر می‌تواند به بازارهای بین‌المللی فکر کند. اما در کشور ما هرگاه تولیدکننده به نقطه ثبات نزدیک می‌شود، ناگهان حادثه یا تغییر جدیدی رخ می‌دهد. در سال‌های اخیر، اتفاقات متعددی از جمله عدم ثبات نرخ ارز، تورم افسارگسیخته و از همه مهم‌تر تغییر سیاست بانک مرکزی به مانع تولید تبدیل شده‌اند. قدرت وزیر هم از رئیس بانک مرکزی کمتر است. این اتفاقات اولین ضربه را به تولید و صنعت وارد می‌کند. تولیدکننده باید درآمد داشته باشد تا بتواند در کشور دیگری سرمایه‌گذاری کند. در شرایطی که بازار ۹۰میلیون‌نفری داخل ثبات اقتصادی ندارد، تولیدکننده از چرخه تولید داخلی عقب می‌ماند و دیگر فرصتی برای سرمایه‌گذاری خارجی ندارد.

وی توضیح داد: برای نمونه فرض کنید می‌خواهید در ارمنستان خط تولید راه بیندازید. برای انتقال ماشین‌آلات از ایران، تولیدکننده باید ثابت کند که این تجهیزات متعلق به کارخانه او است، برای خط تولید و به عنوان سرمایه‌گذاری وارد کشور دیگری می‌شود و نیازی به بازگشت ارز ندارد. در واقع قرار است به چرخه بین‌المللی وصل شویم و صادرات کالا انجام دهیم. اما روند انتقال ماشین‌آلات آن‌قدر پیچیده و زمان‌بر است که تولیدکننده را از ادامه مسیر منصرف می‌کند. در طی این مدت ممکن است تکنولوژی که قرار است منتقل شود، منسوخ شده باشد.

عضو هیات نمایندگان اتاق ایران تصریح کرد: علاوه بر چالش‌های داخلی که تولیدکنندگان با آن مواجه هستند، چالش‌ها و حوادث غیرمترقبه برای واحد تولیدی در کشور خارجی را نیز باید درنظر بگیریم. در این شرایط عملا تولیدکننده داخلی حامی واقعی ندارد. وزارت صمت هم آن‌قدر بزرگ و فربه شده که به جای انجام وظایفی مثل رگولاتوری و حمایت از صنایع داخلی، در همه موارد مداخله می‌کند و کارآمدی خود را از دست داده است. از طرف دیگر این وظایف به وزارت امور خارجه محول شده است، اما ساختار وزارت امور خارجه با یک معاونت اقتصادی و تعدادی رایزن اصلا پاسخگوی مشکلات ایرانیان خارج از کشور نیست. موضوع سرمایه‌گذاری باید به بخش خصوصی سپرده شود. تا زمانی که دولت در جایگاه مباشر تولید قرار گیرد، همین وضعیت حاکم خواهد بود. سیاست‌های دولت موجب شده است که ما نتوانیم در هیچ‌یک از کشورهایی که به‌عنوان مقصد سرمایه‌گذاری انتخاب کرده‌ایم، آینده موفقی داشته باشیم.

به گفته یاریجانیان، قوانین خلق‌الساعه، سونامی مقررات، سامانه‌های متعدد و فشارهای مداوم ارگان‌هایی مانند سازمان مالیاتی و وزارت نیرو مانع از فعالیت تولیدی شده است. در سال‌های گذشته گفته می‌شد یکی از دلایل مقرون‌به‌صرفه بودن کالای ایرانی، برق ارزان است. اما امروز اگر محاسبات انجام دهیم، قیمت برق تولیدکننده در ایران از سوئیس هم بالاتر است. در حالی که در دهه‌های گذشته هزینه کابل‌کشی و تاسیسات دریافت شده است، اکنون دوباره تحت‌عنوان «حق ترانزیت» تولیدکننده باید هزینه‌های اضافی پرداخت کند. این نوع از برخوردها و قوانین موجب می‌شود سرمایه که ذاتا ترسو و سرمایه‌گذار که محتاط است، از کشور خارج شود. در نتیجه، نه سرمایه‌گذار ایرانی توجیهی برای رفتن به کشورهای دیگر و نه سرمایه‌گذار خارجی توجیهی برای ورود به ایران دارد. عضو هیات نمایندگان اتاق ایران در پایان گفت: تحت‌تاثیر مداخلات بی حد و حصر دولت، اقتصاد ما روز به روز کوچک‌تر می‌شود، کارخانه‌ها توسعه پیدا نمی‌کند و دیگر برندهای ایرانی مانند دهه‌های گذشته توسعه پیدا نمی‌کنند.

زمستان در مدار اطمینان

مدیر برنامه‌ریزی تلفیقی شرکت ملی گاز ایران اعلام کرد: با انجام تعمیرات اساسی به‌موقع، هماهنگی کامل بخش‌های عملیاتی و اجرای طرح‌های هوشمندسازی، آمادگی شبکه گاز برای فصل سرما به‌طور کامل فراهم شده‌است.

به گزارش «شانا» با نزدیک‌شدن به فصل سرما، شرکت ملی گاز ایران، مجموعه‌ای از اقدام‌های برنامه‌ریزی‌شده و هماهنگ را برای افزایش پایداری شبکه گاز و آمادگی کامل تاسیسات عملیاتی انجام داده‌است.

سعید پاکسرشت، مدیر برنامه‌ریزی تلفیقی شرکت ملی گاز ایران با تشریح جزئیات این اقدام‌ها، بر نقش حیاتی برنامه‌ریزی دقیق، اجرای به‌موقع تعمیرات اساسی و به‌کارگیری فناوری‌های نو در ارتقای تاب‌آوری شبکه تاکید کرد. یکی از مهم‌ترین گام‌های شرکت ملی گاز ایران در ماه‌های گذشته و پیش از ورود به نیمه دوم سال، انجام تعمیرات اساسی در زمان مناسب و در کوتاه‌ترین بازه زمانی ممکن بود که موجب شد آمادگی مجموعه برای ورود به زمستان افزایش و از بروز هرگونه وقفه یا تاخیر در فعالیت‌های عملیاتی جلوگیری شود. مدیر برنامه‌ریزی تلفیقی شرکت ملی گاز ایران با اشاره به برنامه‌ریزی دقیق میان بخش‌های مختلف از جمله پالایشگاه‌ها و خطوط انتقال گاز اظهار کرد: این هماهنگی موجب‌شد برنامه تعمیرات اساسی واحدهای عملیاتی و تاسیسات شرکت ملی گاز ایران، طبق زمان‌بندی تعیین‌شده به پایان برسد.

پاکسرشت به برگزاری جلسات متعدد تامین سوخت زمستانی با حضور سعید توکلی، مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران اشاره و تصریح کرد: تاکنون پنج جلسه اصلی در این زمینه برگزارشده و هدف از این نشست‌ها، ایجاد هماهنگی کامل میان بخش‌های مختلف شرکت ملی گاز ایران برای ورود به فصل سرما و اطمینان از آمادگی تمام تاسیسات و تجهیزات در کشور است.

وی با اشاره به پیش‌بینی جوی آبوهوا، وضعیت تولید گاز کشور را مطلوب خواند و افزود: اگرچه پیش‌بینی‌های بلندمدت هواشناسی در بازه‌های بیش از دو هفته قابل‌اطمینان نیست، اما بر اساس فعالیت‌های انجام‌شده در شرکت ملی گاز ایران، مقدار تولید گاز کشور در سطح سال‌گذشته قرار دارد و در صورت نیاز، توان افزایش ظرفیت تولید نیز وجود دارد. مدیر برنامه‌ریزی تلفیقی شرکت ملی گاز ایران تاکید کرد: شرکت ملی گاز ایران از نظر تولید، پالایش و انتقال در وضع مطلوبی قرار دارد و آمادگی کامل برای فرآورش، انتقال پایدار گاز و توزیع آن در سراسر کشور فراهم شده‌است.

راهبرد کلیدی مدیریت مصرف

پاکسرشت با اشاره به اهمیت مدیریت مصرف انرژی اظهار کرد: موضوع بهینه‌سازی مصرف، نیازمند فرهنگ‌سازی مداوم است تا به بخشی از رفتار روزمره جامعه تبدیل شود. هریک از شهروندان باید به مصرف انرژی در محیط پیرامون خود حساس باشند و در استفاده از وسایل گرمایشی یا روشنایی، صرفه‌جویی را به‌عنوان یک وظیفه ملی درنظر بگیرند. وی توضیح داد: افزون بر فرهنگ‌سازی، شرکت ملی گاز ایران در تلاش است ابزارهایی با راندمان بالای انرژی را نیز در اختیار مصرف‌کنندگان قرار دهد. وی یکی از طرح‌های مهم در این زمینه را تامین و توزیع بخاری‌های گازسوز با بهره‌وری بالای انرژی بیان و تصریح کرد: بر اساس مصوبه شورای‌عالی اقتصاد، تامین ۴میلیون و ۱۰۰هزار دستگاه از این نوع بخاری‌ها در دستور کار شرکت ملی گاز ایران قرار دارد.

صنعت برق در مسیر تحول؛ تهران پیشتاز در مدیریت هوشمند انرژی

قیمت‌گذاری حامل‌های انرژی، به‌ویژه بنزین، یکی از پیچیده‌ترین و حساس‌ترین پرونده‌های اقتصاد ایران در نیم‌قرن اخیر بوده‌است. ایران به‌عنوان کشوری با ذخایر عظیم هیدروکربوری، سالانه صدها هزار میلیاردتومان یارانه پنهان انرژی پرداخت می‌کند که بخش قابل‌توجهی از آن به بنزین اختصاص دارد. برآوردهای رسمی شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی نشان می‌دهد تنها در سال۱۴۰۴، یارانه پرداختی (مبتنی بر مابه‌التفاوت قیمت تمام‌شده و قیمت فروش) برای بنزین به ارقام هنگفتی رسیده که معادل بخش عمده‌ای از بودجه‌عمومی کشور است و مستقیما به کسری‌بودجه، رشد نقدینگی و تورم مزمن دامن می‌زند.

اصلاح هوشمندانه قیمت بنزین

بررسی تجربیات گذشته و سیاست‌های اخیر نشان می‌دهد اصلاح قیمت بنزین (وقتی با طراحی دقیق، زمان‌بندی مناسب، مدیریت انتظارات تورمی و سیاست‌های جبرانی هدفمند همراه باشد) نه‌تنها به جهش پایدار تورم منجر نمی‌شود، بلکه یکی از موثرترین ابزارهای کاهش فشارهای تورمی بلندمدت است.

۱ - یارانه پنهان انرژی: بار مالی سنگین و موتور تورم ساختاری

در حال‌حاضر هزینه تمام‌شده تولید یا واردات هر لیتر بنزین (با احتساب نرخ‌های جهانی و نرخ تبدیل ارز) بیش از ۳۵ تا ۴۰هزارتومان است، درحالی‌که قیمت عرضه‌شده برای مصرف‌کننده نهایی بین ۱۵۰۰ تا ۳هزارتومان باقی‌مانده‌است. این شکاف قیمتی، یارانه‌ای عظیم ایجاد می‌کند که عمدتا به دهک‌های پردرآمد، پرمصرف‌ها و شبکه قاچاق سوخت می‌رسد و کم‌ترین نصیب را برای اقشار کم‌درآمد دارد. این یارانه پنهان، دولت را مجبور می‌کند برای تامین منابع آن به استقراض از بانک‌مرکزی، فروش تنخواه‌گردان یا تاخیر در پرداخت‌ها روی‌آورد. نتیجه مستقیم این مکانیسم، افزایش پایه‌پولی و نقدینگی است که طی چهار دهه‌گذشته مهم‌ترین عامل تورم‌های بالای ۲۰-۴۰درصد در ایران بوده‌است.

روزنامه مرز اقتصاد
دوشنبه ۰۸ دی‌ماه ۱۴۰۴ • شماره ۸۳۲
www.marzeghtesad.ir

چرا ترمز برقی‌ها کشیده شد؟

عرشیا حسن پور – دیوان محاسبات کشور روز گذشته در گزارشی به تعلل دولت در واردات خودروهای برقی و هیبریدی در سال گذشته پرداخت.

در این گزارش دو نکته مهم درباره فرصت‌سوزی ورود برقی‌ها و هیبریدها مورد تاکید قرار گرفت. نخست، تعلل وزارت صمت در بهره‌گیری از ظرفیت‌های قانونی سال۱۴۰۳ برای واردات خودروهای برقی و هیبریدی و دوم، دریافت تعرفه واردات این خودروها در سال‌گذشته بر مبنای مقررات و نرخ‌های سال۱۴۰۲ که عملا مانع اجرای سیاست‌های جدید و حمایتی در این حوزه شده‌است.

دیوان محاسبات کشور در گزارش خود تاکید کرده‌است؛ «طبق قانون بودجه سال۱۴۰۳ تعرفه واردات برای خودروهای برقی ناوگان عمومی نیم‌واحددرصد، خودروهای برقی سایر متقاضیان ۴ واحددرصد و برای خودروهای هیبریدی ۱۵واحددرصد بوده‌است اما دولت با این تعرفه‌ها مجوز واردات برای خودروهای برقی و هیبریدی را صادر نکرده، بلکه بر اساس قانون سنوات قبل تعرفه را محاسبه کرده‌است.»

بدین‌ترتیب دیوان محاسبات با توجه به عملکرد دولت در سال‌گذشته تاکید دارد؛ اقدامات دولت نه‌تنها موجب مسدودشدن مسیر واردات خودروهای کم‌مصرف و پاک در سال۱۴۰۳شده، بلکه عملا اهداف قانون‌گذار برای توسعه ناوگان برقی را نیز بی‌اثر کرده‌است و با وجود تعیین تعرفه‌های ترجیحی و بسیار پایین برای برقی‌ها و هیبریدی‌ها، هیچ فرآیند اجرایی برای صدور مجوز واردات از سوی وزارت صمت آغاز نشده و این تعلل، فرصت به‌روزرسانی ناوگان عمومی و کاهش مصرف سوخت را از بین برده است.

با توجه به گزارش دیوان محاسبات به‌نظر می‌رسد که مشابه همین اتفاق در سال‌جاری نیز رخ داده‌است؛ چراکه از ابتدای امسال به‌دلیل مشکلات مربوط به تعرفه واردات که دولت و مجلس در مورد آن به اختلاف خورده بودند، ورود خارجی‌ها با تعرفه سال‌قبل محاسبه شده‌است، اما نکته دیگری که دیوان محاسبات روی آن تاکیدکرده، این است که «بهره‌گیری از این ظرفیت قانونی مصوب مجلس شورای‌اسلامی، می‌توانست تاثیرات مثبتی بر کاهش مصرف سوخت و کاهش آلودگی هوا داشته‌باشد»، اما دولت از این ظرفیت استفاده نکرده‌است.

به‌طور کلی می‌توان گفت؛ شیوه برخورد سیاستگذاران در مورد واردات خودروهای برقی و هیبریدی نمونه تمام‌عیاری از برخورد سلیقه‌ای در اجرای قوانین و مصوبات مجلس است و نشان می‌دهد؛ هیچ استراتژی بلندمدتی در سیاستگذاری صنعت و بازار خودروی کشور وجود ندارد. برای درک بهتر این موضوع بهتر است مروری داشته باشیم بر تصمیم‌سازی‌ها در مورد خودروهای برقی و هیبریدی در کشور. موضوع خودروهای برقی در دولت سیزدهم و در زمان وزارت عباس علی‌آبادی در وزارت صمت کلید خورد. علی‌آبادی «خودروهای برقی» را به یکی از اولویت‌های اصلی بازار خودرو بدل کرده‌بود و وزارت صمت تحت‌ریاست وی، برقی‌ها را به شکلی ویترین فعالیت‌های خود می‌دید، در همین دوره بود که آیین‌نامه اجرایی واردات خودروهای برقی تنظیم شد. این آیین‌نامه که در سال۱۴۰۳ ابلاغ شد هیچ‌گاه به مرحله اجرا نرسیدو مورد استناد دیوان محاسبات در این گزارش نیز همین مصوبه قانونی است. در این مقررات ثبت‌سفارش برقی‌ها و هیبریدها در اولویت واردات قرارگرفته و برای تشویق برقی‌سازی، تخفیف‌هایی در سود بازرگانی برای خودروهای مورداستفاده در حمل‌ونقل عمومی، تجهیزات شارژ و قطعات مرتبط پیش‌بینی شده‌بود و دستگاه‌های مختلف موظف بودند زیرساخت شارژ را توسعه دهند. در مجموع، آیین‌نامه یک بسته حمایتی نسبتا منسجم برای گسترش ناوگان برقی بود، اما با وجود پتانسیل اثرگذاری، هرگز عملیاتی نشد. ابلاغ این آیین‌نامه که مربوط به قانون بودجه‌سال۱۴۰۳ بود در بهمن‌ماه این سال رخ داد.

بدین ترتیب می‌توان گفت با روی کارآمدن دولت چهاردهم ورق عرضه خودروهای پاک کاملا برگشت. دولت چهاردهم هیچ علاقه‌ای به ادامه سیاست برقی‌سازی ناوگان نداشت، گرچه آیین‌نامه مذکور در دولت چهاردهم ابلاغ شد اما در عمل دولت اقدامی برای اجرایی‌شدن آن نکرد و آرام‌آرام «خودروهای برقی» از ادبیات سیاستگذاران نیز حذف شد. در سال۱۴۰۴ این آیین‌نامه معتبر نبود و دولت فرصت واردات از محل آن را هم نداشت. مجلس این‌بار در قانون بودجه اشاره‌ای به واردات خودروهای برقی نداشت و تعرفه واردات خودرو را به‌طور کلی ۱۰۰درصد اعلام کرده‌بود. این‌بار خود دولت بود که وارد شد و تعرفه واردات خودرو را پلکانی کرد. دولت در آیین‌نامه‌های خود تعرفه واردات خودروهای برقی و هیبریدی را هم به ترتیب ۵ و ۱۵درصد اعلام کرد، اما به‌رغم این موضوع بازهم خبری از واردات برقی‌ها و هیبریدی‌ها در سال۱۴۰۴ نیست. با توجه به اینکه بخش زیادی از سال‌جاری را پشت‌سر گذاشته‌ایم و دولت نیز نشان‌داده که علاقه‌ای به پروژه برقی‌ها ندارد، احتمالا در ادامه سال‌جاری نیز شاهد تغییر مهمی در رویکرد دولت نباشیم.

> **شیوه برخورد سیاستگذاران در مورد واردات خودروهای برقی و هیبریدی نمونه تمام‌عیاری از برخورد سلیقه‌ای در اجرای قوانین و مصوبات مجلس است.**

موضوع دیگری که در این میان از اهمیت بالایی برخوردار است، عدم‌فراهم‌کردن زمینه مناسب برای توسعه خودروهای برقی برای تقاضای بیشتر است، به‌طوری‌که عادل پیرمحمدی، مدیرعامل ایران‌خودرو، ۳۰ آبان ماه گفته بود: «ایران‌خودرو تجربه خوبی در زمینه واردات و فروش خودروی برقی ندارد و متاسفانه براساس سیاست‌های پیشین وزارت صمت‌هزار خودرو برقی وارد شد، اما به دلیل عدم‌حمایت دولت از خریداران، بخشی از آن هنوز به‌فروش نرفته است.» با این‌حال به‌نظر می‌رسد که این موضوع به دلیل نبود مشوق و زیرساخت‌های لازم است، کشورهای مختلف برای گسترش استفاده از خودروهای برقی و هیبریدی ترکیبی از مشوق‌های مالی و توسعه زیرساخت را به‌کار گرفته‌اند. بسیاری از دولت‌ها با ارائه یارانه‌های خرید، معافیت یا کاهش مالیات، تسهیلات بانکی کم‌بهره و تعرفه‌های ترجیحی واردات، هزینه اولیه خرید این خودروها را کاهش داده‌اند. در حوزه زیرساخت، سرمایه‌گذاری گسترده در ایجاد شبکه ایستگاه‌های شارژ سریع، توسعه استانداردهای شارژ یکپارچه و فراهم‌کردن پارکینگ‌های ویژه خودروهای برقی انجام شده‌است، اما در ایران متاسفانه شاهد هیچ مشوق خاصی نبوده‌ایم.

ناترازی برق «بهانه» است

اما در مورد توقف تقریبی پروژه خودروهای برقی، گفت‌وگویی با حسن کریمی‌سنجری، کارشناس صنعت خودرو و مدیر پروژه برقی‌سازی در دولت سیزدهم داشتیم. کریمی‌سنجری توضیح می‌دهد که در ایران فقط یک مسیر واقعی برای ورود فناوری روز به کشور وجود دارد که آن چین است. به گفته وی این کشور چندسالی است که جهت‌گیری خود را به‌طور کامل به سمت خودروهای برقی برده است. چین خطوط تولید قطعات مکانیکی سنتی را یکی پس از دیگری کنار گذاشته و ناوگان حمل‌ونقل عمومی خود در شهرهای بزرگ را تقریبا به‌طور کامل برقی کرده‌است. کریمی سنجری تاکید می‌کند؛ وقتی تنها شریک صنعتی ایران به چنین نقطه‌ای رسیده، طبیعی است که ایران هم باید در همین مسیر حرکت کند، زیرا ادامه تولید خودروهای بنزینی در آینده نزدیک با بحران تامین قطعه مواجه می‌شود.

وی سپس به این موضوع می‌پردازد که اهمیت خودروهای برقی فقط به دلایل زیست‌محیطی محدود نیست، بلکه از منظر امکان‌سنجی و ضرورت‌های اقتصادی نیز ایران ناچار است به این سمت برود چراکه کشور با بحران آلودگی هوا و مصرف افسارگسیخته بنزین مواجه است؛ بنزین تولیدی کیفیت کافی را ندارد و واردات آن نیز سالانه حدود ۶میلیارد دلار برای کشور هزینه دارد. کریمی سنجری یادآور می‌شود که دولت به دلیل حساسیت‌های اجتماعی قادر به واقعی‌سازی قیمت بنزین نیست، درحالی‌که مصرف آن به شکل نگران‌کننده‌ای رو به افزایش گذاشته و کشور را در یک تنگنای بزرگ قرارداده‌است. وی اضافه می‌کند: «هم معضل آلودگی داریم و هم بحران بنزین و در عین‌حال یک فرصت استثنایی برای همکاری با چین فراهم است. سوال اینجاست که چرا از این ظرفیت استفاده نمی‌کنیم؟»

به باور این کارشناس صنعت خودرو علت اصلی بی‌میلی دولت چهاردهم نسبت به ادامه مسیر برقی‌سازی، نبود اشراف فنی و تحلیل دقیق است. وی می‌گوید: در بدنه کارشناسی دولت افرادی حضور دارند که اطلاعات نادرست، برداشت‌های غلط و تحلیل‌های سطحی را به مقامات انتقال می‌دهند. نمونه‌ای از این اطلاعات غلط نسبت‌دادن کاهش گرایش به خودروهای برقی در آمریکا به‌عنوان نشانه‌ای برای شکست جهانی این فناوری است، درحالی‌که به گفته وی، ایران هیچ سنخیتی با آمریکا ندارد. وی در این رابطه توضیح می‌دهد؛ آمریکا کشوری پهناور با سطح رفاه بالاست، آلودگی هوای شدید ندارد و تولیدکننده بنزین باکیفیت است. حتی اگر در آمریکا گرایش به خودروهای برقی کاهش پیدا کند، شریک ما چین است و چین دقیقا در مسیر برقی‌سازی صددرصدی حرکت می‌کند. کریمی‌سنجری می‌گوید: برخی مشاورها دولت را به سمت تولید خودروهای کم‌مصرف یا هیبریدی سوق می‌دهند؛ درحالی‌که تولید خودروهای هیبریدی از نظر فناوری پیچیده‌تر و از نظر هزینه تولید گران‌تر از خودروهای تمام‌برقی است.

وی توضیح می‌دهد: «خودروی هیبریدی ترکیبی از خودروی بنزینی و برقی است؛ یعنی باید هم روی موتور احتراقی سرمایه‌گذاری شود و هم روی موتور برقی؛ این در حالی است که فناوری خودروهای برقی بسیار ساده‌تر است و اساسا برای کاهش آلودگی و کاهش مصرف بنزین، تنها راه موثر، خودروهای تمام‌برقی هستند. خودروی هیبریدی همچنان بنزین می‌سوزاند و همچنان آلودگی تولید می‌کند.» کریمی‌سنجری موضوع مشکل ناترازی برق برای کنار گذاشتن خودروهای برقی را «بهانه» می‌داند و می‌گوید: در حالی ناترازی برق مطرح می‌شود که وزیر نیرو چند هفته پیش اعلام کرد در یک بازه کوتاه زمانی، پنج‌هزارمگاوات برق تجدیدپذیر به شبکه کشور افزوده شده‌است؛ رقمی که نشان می‌دهد ایران توان افزایش تولید برق را دارد. کریمی‌سنجری تاکید می‌کند: جبران کمبود بنزین به‌مراتب سخت‌تر، پرهزینه‌تر و زمان‌برتر از جبران کمبود برق است و برای تولید بیشتر بنزین باید سرمایه‌گذاری‌های عظیم انجام داد، نفت‌خام را از دست داد و بازهم کیفیت تضمین‌شده به‌دست نمی‌آید، اما برق را می‌توان از گاز، زغال‌سنگ و حتی انرژی‌های تجدیدپذیر تامین کرد،

بنابراین کمبود برق بهانه است؛ مشکل اصلی کمبود شدید بنزین و وارداتمیلیاردی آن است. از مدیرپروژه خودروهای برقی دولت سیزدهم در مورد عدم‌استقبال از این خودروها پرسیدیم. وی توضیح می‌دهد: این موضوع ناشی از نبود زیرساخت‌ها است. وی معتقد است در همه دنیا ترس از تمام‌شدن شارژ خودرو، یک نگرانی طبیعی است و دولت‌ها با ایجاد زیرساخت آن را برطرف کرده‌اند. کریمی‌سنجری معتقد است مردم اگر مطمئن باشند که شب در پارکینگ خانه می‌توانند خودروشان را شارژ کنند و در سفرهای بین‌شهری ایستگاه شارژ وجود دارد، خرید خودروی برقی برایشان کاملا منطقی می‌شود.

وی توضیح می‌دهد که در طرح دولت سیزدهم، تعریف «پروتکل شارژ خانگی»، ایجاد انشعاب مجزا برای ساختمان‌ها، امکان شارژ کنترل‌شده شبانه، تجهیز برج‌ها به شارژ سریع و ایجاد ایستگاه‌های شارژ در مسیرهای پرتردد مثل جاده شمال، همه پیش‌بینی شده‌بود، اما اجرای آن متوقف شد. حالا همان توقف زیرساخت، تبدیل شده به بهانه‌ای برای کنار گذاشتن خودروهای برقی. این کارشناس صنعت خودرو اعتقاد دارد وظیفه ایجاد زیرساخت بر عهده دولت است. در دنیا توسعه خودروهای برقی و توسعه زیرساخت به‌صورت موازی اتفاق می‌افتد، نه یکی بعد از دیگری.

مجوز ورود ۵۰ خودروی خارجی به ناوگان وزارت‌خارجه

براساس مصوبه هیات‌دولت ۵۰ دستگاه از خودروهای خارجی با عمر حداکثر پنج سال که در اختیار نمایندگی‌های کشور در خارج هستند، می‌توانند به‌نام وزارت امورخارجه منتقل شوند.

مجوز ورود ۵۰ خودروی خارجی به ناوگان وزارت‌خارجه

هیات‌وزیران در جلسه‌ای که ۲۵ آبان ماه برگزار شد، طی مصوبه‌ای مهم، با انتقال سالانه ۵۰ دستگاه خودروی بنزینی، برقی و هیبریدی متعلق به نمایندگی‌های جمهوری‌اسلامی ایران در خارج از کشور به وزارت امورخارجه موافقت کرد.

به گزارش دبیرخانه هیات‌دولت، این تصمیم به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون‌اساسی و همچنین مواد قانونی مرتبط با ساماندهی صنعت خودرو اتخاذ شده‌است. بر اساس این مصوبه، ۵۰ دستگاه از خودروهای خارجی با عمر حداکثر پنج سال که در اختیار نمایندگی‌های کشور در خارج هستند، می‌توانند به‌نام وزارت امورخارجه منتقل شوند. هدف اصلی این اقدام، تامین ناوگان تشریفات این وزارتخانه اعلام شده‌است. نکته قابل‌توجه در این مصوبه، مستثنی‌شدن این خودروها از شمول تصویب‌نامه شماره۱۷۳۹۶۶ ت ۴۹۸۵۱هـ مورخ ۱۳۹۲.۱۱.۲۰(که مربوط به واردات خودروهای دولتی است) و اصلاحات بعدی آن است. این استثنا با رعایت کامل استانداردها صورت‌گرفته‌است.

پاشنه آشیل رمزارزی کسب‌وکارها

این کار باعث می‌شود سود و ضرر آنها بزرگ‌تر شود. وقتی قیمت یک ارز دیجیتال کمی پایین می‌رود، اهرم می‌تواند حساب‌ها را لیکوییدکند و ضرر قابل‌توجهی ایجاد کند. معامله‌گران برای ایجاد اهرم از قراردادهای آتی، پرپچوال‌ها و حتی استفاده دوباره از همان ارز دیجیتال به‌عنوان وثیقه استفاده می‌کنند. برای کسب‌وکارها، این موضوع اهمیت زیادی دارد. شرکت‌هایی که به هر نحوی با دارایی‌های دیجیتال سروکار دارند، می‌توانند از اهرم برای افزایش بازده سرمایه استفاده کنند، اما همزمان در معرض ریسک بزرگ‌تر هم قرار می‌گیرند.

اگر کنترل ریسک ضعیف باشد یا شفافیت کافی وجود نداشته باشد، ضررهای غیرمنتظره می‌توانند تاثیر مستقیم بر نقدینگی و عملکرد مالی کسب‌وکارها بگذارند. به همین دلیل، مدیریت دقیق اهرم، نظارت بر جریان وثیقه‌ها و ابزارهای شفافیت‌ساز برای شرکت‌ها حیاتی است تا از زیان‌های شدید جلوگیری کنند و رشد پایدار داشته باشند.

بازار جهانی کریپتو در ماه‌های اخیر یک بار دیگر طعم سقوط سریع و گسترده را چشید و این اتفاق باعث شد تحلیلگران در سراسر جهان درباره ریشه‌های این بحران بحث‌های تازه‌ای مطرح کنند. اگرچه نوسان در این بازار همیشه بخشی از ماهیت آن بوده است، اما شدت افت اخیر و هماهنگی ناگهانی میان لیکوییدیشن‌ها باعث شد تمرکز تازه‌ای بر نقش اهرم معاملاتی به وجود آید.

تحلیلگران هنگامی که داده‌های پیش از سقوط را بررسی کردند، متوجه شدند حجم معاملات باز در مشتقات کریپتو به ۱۱۵میلیارد دلار رسیده بود و این عدد یک رکورد بی‌سابقه محسوب می‌شد. این حجم بالا از اهرم به‌معنای آن بود که بخش قابل‌توجهی از بازار در برابر شوک‌های کوچک بسیار آسیب‌پذیر شده است. تنها در عرض یک روز بیش از ۲۰میلیارد دلار از پوزیشن‌ها لیکوییدشد و این اتفاق نه‌تنها نشان داد معامله‌گران اشتباه کرده‌اند، بلکه ضعف زیرساخت‌های فنی بازار نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در تشدید بحران داشته است.

این واقعیت که بازار کریپتو به‌طور ۲۴ ساعته فعال است، باعث می‌شود مدیریت ریسک آن به‌مراتب دشوارتر از بازارهای سنتی باشد. در بازارهایی مانند سهام یا اوراق بهادار، ساعات مشخصی برای معامله وجود دارد و زیرساخت‌ها بر اساس همین محدودیت زمانی طراحی شده‌اند، اما کریپتو چنین مرزی نمی‌شناسد و این امر کنترل ریسک، شفافیت جریان وثیقه‌ها و نظارت بر اهرم را پیچیده‌تر می‌کند. در این میان، بسیاری از فعالان بازار معتقدند مشکل اصلی تنها وجود اهرم نیست، بلکه مدیریت ناکافی آن است؛ موضوعی که تقریبا در تمام بحران‌های کریپتویی دوره‌های اخیر نقش پررنگی داشته است.

واقعیت ناپیدای اهرم در معاملات

وام‌دهی وثیقه‌دار و بدون وثیقه از نخستین سال‌های شکل‌گیری کریپتو وجود داشت و بسیاری از فعالان در سال‌های ابتدایی به دلیل محدودیت در کاربردهای این دارایی‌ها مجبور بودند از آنها برای وام‌گیری یا تامین مالی استفاده کنند. با گسترش اکوسیستم کریپتو، شکل‌های پیچیده‌تر اهرم نیز ظهور پیدا کرد. در سال‌های اخیر، انواع متنوعی از ابزارهای اهرمی مانند معاملات مارجین، قراردادهای آتی، آپشن‌ها، معاملات پرپچوال، اهرم مصنوعی و...وارد ساختار بازار شده‌اند و همین تنوع باعث شده است بخش زیادی از ریسک موجود در این بازار در لایه‌های پنهان و غیرشفاف جریان داشته باشد.

یکی از ویژگی‌های منحصربه‌فرد کریپتو این است که اهرم می‌تواند در دل قراردادهای هوشمند ایجاد شود و حتی بدون مشارکت مستقیم کاربر فعال شود. ساختارهای خودکار دیفای به‌گونه‌ای عمل می‌کنند که اگر پارامترهای خاصی مانند نسبت وثیقه یا قیمت دارایی تغییر کند، اهرم افزایش می‌یابد و قرارداد بدون دخالت انسانی موقعیت‌های جدیدی ایجاد می‌کند. این موضوع باعث می‌شود بسیاری از معامله‌گران ندانند دقیقا چه مقدار اهرم در معرض خطر دارند و همین ناآگاهی هنگامی که قیمت‌ها دچار نوسان شدید می‌شود، بحران را تشدید می‌کند. در مقابل این ساختارهای پنهان، بخشی از اهرم نیز در ترازنامه شرکت‌های تجاری کریپتویی دیده می‌شود، اما سهم اصلی در بخش‌های خارج از ترازنامه جریان دارد.

هنگامی که دارایی‌ها وارد استخرهای نقدینگی، پلتفرم‌های وام‌دهی، پروتکل‌های رپینگ یا پل‌های میان‌زنجیره‌ای می‌شوند، شفافیت آنها به سرعت کاهش پیدا می‌کند. بلاک‌چین ذاتا شفاف است اما این شفافیت بیشتر در لایه نخست آن دیده می‌شود و پس از اولین جابه‌جایی، درک زنجیره استفاده مجدد آن دارایی تقریبا غیر ممکن می‌شود. همین موضوع باعث می‌شود بسیاری از فعالان بازار نمی‌دانند دارایی‌هایی که در اختیار دارند، در چه جای دیگری چندبار استفاده شده است و این ناآگاهی زمینه‌ساز بحران‌های بزرگ می‌شود.

در دنیای کریپتو برخی از دارایی‌ها بارها و بارها به عنوان وثیقه استفاده می‌شوند و این رفتار باعث می‌شود یک توکن نوسانی چند برابر ارزش حقیقی‌اش در سیستم نقش‌آفرینی کند. هنگامی که قیمت دارایی پایه کاهش می‌یابد، این دارایی که چند بار نقش وثیقه ایفا کرده است، همزمان در چند تجربه اعتباری سقوط می‌کند. در چنین شرایطی یک کاهش قیمت ساده می‌تواند به سرعت به زنجیره‌ای از لیکوییدیشن‌ها تبدیل شود و همین مساله یکی از تفاوت‌های مهم بازار کریپتو با بازارهای سنتی محسوب می‌شود.

وقتی زیرساخت عقب می‌ماند

برای درک بهتر نحوه شکل‌گیری بحران می‌توان سناریوی عملی معروفی را بررسی کرد. فرض کنید معامله‌گری یک بیت‌کوین را وارد یک صرافی متمرکز می‌کند و کراس مارجینینگ(همه موجودی حساب شما به‌عنوان وثیقه برای تمام پوزیشن‌ها به‌کار گرفته شود) را فعال می‌کند تا تمام معاملاتش به همان یک دارایی وابسته باشد. او با تکیه بر این دارایی یک پوزیشن پرپچوال با اهرم چهار باز می‌کند، یک پوزیشن شورت برای پوشش ریسک اضافه می‌کند و در نهایت بخشی از بیت‌کوینش را نیز به صرافی قرض می‌دهد تا از سود وام‌دهی بهره‌مند شود.

همین اقدامات باعث می‌شود سطح اهرم او به شکل غیرمستقیم به حدود ۵.۵ برابر برسد. اما این پایان ماجرا نیست. صرافی نیز بیت‌کوین قرض گرفته‌شده را وارد فعالیت‌های دیگر می‌کند؛ از تزریق به استخرهای نقدینگی گرفته تا ارائه به بازار سازانی که خودشان با اهرم کار می‌کنند. در همین مرحله اگر یک خبر کلان نامطلوب منتشر شود و قیمت بیت‌کوین و اتریوم به ترتیب ۱۳ و ۱۷ درصد کاهش یابد، معامله‌گر عملا در معرض یک بحران تمام‌عیار قرار می‌گیرد.

ارزش وثیقه او کاهش می‌یابد، پوزیشن لانگ ضرر می‌دهد و پوزیشن شورت نمی‌تواند زیان را جبران کند. هنگامی که ارزش حساب او به زیر حداقل مارجین می‌رسد، موتور ریسک صرافی وارد عمل می‌شود و پوزیشن‌ها را به‌طور خودکار می‌بندد. دارایی‌ای که او به صرافی قرض داده است نیز به‌دلیل استفاده مجدد، دیگر به‌طور کامل موجود نیست و همین غیبت دارایی باعث می‌شود صرافی در مدیریت نقدینگی خود گیر بیفتد.

به همین ترتیب اگر این اتفاق به‌جای یک معامله‌گر برای هزاران نفر در چندین صرافی رخ دهد، بازار وارد مرحله‌ای از فروپاشی ساختاری می‌شود که ظرف چند ساعت می‌تواندمیلیاردها دلار از ارزش بازار را نابود کند. نقطه ضعف این سیستم آن است که بسیاری از صرافی‌ها و پروتکل‌ها از سیستم‌های حسابداری لحظه‌ای استفاده نمی‌کنند و همچنان گزارش‌گیری آنها به صورت دسته‌ای انجام می‌شود. در نتیجه زمانی که بازار دچار شوک می‌شود، ابزارهای مدیریت ریسک نمی‌توانند هم‌زمان با سرعت سقوط اقدام کنند.

این ضعف‌ها در کنار نیاز انسان‌ها به استراحت، نبود نظارت یکپارچه، فقدان استانداردهای مشترک و استفاده از وثیقه‌های کاملا نوسانی، باعث می‌شود مدیریت اهرم در این بازار پیچیده‌تر و چالش‌برانگیزتر از هر بازار مالی دیگری باشد. بسیاری از دارایی‌ها که به عنوان وثیقه استفاده می‌شوند نه‌تنها نوسان دارند بلکه در مواقع سقوط بازار خودشان به جرقه‌های تشدیدکننده بحران تبدیل می‌شوند. به‌عبارت دیگر، دارایی وثیقه به‌جای کاهش ریسک، نقش موتور محرک لیکوییدیشن را ایفا می‌کند و این ویژگی ساختاری بازار کریپتو را شکننده‌تر می‌کند.

راهی به سوی کنترل اهرم

با وجود تمام چالش‌ها، برخی نشانه‌ها حاکی از آن است که بازار کریپتو در مسیر بهبود قرار دارد. بازیگران بزرگ بازار در تلاش‌اند ابزارهای شفافیت‌ساز بیشتری معرفی کنند. برخی پلتفرم‌ها در حال آزمایش سازوکاری به نام «اثبات بدهی‌ها» در کنار اثبات ذخایر هستند تا کاربران بتوانند تصویر کاملی از وضعیت مالی صرافی‌ها ببینند. استارت‌آپ‌های جدید نیز داشبوردهای ریسک طراحی می‌کنند که امکان ارزیابی لحظه‌ای وثیقه‌ها و میزان اهرم را فراهم می‌کند.

این ابزارها در آینده نزدیک می‌توانند به فعالان بازار کمک کنند پیش از وقوع بحران، موقعیت‌های پرریسک را شناسایی و مدیریت کنند. از سوی دیگر، برخی از شرکت‌های بزرگ و قدیمی‌تر بازار رویکردهای سنتی‌تری را برای مدیریت ریسک به کار گرفته‌اند. این شرکت‌ها از مدل‌های وزن‌دهی ریسک، چارچوب‌های انطباق و سیستم‌های کنترل داخلی استفاده می‌کنند تا بتوانند با نوسانات شدید بازار کنار بیایند.

با این حال، ماهیت ۲۴ ساعته کریپتو همچنان مانعی جدی برای اجرای کامل مدل‌های سنتی محسوب می‌شود. نهادهای قانون‌گذار نیز در تلاش‌اند نقش فعال‌تری ایفا کنند. نهادهایی مانند CFTC در آمریکا اقدام به درخواست نظر عمومی درباره نحوه نظارت بر معاملات پرپچوال کرده‌اند و این اقدام می‌تواند به ایجاد یک چارچوب نظارتی روشن‌تر و هماهنگ‌تر کمک کند. اگر این روند ادامه پیدا کند، احتمال دارد بازار کریپتو در سال‌های آینده مشابه بازارهای سنتی استانداردهای مشخصی برای اندازه‌گیری ریسک، تعریف اهرم، مدیریت وثیقه و محدودیت‌های اعتباری داشته باشد.

مونتاژی‌ها روی ریل افزایش قیمت

بازار خودروی ایران از ابتدای آذرماه با روند صعودی قیمت‌ها روبه‌رو شده و این افزایش برای خودروهای مونتاژی شدت بیشتری داشته‌است؛ به‌طوری‌که این محصولات در نخستین روز هفته نسبت به چهارشنبه گذشته یعنی آخرین روز معاملات خودرو، به‌طور میانگین ۲.۷درصد رشد قیمت را ثبت کرده‌اند. به‌نظر می‌رسد مصوبه جدید بنزینی، افزایش نرخ ارز و کاهش تولید در برخی از شرکت‌های خودروساز خصوصی؛ سه عامل اصلی جهش قیمتی در بازار باشند. هرچند مصوبه جدید بنزینی که قرار بود از روز گذشته به اجرا درآید، فعلا متوقف‌شده اما این مصوبه تاثیر خود را بر معادلات بازار خودرو و رفتار خریداران برجای گذاشته‌است.

بر اساس مصوبه جدید دولت در حوزه سیاست‌های سوختی، سهمیه بنزین یارانه‌ای با نرخ‌های ۱۵۰۰ و سه‌هزارتومان برای سه گروه شامل خودروهای دولتی، وارداتی و نوشماره حذف شده‌است. این تصمیم؛ در واقع بخشی از رویکرد دولت برای بهینه‌سازی تخصیص یارانه انرژی و کاهش فشار هزینه‌های پنهان سوخت در بودجه‌عمومی است. در پی اجرای این مصوبه، الگوی تقاضا در بازار خودرو دچار تغییر شده و تمایل مصرف‌کنندگان به خرید خودروهای مونتاژی داخلی به‌طور محسوسی افزایش یافته‌است؛ چراکه این خودروها ضمن برخورداری از هزینه سوخت مشابه خودروهای داخلی یارانه‌ای، از نظر قیمت نهایی هم رقابت‌پذیری بالاتری پیدا کرده‌اند.

عامل دوم اثرگذار بر روند بازار خودروهای مونتاژی نوسانات ارزی است.

از ابتدای آذرماه تاکنون بهای دلار در بازار آزاد روند روبه‌رشدی داشته‌است؛ این افزایش قیمت در نخستین روز هفته‌جاری نیز به روال روزهای قبل ادامه پیدا کرد. دیروز بهای دلار با افزایش دوهزارتومانی به ۱۲۱هزار و ۷۰۵تومان رسید. بهای این ارز نسبت به هفته گذشته (یکشنبه، نهم آذرماه) نیز با افزایش ۳.۶درصدی مواجه شده‌است.

سومین عاملی که افزایش قیمت خودروهای مونتاژی را به‌دنبال داشته؛ کاهش تولید است. اخبار رسیده حاکی از آن است که تولید در تعدادی از شرکت‌های مونتاژی به دلیل تشدید تحریم‌ها و فشار آمریکا به شرکت‌های خودروساز چینی برای قطع همکاری با شرکت‌های ایرانی، در مدت اخیر کاهشی بوده و همین امر موجب کاهش عرضه در بازار شده‌است. بررسی‌های قیمتی «دنیای‌اقتصاد» از ۱۰ مدل خودروی مونتاژی در روز گذشته نسبت به چهارشنبه هفته قبل نشان از رشد ۲.۷درصدی دارد. درمیان خودروهای بررسی‌شده، لاماری ایما رکورددار افزایش قیمت است؛ به‌گونه‌ای که این خودرو که روز چهارشنبه به بهای دومیلیارد و ۷۰۰میلیون‌تومان دادوستد می‌شد، دیروز قیمت آن در بازار آزاد به دومیلیارد و ۹۵۰میلیون تومان رسید که به معنای افزایش ۲۵۰میلیون‌تومانی معادل ۹.۲درصدی است.

دومین خودرویی که رشد قیمت بالایی را تجربه کرد؛ دیگنیتی پرایم است. قیمت این خودرو تنها طی یک روز معاملاتی یعنی از چهارشنبه هفته گذشته تا دیروز با افزایش ۶.۱درصدی مواجه شده‌است. هایما S۸ هم که چهارشنبه هفته گذشته دومیلیارد و ۸۷۵میلیون‌تومان قیمت خورده بود، دیروز بهای آن با افزایش ۱۲۵میلیون‌تومانی معادل ۴.۳درصد به سه‌میلیاردتومان رسید. البته درمیان خودروهای بررسی‌شده، سه خودرو یعنی جک J۴، فونیکس تیگو و جک S۵ هم ثبات قیمتی را نشان می‌دهند.

کسانیکه بدون گواهینامه اقدام به رانندگی نماید مجرم شناخته شده و به دادگاه معرفی می شوند

سرهنگ محمد پورشمس رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی استان در این خصوص عنوان داشت؛ برابر ماده ۷۲۳ قانون مجازات اسلامی هرکس بدون گواهینامه رسمی اقدام به رانندگی نماید مجرم محسوب شده و برای بار اول به حبس تعزیری تا دو ماه و در صورت ارتکاب مجدد به دو ماه تا شش ماه حبس محکوم خواهد شد. از این رو پلیس راهور در اجرای این قانون و مطابق با ماده ۱۰ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی در صورتی که شخصی بدون داشتن گواهینامه اقدام به رانندگی نماید، وسیله نقلیه وی را متوقف و راننده را به مرجع قضائی معرفی می نماید.

سرهنگ پورشمس در ادامه این خبر افزود از آنجایی که شاهد روند رو به رشد رانندگی بدون گواهینامه خصوصا در بین نوجوانان و جوانان هستیم طرح ویژه برخورد با آندسته از متخلفین در دستور کار پلیس راهور قرار دارد .

وی بخش مهمی از این موضوع را متوجه والدین دانست چرا که برخی از والدین یا خودشان اجازه رانندگی را به فرزندان خود می دهند و یا اینکه سوئیچ خودرو را در دسترس کودکان قرار میدهند و این امکان را برای آنان فراهم می‌کنند تا بدور از چشمان آنها از خودرو استفاده کنند غافل از اینکه این اقدام می‌تواند تبعات ناگواری برای افراد فاقد گواهینامه و خود آنان بوجود آورد .

روزنامه مرز اقتصاد
www.marzeghtesad.ir
دوشنبه ۰۸ دی ماه ۱۴۰۴ • شماره ۸۳۲
www.marzeghtesad.ir

شاید نوراللهی را برگردانند

عرفان حمیدی – همزمان با اخبار مربوط به لیست خروج پرسپولیس در نقل و انتقالات زمستانی درباره نفراتی که احتمالاً به این تیم اضافه خواهند شد.

همزمان با اخبار مربوط به لیست خروج پرسپولیس در نقل و انتقالات زمستانی درباره نفراتی که احتمالاً به این تیم اضافه خواهند شد یا حداقل اینکه این باشگاه نگاه مثبتی به آنها دارد داغ شده است. البته طبیعتاً اخبار مربوط به سبد خرید باشگاه بیشتر از نفرات خروجی مورد توجه هواداران قرار می‌گیرد کمااینکه بعد از ناکامی فصل گذشته بسیاری از هواداران اعتقاد دارند اگر تیم فعلی در دو سه پست تقویت شود تیم اوسمار مدعی اصلی قهرمانی خواهد بود.

صحبت درباره نام‌های مورد نظر باشگاه پرسپولیس از زمان بازگشت اوسمار به نیمکت سرخ‌ها شروع شده و حالا که این تیم مسابقه‌ای در پیش ندارد و وارد فصل نقل و انتقالات زمستانی شده‌ایم آشکارا دنبال می‌شود.

واقعیت اینکه با تحولاتی که در مدل نقل و انتقالاتی پرسپولیس ایجاد شده فهرستی حدوداً ۵۰ نفره توسط مدیر ارزیابی بازیکنان به اوسمار داده شده و قرار است انتخاب‌ها از این فهرست صورت بگیرد. در عین حال به نظر می‌رسد اوسمار به چهار بازیکن در پست‌های دفاع چپ، دفاع راست، هافبک دفاعی و مهاجم نوک نیاز دارد.

با این حال لیست بزرگسال پرسپولیس محدودیت دارد و فعلاً فقط دو جای خالی در آن دیده می‌شود پس این فهرست باید کمی خلوت‌تر شود.

در عین حال گفته می‌شود یکی از گزینه‌های خرید در فهرست زیر۲۳ سال قرار می‌گیرد و شاید فقط کافی باشد تا یک بازیکن بزرگسال از فهرست خارج شود.

طبق اخبار واصله پرسپولیس برای نوک حمله شهریار مغانلو را مد نظر دارد. بازیکنی که سابقه نیم فصل حضور برای پرسپولیس را دارد و در دو سال گذشته همواره در فهرست خرید سرخ‌ها بوده است. مغانلو شرایط خوبی در فوتبال امارات و تیم کلبا نداشته اما ظاهراً گزینه اول خط حمله برای زمستان است. جالب اینکه پرسپولیس در تابستان اخیر تلاش زیادی برای جذب این بازیکن داشت که شرایط انتقالش فراهم نشد اما ظاهراً در مقطع فعلی این انتقال شدنی است.

نکته دیگر اینکه در پست خط حمله از ایگور سرگیف ازبک هم به عنوان گزینه دوم خط حمله پرسپولیس نام برده شده اما ظاهراً این بازیکن در لیست اوسمار قرار ندارد.

در دفاع راست اما پرسپولیس یک بازیکن جدید می‌خواهد و در شرایطی که اوریه و براجعه شرایط خوبی نداشتند یک بازیکن خارجی در این پست به اسکواد تیم اضافه خواهد شد. گزینه اول خوجه اکبر علیجونوف ملی‌پوش تیم پاختاکور است که قبلاً چند باری نامش پیرامون پرسپولیس شنیده شد. جالب اینکه این بازیکن ۲۸ ساله در ۳۱ بازی فصل اخیر فوتبال ازبکستان(۲۶ بازی سوپرلیگ و ۵ دیدار حذفی)۱۷ پاس گل داده و دو گل هم به ثمر رسانده است. این بازیکن که همراه تیم زیر۲۳ سال ازبکستان قهرمان آسیا شده در ۵۰ بازی ملی سه گل و سه پاس گل ثبت کرده است.

گزینه دوم این پست نیز یک بازیکن کلمبیایی است که در لیگ فوتبال کشورش فعالیت می‌کند. این بازیکن آندرس فیلیپ رومن نام دارد که ۳۰ ساله و ملی‌پوش است و در تیم اتلتیکو ناسیونال بازی می‌کند. رومن در ۵۱ بازی فصل اخیر برای تیمش شامل ۸ مسابقه در جام لیبرتادورس ۶ گل زده و دو پاس گل داده است. این بازیکن با سه بازی ملی در کارنامه سابقه سه مصدومیت طولانی دارد که آخرین آن مربوط به فصل ۲۰۲۴-۲۰۲۳ است که با آسیب زانو ۲۸۰ روز دور از میدان بوده است. پرسپولیس در پست شش (هافبک دفاعی) هم بازیکن می‌خواهد که از مهدی گودرزی بازیکن ۲۲ ساله خیبر خرم‌آباد برای این پست نام برده شده است. همچنین صحبت‌هایی درباره بازگرداندن احمد نوراللهی به پرسپولیس هم در میان است. بازیکنی که مثل مغانلو در الاتحادکلبا امارات بازی می‌کند.

همچنین در دفاع چپ نام فرزین معامله‌گری بازیکن شمس‌آذر مطرح شده. بازیکنی که عضو تیم ملی امید است و جزو چهره‌های شاخص جوان در نیم فصل اول لیگ فصل جاری بوده است.

این لیست هیچ سورپرایزی ندارد

لیست خروج پرسپولیس که از یک ماه قبل درباره‌اش صحبت می‌شد هیچ شگفتانه‌ای در خود ندارد چرا که هم از یک ماه قبل درباره این نام‌ها صحبت شده بود هم اینکه بررسی شرایط فنی و دقایق حضور این نفرات در بازی‌ها نشان می‌دهد احتمال خروج آنها در نقل و انتقالات زمستانی بالاست.

مهمترین نام در این مجموعه سرژ اوریه مدافع راست اهل ساحل عاج است. بازیکنی که با سابقه حضور در فینال لیگ قهرمانان و باشگاه‌های بزرگی مثل تاتنهام و پاری‌سن‌ژرمن به پرسپولیس آمد اما به خاطر بیماری هپاتیت، مصدومیت و دوری از فرم مسابقه خیلی کم بازی کرد و حالا در آستانه جدایی از پرسپولیس است. نکته اینجاست که از وقتی اوسمار سرمربی سرخ‌ها شد بحث خروج این بازیکن به میان آمد اما اوسمار در صحبت‌هایش گفت در پست دفاع کناری بازیکن جدید نمی‌خواهد. این اظهارنظر اوسمار تردیدهایی درباره خروج او از فهرست پرسپولیس به وجود آورد اما بعدتر یک مصدومیت کوتاه مدت و تقویت شایعات باعث شد تا دوباره نام این بازیکن به عنوان سرلیست خروجی‌های پرسپولیس به میان بیاید.

نفر دوم این فهرست کسی نیست جز یاسین سلمانی که به عنوان یک ستاره آینده‌دار به پرسپولیس آمد و خیلی زود مصدوم شد اما بعد از مصدومیتش هم شرایط فنی خوبی نداشت. یاسین فصل قبل خیلی کم بازی کرد و تصور می‌شد تابستان امسال از پرسپولیس جدا شود اما ظاهراً این جدایی شش ماه عقب افتاده است. واقعیت اینکه در نیم‌فصل سپری شده از فصل تازه یاسین خیلی کم به میدان رفت و در دقایقی که بازی کرد هم نشان داد شرایط خوبی ندارد تا او نیز یکی از جداشده‌ها تلقی شود.

نفر سوم فهرست خروجی هم مجتبی فخریان است. بازیکنی که انتقالش به پرسپولیس حاشیه‌های بسیاری به دنبال داشت. فخریان در شرایطی به این تیم آمد که گفته شد در لیست کارتال نبوده و انگار مدیران باشگاه سر خود او را جذب کرده‌اند. این در حالی است که درویش در مصاحبه‌های خود بارها اعلام کرد حمید استیلی این بازیکن را یک استعداد معرفی کرده و به همین خاطر جذب شده است. موضوع انتقال فخریان از یک جهت دیگر هم برای پرسپولیس حاشیه‌ساز شد چرا که مسأله پرداخت پول رضایتنامه‌اش ماجراهای عجیبی را به وجود آورد که هنوز هم تمام نشده. فخریان هم در نیم‌فصلی که گذشت زیر ۱۰ دقیقه برای پرسپولیس بازی کرده و خروج او از تیم قطعی به نظر می‌رسد مگر اینکه با توجه به جوانی‌اش قرضی به تیم دیگری منتقل شود.

لیست خروج پرسپولیس می‌تواند پروپیمان‌تر هم باشد و شاید مثلاً بازیکنانی مثل محمدحسین صادقی یا ابوالفضل بابایی هم از جمع سرخ‌ها جدا شوند. صادقی تابستان امسال از هوادار به پرسپولیس آمد اما اوسمار هرگز به او میدان نداد و این بازیکن در اردوی زمستانی هم قرار نیست همراه سرخ‌ها باشد چراکه به تیم ملی امید دعوت شده. ابوالفضل بابایی هم که زمستان دو سال قبل به پرسپولیس آمده این فصل اصلاً بازی نکرده و تقریباً در تمام مسابقات جزو نفرات لیست مسابقه نبوده است.

نکته عجیب اینجاست که چندی قبل خبری آمد مبنی بر اینکه اوسمار با جدایی هیچ‌یک از بازیکنان جوان مخالف نیست و شاید نفرات بیشتری به صورت قرضی از این تیم جدا شوند که اگر این‌گونه باشد، لیست خروج پروپیمان‌تر می‌شود.

البته لازم به ذکر است که با وجود مانور زیاد رسانه‌ها روی این لیست و نفرات خروجی که بعد از آخرین بازی نیم‌فصل شدت گرفته، از مدیران و مسئولان باشگاه هیچ واکنشی نسبت به این مسأله ندیده‌ایم.

تیم مهدی تارتار سنت‌شکنی می‌کند

تیم مهدی تارتار در بیست‌وپنجمین دوره لیگ برتر فوتبال کشورمان خوب شروع کرد و توانست بازی‌های خوبی را به نمایش بگذارد، گل‌گهر سیرجان نشان داد که در این رقابت‌ها اهداف مهمی دارد و خیلی زود خودش را به جمع مدعیان رساند، اما بعد از چند بازی برعکس سال‌های اخیر، گل‌گهر به یکباره افت کرد به‌طوری نتایج این تیم باعث شد بشدت در جدول رده‌بندی سقوط کند.

اما این روند نزولی از بازی با تراکتور در خانه گل‌گهر شروع شد، جایی که شاگردان مهدی تارتار با دریافت ۵گل شکست سنگینی برابر تراکتور مدعی متحمل شدند و عجیب‌ترین نتیجه این تیم در سال‌های اخیر رقم خورد. این باخت در برابر ذوب‌آهن آن هم در خانه گل‌گهر تکرار شد و شاگردان تارتار در رویارویی با شاگردان قاسم حدادی‌فر ۲بریک بازنده از زمین خارج شدند. درحالی که مهدی تارتار در تلاش برای بازگشت تیمش به روند گذشته بود، این بار گل‌گهر در مصاف با پیکان باز هم در خانه خود شکست خورد تا سه شکست خانگی را تجربه کنند.

به‌طور کلی گل‌گهر هفت بازی در خانه انجام داده که از این هفت بازی سه باخت، دو مساوی و دو برد داشته است. این نتایج نشان می‌دهد که گل‌گهر از نظر روحی و روانی با مشکلاتی دست و پنجه نرم می‌کند، چراکه در حالت عادی هر تیمی باید در خانه خود نتایج بهتری را کسب کند. از دست دادن ۱۳ امتیاز در خانه برای گل‌گهر و مهدی تارتار به‌عنوان یک مربی باتجربه یک فاجعه به حساب می‌آید که قطعاً باید فکری به حال آن کنند.

احتیاط اجباری ساپینتو در دربی

در دربی ۱۰۶، ریکاردو ساپینتو برخلاف رویه همیشگی خود که فوتبال کاملاً هجومی و پرس شدید را در دستورکار قرار می‌دهد، این بار با تفکراتی محتاطانه‌تر تیمش را به میدان فرستاد؛ تصمیمی که از نگاه برخی هواداران و کارشناسان محافظه‌کارانه بود، اما با توجه به شرایط موجود، برای سرمربی استقلال اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسید. استقلال در این مسابقه با دست‌هایی نسبتاً بسته وارد زمین شد و همین موضوع رویکرد تاکتیکی ساپینتو را تحت تأثیر قرار داد.

مهم‌ترین مشکل استقلال، غیبت مهران احمدی بود؛ بازیکنی که یکی از بهترین پاسورها و ابزارهای اصلی تیم در انتقال سریع توپ و بازیسازی از عقب محسوب می‌شود. ساپینتو در غیاب احمدی، بخش مهمی از ساختار تاکتیکی تیمش را از دست داده بود. از سوی دیگر، منیر الحدادی نیز تنها چند ساعت پیش از مسابقه به آمادگی نسبی رسیده و عملاً در شرایط ایده‌آل قرار نداشت. همین دو چالش باعث شد استقلال در میانه زمین از لحاظ مالکیت و گردش توپ، کیفیت همیشگی را ارائه نکند و سرمربی آبی‌ها ناچار شود به بازی ساده‌تر و کم‌ریسک‌تری روی بیاورد.عامل محدودکننده دیگر، کیفیت نازل چمن ورزشگاه اراک بود. ساپینتو که در لیگ‌های مختلف اروپا کار کرده، کاملاً آگاه است که سیستم مبتنی بر پاسکاری کوتاه، تغییر جهت‌های سریع و بازی روی زمین، روی چنین زمینی عملی نیست. او پیش از بازی به این جمع‌بندی رسیده بود که اگر استقلال بخواهد سبک همیشگی‌اش را در زمینی با فراز و نشیب فراوان اجرا کند، نه تنها موفق نخواهد شد، بلکه احتمال اشتباهات فردی، توپ‌لو دادن و حتی مصدومیت بازیکنان افزایش می‌یابد. بنابراین تصمیم گرفت رویکردی فیزیکی‌تر و مستقیم‌تر اتخاذ کند تا هم تیمش دچار «سکته فوتبالی» نشود و هم از لحاظ بدنی و ذهنی آسیب نبیند.در واقع ساپینتو تلاش کرد منطقی‌ترین راه موجود را انتخاب کند؛ راهی که نه استقلال را در معرض خطر باخت قرار دهد و نه باعث از دست رفتن بازیکنان کلیدی‌اش شود. او نیم‌نگاهی به پیروزی داشت، اما شرایط مسابقه، ترکیب ناقص و زمین نامناسب باعث شد اولویت نخست او نباختن باشد. این ذهنیت شاید استقلال را از صدر جدول دور کرد، اما سرمربی پرتغالی به‌خوبی می‌دانست که فصل، هنوز طولانی است و مسابقات حساسی در پیش است که می‌تواند امتیازات از دست رفته را جبران کند.

با این حال، نتیجه تساوی باعث شد بخشی از کارشناسان و هواداران از نمایش محتاطانه استقلال ابراز نارضایتی کنند. اگر استقلال دربی را می‌برد، بدون شک ساپینتو امروز با آرامش بیشتری مسیر خود را ادامه می‌داد. اما اکنون، با توجه به اتفاقات آن مسابقه، او باید در ادامه راه نشان دهد که تصمیم محافظه‌کارانه‌اش تنها برای یک بازی و یک شرایط ویژه بوده است و تیمش دوباره به فوتبال تهاجمی و پرانرژی همیشگی باز خواهد گشت.

وعده خوشبختی ایستا پوشالی بود!

باشگاه ایستا البرز که ابتدای فصل با وعده‌های بزرگ، پروژه‌ای پر سر و صدا برای حضور در جمع مدعیان قهرمانی فوتبال زنان آغاز کرده بود، حالا در یکی از عمیق‌ترین بحران‌های تاریخ خود گرفتار شده است؛ بحرانی که از داخل رختکن شروع شد و امروز تمام ارکان باشگاه را تحت‌تأثیر قرار داده است.

ایستا با جذب چهره‌های بزرگی مانند زهرا قنبری و زهرا خواجوی تلاش کرد خود را در قامت یک مدعی معرفی کند. خریدهایی که بسیاری از کارشناسان تصور می‌کردند بتواند تعادل فنی تیم را بازسازی کرده و استانداردهایی تازه به تیم تزریق کند اما نتیجه برعکس شد؛ این تیم نه تنها در مسیر قهرمانی قرار نگرفت، بلکه حتی در حد و اندازه هزینه‌های انجام‌شده هم ظاهر نشد.

در ماه‌های گذشته ستاره‌های اثرگذار تیم یکی پس از دیگری از جمع ایستا جدا شدند؛ جدایی‌هایی که نه اتفاقی بود و نه قابل کتمان. برخلاف تصویر آرامی که باشگاه در ابتدای فصل نشان می‌داد، بازیکنان در هفته‌های اخیر نسبت به مدیریت تیم چه در بخش فنی و چه مالی معترض بودند. این نارضایتی‌ها به‌تدریج شدت گرفت و در طول فصل چندین بار درگیری‌های جدی از اردوهای این تیم گزارش شد که آخرینش پیش از دیدار مقابل گل‌گهر بود. درگیری‌هایی که نشان می‌داد فضای داخلی تیم نه تنها حرفه‌ای نیست، بلکه در آستانه فروپاشی قرار دارد.

اما سؤال اساسی این است که علت این حجم از نارضایتی و موج جدایی‌ها چه بود؟

بر اساس گزارش‌های موثق از داخل اردو، پس از ثبت نتایج ضعیف، مدیریت باشگاه تصمیم داشت بازیکنان را با جریمه‌های سنگین مالی مواجه کند. تصمیمی که نه تنها با مخالفت قاطع بازیکنان روبه‌رو شد، بلکه فضای رختکن را به مرز انفجار رساند. بازیکنان معتقد بودند ضعف مدیریت، بی‌نظمی، عدم پشتیبانی، بدقولی مالی و نبود برنامه‌ریزی حرفه‌ای عوامل اصلی ناکامی هستند و نباید مسئولیت آن به گردن آنها انداخته شود. این اختلافات روزبه‌روز گسترده‌تر شد و نهایتاً کار به جایی رسید که مدیریت باشگاه دیروز رسماً تغییر کرد؛ تغییری که هرچند ضروری بود، اما دیرهنگام به نظر می‌رسد و شاید نتواند بحران جاری را متوقف کند. شنیده‌ها حاکی از آن است که هشت بازیکن در آستانه جدایی قرار داشتند، اما ماجرا به همین‌جا ختم نمی‌شود. طبق اطلاعات به‌دست‌آمده، فردی که در باشگاه به‌طور غیررسمی امور نقل و انتقالاتی را در کنار وظایف رسانه‌ای‌اش، بر عهده دارد در گروه بازیکنان اعلام کرده که باشگاه تنها برای چهار نفر رضایتنامه صادر می‌کند و مابقی باید تا پایان قرارداد بمانند؛ تصمیمی که بحران را از سطح نارضایتی به سطح بی‌اعتمادی رسانده است. موضوعی که تعجب بسیاری را برانگیخته و پرسش‌های جدی درباره ساختار مدیریتی ایستا مطرح کرده که چگونه فردی که مسئولیت رسانه‌ای و هنری دارد، اکنون مرد شماره یک نقل و انتقالات بازیکنان بانوان علی‌الخصوص ملی‌پوشان شده است و در انتقال بازیکنان به ایستا نقش اول را بازی کرد.

از اوج محبوبیت تا سایه اختلافات

فولاد خوزستان، تیمی که دو فصل پیش تنها چند قدم با سقوط فاصله داشت، این روزها چهره‌ای متفاوت از خود نشان می‌دهد. عملکرد درخشان این تیم در فصل گذشته، قرار گرفتن در جمع چهار تیم برتر لیگ و تثبیت جایگاهش در جدول، نه‌تنها به هواداران امید بخشید، بلکه موجی از محبوبیت را برای سرمربی مشهورش، یحیی گل‌محمدی، به همراه آورد. یحیی که سابقه‌ای طولانی و پرتنش در فوتبال ایران دارد، توانسته بود با مدیریت تاکتیکی و روحیه‌بخشی خود، فولاد را به نقطه‌ای برساند که کمتر کسی پیش‌بینی می‌کرد.

اما این محبوبیت در کنار موفقیت، نقطه شروع یک سری چالش‌ها نیز شد. یحیی از همان آغاز فصل جدید، رفتاری داشت که هواداران و حتی کارشناسان را شگفت‌زده کرد؛ غر زدن‌های مکرر، انتقاد از روند تقویت تیم و ابراز نارضایتی از مدیریت باشگاه، بخشی از همان رفتارهایی بود که سابقه آن در دوران حضورش در پرسپولیس نیز ثبت شده است.

در پرسپولیس، یحیی گل‌محمدی بارها با مدیران عامل اختلاف پیدا کرد و رسانه‌ها از شکایت و درگیری لفظی او با مهدی رسول‌پناه و تنش‌هایش با رضا درویش خبر دادند. این سابقه نشان می‌دهد که حتی در شرایط موفقیت‌آمیز، یحیی تمایل دارد که نظر خود را بدون واسطه بیان کند و اگر روند باشگاه مطابق میل او نباشد، بی‌پرده واکنش نشان می‌دهد. این موضوع، حالا در فولاد نیز نمود پیدا کرده است.

ابتدای فصل، یحیی نسبت به روند تقویت تیم و سیاست‌های مدیریتی محمد محمدی، مدیرعامل وقت باشگاه انتقاد کرد. این انتقادات، با شروع ضعیف نتایج تیم در مسابقات ابتدایی، بیش از پیش به چشم آمد و باعث شد که فشار روانی روی مدیریت باشگاه و کادرفنی افزایش یابد.

نتایج ضعیف ابتدایی و اختلافات پنهان در درون باشگاه، به جابه‌جایی مدیریت انجامید و در نهایت، حمیدرضا گرشاسبی به‌عنوان مدیرعامل جدید فولاد منصوب شد. حضور او با امید تازه‌ای همراه شد؛ یحیی در اولین نشست خبری پس از تغییر مدیریت، گفت: «با آمدن مدیریت جدید، انگیزه تیم بیشتر شده و می‌توانیم دوباره برای قهرمانی در آسیا تلاش کنیم.» یک برد ابتدایی پس از این تغییر، نشان داد که تیم همچنان توان بالقوه دارد، اما این برد تنها یک آغاز بود و روند نتایج بعدی، هنوز رضایت هواداران را جلب نکرده است.

شاگردان یحیی گل‌محمدی که عملکرد خوبی در این هفته‌ها نداشته است با تک‌امتیاز دیدار خانگی مقابل آلومینیوم با ۱۲ امتیاز در رتبه چهاردهم ماند تا همچنان آژیر قرمز در اردوی فولادی‌ها نواخته شود.

با این حال، چالش اصلی در فولاد نه صرفاً نتایج ضعیف، بلکه نحوه مدیریت انتقاد و مسئولیت‌پذیری است. یحیی گل‌محمدی، با قرارداد سنگینی نزدیک به ۷۰میلیارد تومان و دریافت ۵۰میلیارد تومان دیگر به‌عنوان بخشی از توافقات، در شرایطی قرار دارد که فشار برای ارائه نتایج قابل قبول افزایش یافته است. این مبلغ قابل توجه، نشان می‌دهد که باشگاه فولاد سرمایه‌گذاری زیادی روی سرمربی خود انجام داده و هرگونه شکست یا ناکامی، تبعات مدیریتی و مالی جدی برای باشگاه خواهد داشت.

سابقه یحیی در برخورد با مدیران، از پرسپولیس تا فولاد، نشان می‌دهد که او عادت دارد که نظرات خود را بدون پرده بیان کند و در مواقعی که احساس کند تیم یا مدیریت باشگاه مسیر درست را طی نمی‌کند، با صراحت انتقاد کند. این رفتار می‌تواند روابط باشگاهی را تحت فشار قرار دهد و ثبات مدیریتی را به خطر بیندازد شاید برای همین است که اکثریت مدیران فولاد از سیاست‌های یحیی گله داشتند.

با این وجود یحیی گل‌محمدی تاکنون زیر بار افت فنی تیمش نرفته و هر بار این عملکرد ضعیف را برعهده یک شخص می‌اندازد یا یک بهانه برای توجیه آن دست‌وپا می‌کند که سیبل اصلی هم کسی نیست جز مدیرعامل باشگاه!

درحال حاضر، فولاد در موقعیتی است که باید تعادل میان استقلال فنی یحیی و حمایت مدیریتی باشگاه برقرار شود. اگر این تعادل برقرار نشود و روند نتایج ضعیف ادامه یابد، شایعات تغییر سرمربی افزایش پیدا کرده و فشار رسانه‌ای و هواداری بیشتر خواهد شد.

مهدی‌زاده: هاشم‌نژاد به‌دنبال پنالتی گرفتن بود

محمدرضا مهدی‌زاده مدافع استقلال خوزستان درباره تساوی بدون گل تیمش مقابل تراکتور در تبریز می‌گوید: «می‌دانستیم بازی سختی داریم و تراکتور تیمی است که بازیکنان باکیفیتی دارد. ما بعد از شکست برابر گل‌گهر با هم صحبت کردیم و همقسم شدیم تا در بازی با تراکتور امتیاز بگیریم و خوشحالم که دست خالی از تبریز برنگشتیم. شاید با توجه به وضعیتی که قبل از این بازی داشتیم، خیلی‌ها پیش‌بینی می‌کردند به تراکتور ببازیم ولی می‌دانستیم از این بازی چه می‌خواهیم و چگونه باید برابر آنها بازی کنیم. تیم ما در این بازی مستحق امتیاز گرفتن بود.» او درباره صحنه جنجالی این بازی و اینکه تراکتوری‌ها معتقد به پنالتی بودند این‌طور می‌گوید: «می‌دانستم که هاشم‌نژاد می‌خواهد پنالتی بگیرد و در آن صحنه پایم را ثابت نگه داشتم. هدفم این نبود که پای هاشم‌نژاد را بزنم و فکر می‌کنم او قصد داشت پایش را به پای من گیر بدهد و پنالتی بگیرد. داور هم می‌توانست پنالتی بگیرد و هم می‌توانست نگیرد، ولی من قصدی برای خطا کردن نداشتم. در مورد آن صحنه خودم نمی‌توانم نظری قاطع داشته باشم و کارشناسان باید نظر بدهند، اما باز هم می‌گویم که تصمیمی برای خطا کردن روی بازیکن تراکتور نداشتم.»

مظفری‌زاده: با وجود VAR پذیرش اشتباهات داوری سخت است

سعید مظفری‌زاده مدیرعامل باشگاه تراکتور درباره تساوی خانگی تیمش مقابل استقلال خوزستان و اعتراض شدید بازیکنان و کادرفنی این تیم به پنالتی اعلام نشدن برخورد مهدی هاشم‌نژاد با مدافع حریف اظهار داشت: «صحنه‌ای در بازی اتفاق افتاد که هم به نظر ما و هم به نظر اکثر کارشناسان پنالتی بود. با توجه به وجود VAR، پنالتی اعلام نشدن این صحنه جای تعجب و سؤال داشت. ما اعتراض رسمی‌مان را به فدراسیون ارسال کردیم و امیدوارم پاسخ مناسبی در این زمینه بگیریم.

باوجود VAR واقعاً پذیرفتن اشتباهات داوری سخت است، چون در سرنوشت تیم‌ها تأثیرگذار است. این اتفاق در این فصل در چند مورد برای ما رخ داده است. ما قبلاً هم اعتراض‌مان را به فدراسیون ارسال کردیم، ولی پاسخی نگرفتیم، امیدواریم این بار پاسخ مناسب دریافت کنیم. اسکوچیچ هم خیلی از اشتباهات داوری ناراحت است.»

او درباره صحبت‌های تند محمدرضا زنوزی مالک این باشگاه علیه داوری بازی‌های تیمش و احضار او به کمیته اخلاق هم گفت: «من نمی‌دانم دلیل احضار آقای زنوزی چیست. او هم نسبت به وضعیت موجود داوری معترض است و فقط می‌خواهد حق باشگاه تراکتور ضایع نشود. ضمن اینکه در چارت رسمی باشگاه، مالکیت با هلدینگ است و نمی‌دانم با این شرایط آیا اصلاً امکان احضار زنوزی وجود دارد یا خیر. زنوزی فردی فعال در فوتبال نیست و نمی‌دانم اصلاً امکان احضار او وجود دارد.»

مظفری‌زاده درباره اینکه چند ماه پیش هم زنوزی بابت اظهاراتش به کمیته اخلاق دعوت شده بود اما نرفت، آیا این بار به جلسه کمیته اخلاق خواهد رفت یا نه، گفت: «نمی‌دانم، قطعاً خودش تصمیم می‌گیرد. ما در چارت باشگاه تراکتور مدیرعامل و هیأت مدیره داریم و مجموعه مدیریتی باشگاه کاملاً مشخص است. درست است آقای زنوزی ما را حمایت می‌کند، ولی ارتباطی که باعث شود کمیته اخلاق او را احضار کند، نمی‌بینم. به همین خاطر اظهارنظر نمی‌کنم.»

برنامه‌ریزی برای پارالمپیک ۲۰۳۲

سعید سلگی سخنگوی کاروان ایران اعزامی به بازی‌های پاراآسیایی جوانان نیز در خصوص آینده‌نگری برای ورزشکاران نخبه و مدال‌آور بازی‌های آسیایی ۲۰۲۵ جوانان در دبی معتقد است: «با حمایت جدی، مدال‌آوران این دوره می‌توانند به پشتوانه کاروان ایران در پارالمپیک ۲۰۳۲ تبدیل شوند. پشتوانه‌سازی از طریق بازی‌های پاراآسیایی جوانان انجام می‌شود و در دوره گذشته هم این‌گونه بود. نگاه اصلی ما در این بازی‌ها برای پارالمپیک ۲۰۳۲ و بازی‌های پاراآسیایی ۲۰۳۰ است. آیین‌نامه تیم‌های ملی B را داریم و ورزشکاران بعد از این دوره حمایت می‌شوند و اردوهای متمرکز را برای آنان خواهیم گذاشت.»

سلگی در خصوص اردوهای برگزار شده در یک سال اخیر قبل از اعزام به دبی می‌گوید: «در یک سال گذشته روند آماده‌سازی شروع شده و اردوها نیز در جریان بوده. این اردوها با نگاه کمی برگزار شد البته ما ورودی‌هایی برای رشته‌های رکوردی تعریف می‌کنیم تا ورزشکاران در انتخابی‌ها حضور پیدا کنند. بعد از انتخابی ۲ نفر برتر را به اردو فراخواندیم تا آماده اعزام به دبی شوند. در یک سال گذشته ۱۸۳ اردو آماده‌سازی را برگزار کردیم. البته تغییر میزبان نیز تأثیر زیادی در رشته‌ها داشت و ما جودو و دوچرخه‌سواری را از دست دادیم.»

سلگی در خصوص رکوردشکنی احتمالی جوانان ایران تأکید دارد: «رکوردها را بررسی کردیم و شرایط رکوردی خوبی داریم اما این قطعی نیست زیرا اطلاعات دقیقی از رقیبان نداریم.

روزنامه دنیای اقتصاد
دوشنبه ۰۸ دی ماه ۱۴۰۴ • شماره ۸۳۲
www.marzeghtesad.ir
۸

صاحب امتیاز: موسسه مطبوعاتی دانش پیام بامداد نوین
مدیر مسئول: ابوالفضل حمیدی
چاپ: جام جم
آدرس: تهران، بلوار مرزداران، خیابان البرز ، البرزیکم، پلاک ۶
تلفن: ۰۲۱-۴۹۱۰۵۰۰۰
گستره توزیع : سراسری
شرکت توزیع : نشر گستر

عذرخواهی عوامل «بازمانده»

انتشار این بخش از برنامه که با اجرای مشترک سیامک انصاری و مهران غفوریان همراه بود، به‌سرعت با واکنش‌های منفی مردم مواجه شـــد و منتقدان، این اقدام را ضد ایران و هویت کهن ایرانی توصیف کردند. پس از آن ساترا اعلام کرد این برنامه بدون اخذ مجوز منتشـــر شـــده و سکوی پخش‌کننـــده «بازمانده» هم توقیف شـــد، ولی انتقادها همچنان ادامه داشـــت و انصاری و غفوریان بیشتر مورد شماتت قرار گرفتند.

در آخرین روز هفته اما عوامل برنامه دست‌به‌کار شدند و با انتشار فیلم و یادداشت از مردم عذرخواهی کردند. ابتدا سیامک انصاری با انتشار فیلمی گفت: «از تمام ملت ایران بابت اتفاقاتی که در برنامـــه «بازمانده» رخ داد و موجب ناراحتی شد، عذر می‌خواهم.

شمشیر دو لبه مالیات‌ها

مرتضی اکبری -امسال برای صاحبان صنایع بدون تردید یکی از سخت‌ترین دوره‌ها برای فعالیت اقتصادی بوده است. «تابستان بدون برق»، «زمستان بدون گاز»، «فقدان سرمایه مورد نیاز برای تولید» و «مشکل جذب نیروی کار»، نفس تولید را به شماره انداخته است.

حالا با انتشار محتوای لایحه بودجه، نگرانی‌ها نسبت به آینده «صنعت ایران» افزایش یافته است. رشد درآمدهای مالیاتی در بودجه۱۴۰۵، از دو کانال، صنعت را در فشار حداکثری قرار می‌دهد. نرخ ۱۲درصدی مالیات ارزش افزوده، بحران کمبود تقاضا را تعمیق می‌کند؛ این مساله به کاهش درآمد بنگاه‌ها منجر خواهد شد. از سوی دیگر، افزایش مالیات‌ها باعث کاهش دستمزد حقیقی کارگران صنعتی می‌شود و به موج مهاجرت نیروی انسانی از بخش صنعت دامن می‌زند. به‌دلیل مشکلات مذکور پیش‌بینی می‌شود روند جاری تعطیلی بنگاه‌ها، در سال آینده نیز با سرعت بیشتری ادامه پیدا کند. در نتیجه این فرآیند و تعطیلی واحدهای تولیدی، نه تنها درآمدهای مالیاتی مورد انتظار دولت محقق نمی‌شود، بلکه بحران بیکاری و رکود تورمی در بخش صنعت نیز تشدید خواهد شد.

شمشیر دو لبه مالیات‌ها

دولت در هفته جاری لایحه بودجه ۱۴۰۵ را به مجلس تقدیم کرد؛ لایحه‌ای که رویکردی انقباضی دارد. هدف آن هم کاهش وابستگی به نفت و تقویت پایه‌های مالیاتی است. درحالی‌که مالیات‌ها، رشد قابل‌توجهی پیدا کرده‌اند، اما میزان رشد حقوق و دستمزدها در این لایحه ناچیز بوده و حدود ۲۰ درصد است. عددی که کمتر از نرخ تورم مورد انتظار است. این در کنار مالیات ارزش افزوده که به ۱۲درصد رسیده، بخش تولید و تقاضا را تهدید می‌کند و مستقیما هزینه نهایی کالا و خدمات را برای مردم بالاتر می‌برد.

بودجه سال آینده در شرایطی روی میز سیاستگذاران قرار گرفته که بخش صنعت هنوز از پیامدهای کمبود تقاضا، ناترازی انرژی و محدودیت‌های مالی سال‌های اخیر عبور نکرده است. در این میان، تمرکز بودجه بر افزایش درآمدهای مالیاتی، بار دیگر این پرسش را مطرح می‌کند که سهم تولید از جبران کسری‌های بودجه دولت تا کجا باید ادامه پیدا کند؟ به نظر می‌رسد که رشد پیش‌بینی‌شده درآمدهای مالیاتی، بر فشار مضاعف به بنگاه‌های تولیدی تکیه دارد؛ واحدهایی که همزمان با افزایش هزینه‌های تولید، با ضعف تقاضا در بازار داخلی مواجه هستند و این روند با افزایش مالیات‌ها تشدید هم خواهد شد.

افزایش هزینه‌های مالیاتی در شرایطی رخ می‌دهد که قدرت خرید خانوارها بهبود نیافته و بازار داخلی کشش انتقال این هزینه‌ها را ندارد. نتیجه چنین وضعیتی، کمتر شدن حاشیه سود، تعویق سرمایه‌گذاری و کاهش تولید است؛ مسیری که به‌طور مستقیم بر فروش بنگاه‌ها اثر می‌گذارد و چرخه رکود را تعمیق می‌کند. از سوی دیگر، امید بستن به صادرات به‌عنوان مسیر جبران کاهش تقاضای داخلی نیز با اما و اگرهای جدی روبه‌روست. نوسانات سیاست‌های ارزی، محدودیت‌های تجاری و هزینه‌های جانبی صادرات، باعث شده همه صنایع نتوانند از این مسیر بهره ببرند. بنابراین این فشار مالیاتی در کنار رکود و تورم، موجب تعطیلی صنایع و رشد بیکاری شده و در نتیجه موجب عدم تحقق بودجه ناشی از مالیات ستانی خواهد شد. در چنین فضایی، افزایش مالیات بیشتر به انتقال فشار کسری بودجه به بنگاه‌ها شباهت دارد تا اصلاح ساختار درآمدی دولت. بودجه ۱۴۰۵، اگرچه در کاغذ به دنبال ثبات مالی و کاهش وابستگی به نفت است، اما برای صنعتگران این دغدغه را ایجاد کرده که آیا این روند از مسیر تضعیف سودآوری و کاهش تقاضا در بخش صنعت عبور می‌کند یا جایی هم برای نفس کشیدن تولید باقی خواهد گذاشت؟

لزوم کوچک کردن سفره دولت

در این رابطه حسین پیرموذن نایب‌رئیس اتاق ایران در گفت‌وگو با اتاق ایران آنلاین، افزایش درآمدهای مالیاتی در بودجه ۱۴۰۵ را مورد انتقاد قرار داد و گفت: در شرایط رکود تورمی که واحدهای تولیدی با کمبود نقدینگی مواجه هستند این سیاست مناسب نیست. بهتر است دولت با تغییر این رویکرد در بودجه سال آتی، افزایش شفافیت در هزینه‌های خود را دنبال کند.

نایب‌رئیس اتاق ایران در ادامه افزود: اگرچه در اقتصاد سالم، مالیات یکی از منابع پایدار درآمد دولت‌هاست؛ اما افزایش آن در دوره رکود و تورم، آثار مخربی بر اقتصاد دارد. در این شرایط، بالا بردن نرخ مالیات‌ها به‌ویژه مالیات ارزش‌افزوده، به طور مستقیم موجب افزایش قیمت کالاها و کاهش توان خرید خانوار می‌شود. افزایش در نرخ مالیات ارزش‌افزوده می‌تواند منجر به کاهش مصرف داخلی به دلیل بالا رفتن قیمت کالاها، افزایش هزینه‌های تولید و کاهش رقابت‌پذیری بنگاه‌ها، فشار مضاعف بر طبقات کم‌درآمد، تشدید رکود اقتصادی به‌دلیل افت تقاضا و افزایش قاچاق و فرار مالیاتی در نتیجه فشار غیرمنطقی بر تولید رسمی شود. پیرموذن گفت: سیاست‌های مالیاتی فعلی، تولید را به حاشیه می‌برد و در شرایطی که بنگاه‌ها با کمبود نقدینگی، افزایش نرخ ارز و موانع صادراتی روبه‌رو هستند، وضع مالیات‌های بیشتر تنها منجر به کاهش انگیزه برای تولید و سرمایه‌گذاری می‌شود. بنابراین انتظار می‌رود نمایندگان مجلس با الزام دولت به اصلاح ساختارهای هزینه‌ای و افزایش بهره‌وری دستگاه‌های اجرایی، مسیر بهتری برای تامین منابع مالی کشور طراحی کنند. همچنین تقویت نظارت بر شفاف‌سازی و مقابله با فرار مالیاتی، راهکارهایی است که باید جایگزین مالیات‌ستانی از بخش‌های شفاف و مولد شود.

او افزود: دولت به جای آنکه با افزایش مالیات، سفره تولیدکننده را کوچک و فشار بیشتری به معیشت مردم وارد کند، باید در وهله اول سفره خود را کوچک کند. کاهش هزینه‌های غیرضروری، اصلاح ساختار بودجه، حذف موازی‌کاری‌ها و مدیریت هزینه‌های جاری دستگاه‌های اجرایی باید در اولویت باشد. وقتی مردم در فشار معیشتی هستند، اولین گام دولت باید صرفه‌جویی در هزینه‌های خود باشد، نه فشار بیشتر بر ملت.

رکود بخش صنعت عمیق‌تر خواهد شد

علیرضا کلاهی صمدی، عضو کمیسیون صنعت اتاق بازرگانی ایران با اشاره به جهت‌گیری‌های بودجه ۱۴۰۵ به «دنیای اقتصاد» گفت: مهم‌ترین چالش این لایحه برای بخش صنعت، افزایش مالیات ارزش افزوده است، آن هم در شرایطی که مساله فرار مالیاتی و اقتصاد غیرشفاف همچنان حل‌نشده باقی مانده است. بنابراین تا زمانی که زنجیره وصول مالیات به صورت کامل و عادلانه عمل نکند، هرگونه افزایش نرخ مالیات ارزش افزوده، بیش از همه تولیدکنندگان شفاف و رسمی را هدف قرار می‌دهد.

کلاهی صمدی افزود: مالیات ارزش افزوده ذاتا سیاستی سالم و قابل دفاع است، به شرط آنکه تمام حلقه‌های زنجیره ارزش، از تامین مواد اولیه تا فروش محصول نهایی در پرداخت آن مشارکت داشته باشند. اما در وضعیتی که بخشی از اقتصاد در حاشیه شفافیت فعالیت می‌کند، فشار مالیاتی ناگهان روی یک یا دو حلقه از این زنجیره متمرکز می‌شود؛ حلقه‌هایی که عموما تولیدکننده نهایی یا واحدهای رسمی هستند. دولت پیش از افزایش نرخ‌ها باید با ابزارهایی مانند سامانه‌های هوشمند، نظارت سیستمی، فرار مالیاتی و عدم تمکین را کاهش دهد. در غیر این صورت، افزایش نرخ مالیات تنها به تضعیف تولید داخل منجر خواهد شد. عضو کمیسیون صنعت اتاق بازرگانی ایران، رویکرد بودجه ۱۴۰۵ را انقباضی ارزیابی کرد و گفت: در شرایط رکود فعلی صنعت، این رویکرد می‌تواند آثار منفی را تشدید کند. بخش صنعت هم اکنون با رکود جدی مواجه است و کاهش قدرت خرید مصرف‌کننده باعث شده بازار کالاهای نهایی، به‌ویژه در بخش B۲B، آسیب قابل‌توجهی ببیند. تغییر الگوی مصرف خانوارها و تمرکز بر نیازهای حداقلی که باعث تغییر نیازهای مردم شده فروش بسیاری از محصولات صنعتی را با چالش رو به رو کرده است. از سوی دیگر، وضعیت در بخش B۲B نیز چندان امیدوار کننده نیست.

کلاهی صمدی افزود: کاهش شدید سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و عملا صفر شدن بودجه عمرانی دولت، رکود را عمیق‌تر کرده و از سویی تقاضا برای کالاهای واسطه‌ای و خدمات صنعتی را به‌شدت محدود کرده است. این شرایط، رکود را از بازار مصرف به عمق زنجیره تولید منتقل کرده و بنگاه‌ها را با مازاد ظرفیت و کاهش گردش مالی مواجه ساخته است. تنها راه برون‌رفت از این وضعیت، تحریک تقاضا از مسیر صادرات است؛ مسیری که می‌تواند هم به افزایش فروش بنگاه‌ها کمک کند و هم منابع ارزی کشور را تقویت کند. اما این گزینه نیز به دلیل سیاست‌های ارزی و تجاری موجود، با محدودیت جدی رو به رو شده است. سیاست‌هایی مانند پیمان‌سپاری ارزی و الزام صادرکنندگان به عرضه ارز با نرخی پایین‌تر از هزینه‌های واقعی، بیشترین آسیب را به صادرات محصولات با ارزش افزوده بالا وارد کرده است؛ به‌ویژه صادراتی که توسط بخش خصوصی انجام می‌شود. به عنوان نمونه وقتی صحبت از مواد اولیه و خام مثل فولاد و پتروشیمی می‌کنیم، تولیدکننده باید هزینه را با دلار آزاد انجام دهد و درآمد صادراتی را با دلار بین ۱۵ تا ۲۰ درصد ارزان‌تر، تقدیم دولت کند.

او افزود: افزایش هزینه‌های عملیاتی، کاهش حاشیه سود و فشارهای مالیاتی، نیاز بنگاه‌ها به تسهیلات بانکی را افزایش داده، درحالی‌که نظام بانکی با سیاست‌های سختگیرانه، کاهش قدرت تسهیلات‌دهی و نرخ‌های بالا، عملا توان پاسخگویی به این نیاز را ندارد. اگر بودجه ۱۴۰۵ بدون اصلاح این عدم توازن‌ها اجرایی شود، صنعت با ترکیبی از فشار مالیاتی، رکود تقاضا و تنگنای مالی شدیدتر رو به رو خواهد شد؛ پیامدهای این ترکیب می‌تواند فراتر از بنگاه‌ها، به کل اقتصاد منتقل شود.

کاهش فروش و افت ظرفیت تولید

سجاد غرقی، عضو کمیسیون معدن اتاق بازرگانی ایران با اشاره به جهت‌گیری انقباضی بودجه و افزایش بار مالیاتی بر بخش تولید، به «دنیای اقتصاد» گفت: اثر این سیاست‌ها بدون توجه همزمان به تقاضا، می‌تواند فشار مضاعفی بر صنعت وارد کند. اصل بدیهی اقتصاد این است که اگر توازن میان هزینه‌های تولید و سطح تقاضا برقرار نشود، با افزایش هزینه‌های محیطی نتیجه‌ای جز کاهش فروش، افت ظرفیت و در نهایت تعطیلی واحدها نخواهد داشت. در شرایط فعلی، تقاضای داخلی عملا توان جذب افزایش هزینه‌ها را ندارد. چون قدرت خرید خانوارها افزایش پیدا نکرده و پروژه‌های عمرانی بزرگ هم که بتوانند به‌عنوان موتور محرک زنجیره‌های تولید عمل کنند، در مقیاس موثر وجود ندارند. بنابراین اگر فشار هزینه‌ای از مسیر افزایش مالیات تشدید شود، تنها راه متعادل کردن آن، استفاده از ظرفیت‌های صادراتی است؛ آن هم نه برای همه بنگاه‌ها بلکه فقط برای بخشی از صنایع که مزیت صادراتی دارند. عضو کمیسیون معدن اتاق بازرگانی ایران افزود: اگر افزایش مالیات‌ها همزمان با سیاست‌هایی برای تسهیل صادرات همراه شود، می‌توان امیدوار بود که بخشی از فشار بر تولید خنثی شود. اما مشکل از جایی آغاز می‌شود که سیاست‌های بازدارنده، مانند پیمان‌سپاری ارزی و عوارض صادراتی، عملا مسیر تقویت تقاضای خارجی را مسدود می‌کند. یعنی تحریک تقاضای خارجی را با مشکل مواجه می‌کند. بنابراین اینجا باید تنظیم‌گری اتفاق بیفتد؛ یعنی با ایجاد مشوق‌ها و تسهیلگری برای صادرات. در چنین شرایطی افزایش مالیات نه‌تنها به بهبود درآمدهای دولت منجر نمی‌شود بلکه واحدها را به سمت کاهش ظرفیت یا توقف فعالیت سوق می‌دهد.

غرقی با اشاره به وضعیت بخش معدن توضیح داد: این بخش در ظاهر از مزیت‌هایی برخوردار است اما همزمان با چند لایه فشار مالی مواجه شده است. در کنار مالیات‌های عمومی مانند مالیات عملکرد، ارزش افزوده و مالیات بر حقوق و دستمزد، معادن موظف به پرداخت حقوق دولتی هستند. امسال حقوق دولتی حدود ۲۴ درصد افزایش پیدا کرده است. همچنین ۶۷ درصد افزایش مالیات، در کنار عوارض مربوط به صادرات، فشار قابل‌توجهی بر فعالان معدنی وارد می‌کند. در نتیجه بخشی که وابستگی کمتری به انرژی دارد و می‌تواند با ارزآوری بخشی از کسری ارز تقاضای داخلی را جبران کند، عملا با سه مانع همزمان شامل افزایش مالیات‌های عمومی، رشد حقوق دولتی و اعمال عوارض صادراتی روبه‌روست.

او افزود: این ترکیب سیاستی، حتی مزیت‌دارترین بخش‌ها را هم در معرض ریسک قرار می‌دهد. وقتی صادرات محدود می‌شود و هزینه‌ها بالا می‌رود، انگیزه تولید کاهش پیدا می‌کند. این در حالی است که در شرایط رکودی، باید سیاست‌ها به سمت حفظ ظرفیت و جلوگیری از تعطیلی حرکت کند. غرقی در ادامه بیان کرد: یکی از راهکارهای کوتاه‌مدت برای بخش صنعت و معدن، لغو عوارض صادراتی به‌ویژه برای مواد معدنی، است. در مقطع فعلی، حذف عوارض و تسهیل صادرات می‌تواند به ایجاد تعادل کمک کند. این ابزارها در دسترس هستند و نیاز به زمان طولانی برای اجرا ندارند. اگر پیمان سپاری ارزی با همین وضعیت ادامه پیدا کند و از سوی دیگر با رشد مالیات ستانی مواجه باشیم فشار بر بخش صنعت و معدن بیشتر می‌شود. ضمن اینکه نمی‌توان انتظار داشت افزایش مالیات به تحقق منابع پایدار بودجه‌ای منجر شود. درحالی‌که عملا این سیاست‌ها رکود را تعمیق می‌کند. من پیش‌بینی عددی دقیقی از میزان تعمیق رکود نمی‌توانم ارائه دهم، اما جهت حرکت مشخص است؛ یعنی فشار هزینه‌ای بیشتر، کاهش تولید و تضعیف بنگاه‌ها. سیاستگذار اگر به دنبال پایداری درآمد و حفظ تولید است، باید بسته‌ای هماهنگ از سیاست‌های مالی، ارزی و تجاری به‌کار گیرد.

کاهش شدید سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و عملا صفر شدن بودجه عمرانی دولت، رکود را عمیق‌تر کرده.

افراط و تفریط سیاستگذار مسکن

سیاســـتگذار مســـکن در ایران طی دهه‌های گذشـــته، تقریبا همه طرح‌ها و برنامه‌های «تامین مسکن» را در «مسکن ملکی» خلاصه کرد که البته آن را هم عمدتا در قالب «مسکن‌سازی دولتی» به اجـــرا درآورد؛ هرچند در بـــرخی دورها از جمله اواسط دهه۹۰، سیاست «وام ویژه خرید خانه اول» در قالب دیگری غیراز مسکن دولتی، پیاده شد اما خیلی زود «تورم بالای مسکن» و «تغییر دولت»، آن را قربانی کرد، با این‌حال «تجربه کشورهای مختلف در برنامه‌ریزی برای بخش مسکن» نشان می‌دهد، «رفاه مســـکن خانوارها لزوما از راه مسکن‌ملکی» اتفاق نمی‌افتد.

بررسی‌های «دنیای‌اقتصاد» از چگونگی «تامین مسکن در اســـتطاعت» برای مستاجرها براساس شیوه‌هایی افراطی و تفریطی در جهان حاکی است؛ کشورهایی که سیاست‌های اقتصادی و تصمیمات ویژه بازار مســـکن و ســـاختمان در آنها، به شکل مطلق از «مســـکن ملکی» حمایت می‌کند، بازار اجاره‌نشینی در آنجا از دو محل خسارت می‌بینند؛ یکی «خلأ شیوه‌های موفق تامین یارانه اجاره‌نشینی ویژه دهک‌های یک تا ۳ و تسهیلات حمایتی ویژه مســـتاجرها به شکل عرضه مسکن اجاره‌ای انبوه» و دیگـــری «از جذابیـــت افتادن بازار اجـــاره‌داری نزد ســـرمایه‌گذاران ملکی.» کشـــورهایی هم که در موضوع «حمایت از بازار اجاره و مســـتاجرها»، به‌رغم «تعادل سیاستی در مسکن ملکی و مسکن اجاره‌ای»، دچار افراط شده‌اند مداخله گسترده در بازار اجاره با تعیین نرخ مجاز رشد اجاره‌بها- بازهم مثل کشورهای دسته اول، «علیه مستاجرها» کار انجام داده‌اند، نه به نفع آنها.

تفریط دولت‌ها در تامین مســـکن مستاجرها، ظاهر عوام‌پســـندی دارد؛ خانه‌دارشدن مستاجرها، اما از آنجا که دهک‌های پایین درآمدی، نمی‌توانند شرایط لازم برای پرداخت بهای خرید را پیدا کنند، از امتیازهای مسکن ملکی جا می‌مانند. در حالت دوم نیز «مداخله در سازوکار بازار اجاره» به فرار موجرها از اجاره‌داری می‌انجامد و نتیجه‌اش، داغ‌ترشدن بازار برای مستاجرها از محل رشدهای بیشتر اجاره‌بها خواهد بود.

برخی کشـــورهای اروپایی از مســـکن اجاره‌ای حمایت می‌کننـــد اما برخی از همین کشـــورها، سیاســـت‌های تفریطی دارند. در آمریکا اما اگرچه عمده تســـهیلات و مشـــوق‌ها بر «مسکن ملکی» متمرکز است اما ترکیب این سیاست با سیاست‌های مالیـــاتی از جملـــه «مالیات ســـالانه»، راه عرضه خانه‌هـــایی را که بـــا نیت ســـرمایه‌گذاری ملکی به پشـــتوانه «وام‌هـــای خرید با پوشـــش بالا» و «معافیت‌های مالیاتی مرتبط با تسهیلات مسکن»، خریداری می‌شود به سمت بازار اجاره‌داری، هموار کرده است؛ نه اینکه، خانه‌های دوم و چندم افراد در بازار ملک منجمد شود. در ایران، سیاست مسکن، مسیر تفریط در تامین مســـکن مستاجرها را طی کرده‌است؛ مسکن‌سازی دولتی به نیت خانه‌دارکردن مستاجرها، در شـــرایطی که عمده مستاجرها در ســـال‌های اخیر قدرت پس‌انداز را ازدســـت‌داده‌اند و امکان خرید مســـکن‌های دولتی‌ســـاز را ندارند. تجربه کشورهای مختلف در این‌باره نشان می‌دهد؛ سیاست بهینه «تامین امنیت مسکن بدون نیاز به مالکیت» مستلزم «تورم عمومی پایین»، «دهه‌ها ســـرمایه‌گذاری دولت در عرضه مسکن‌حمایتی»، «پرهیز از دخالت در اجاره‌های واحدهای غیرمسکن حمایتی» و «سیاست‌های درست مالیاتی» است.

تغییر از مالکیت به اجاره‌داری

در ایالات‌متحده، روایت غالب درباره خانه‌دارشدن سال‌هاســـت با این فرض شکل‌گرفته که مالکیت خانه مهم‌ترین مسیر ساختن ثروت خانوارهاست. سیاستگذاران آمریکایی تقریبا یک قرن است که به‌طور مســـتقیم و غیرمســـتقیم مردم را به خرید خانه تشـــویق کرده‌اند؛ از یارانه‌های مالیاتی گرفته تا سازوکارهای اعتباری آســـان‌تر، اما تحلیل‌های اقتصادی اخیر، از جمله دیدگاه دو کارشـــناس در یک موسسه تحقیقات سیاستگذاری اقتصادی، نشان می‌دهد این تصویر ساده‌سازی شده‌است و مالکیت خانه همیشه بهترین مسیر سرمایه‌گذاری نیست؛ در واقع ترویج مالکیت خانه به‌عنوان یک «استراتژی ثروتســـازی» می‌تواند باعث هدایت میلیون‌ها نفر به تصمیم‌هایی شـــود که ریسک مالی بالایی دارد. تجربه چند کشور اروپایی نشان می‌دهد؛ رویکردی متفاوت یعنی ایجاد بازار اجاره قوی و قابل‌اعتماد نیز می‌تواند امنیت و رفاه خانوارها را تامین کند، بدون اینکه ضرورتا سهم مالکیت بالا باشد.

کشورهایی مثل آلمان، اتریش، هلند، سوئیس و برخی کشورهای اسکاندیناوی با سیاست‌هایی که محور آنها بر «اجـــاره‌داری مقرون‌به‌صرفه و پایدار» استوار بوده، ثابت کرده‌اند که مسیر توسعه مسکن لزوما از کانال «مالکیت شـــخصی» نمی‌گذرد. این کشورها از ســـازوکارهایی مانند مسکن اجتماعی گسترده و مقررات هوشمند در بازار اجاره، قوانین حمایت از مستاجران و ضوابط مالیاتی در بازار مسکن ملکی استفاده کرده‌اند.

مالکیـــت خانه سال‌هاســـت به‌عنـــوان یکی از مسیرهای اصلی ایجاد ثروت به مردم معرفی‌شده، اما نوربرت میشل و جروم فامولارو در موسسه تحقیقی CATO در آمریکا – این موسسه تحقیقاتی بر روی سیاســـت‌های اقتصادی و تنظیم مقررات با هدف افزایش رفاه مطالعـــه می‌کند- معتقدند؛ این نگاه بیش از حد خوش‌بینانه است و اغلب هم با واقعیت اقتصادی همخوانی ندارد. به باور آنها، سیاستگذاران نباید مالکیت خانه را به‌عنوان یک استراتژی مطلق برای تامین مســـکن و همچنین ســـرمایه‌گذاری مطمئن تبلیغ کنند.

اینفوگرافیک

طبق تصمیم کارگروه اضطرار کاهش آلودگی هوا، از اول آذر طرح محدودیت تردد خودروها در سطح شهر تهران بر اساس پلاک زوج و فرد از درب منزل آغاز و تا ۵ آذر ادامه دارد و در صورت تخطی، مالکان خودروهای قانون‌گریز جریمه می‌شوند.

عکس نوشت

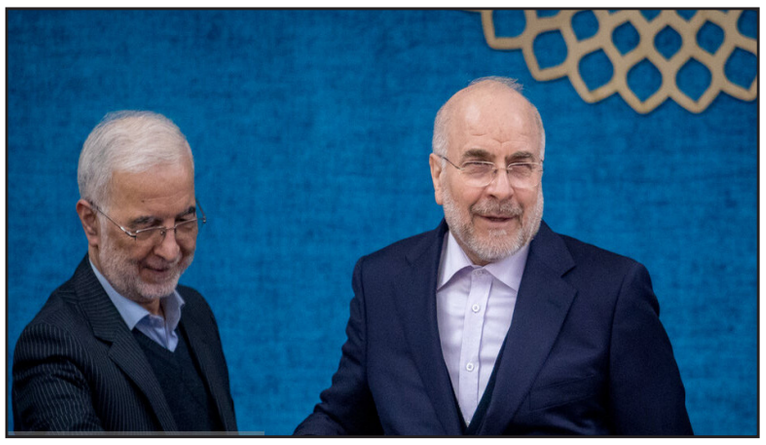

نشست استانداران سراسر کشور با موضوع انتخابات سال ۱۴۰۵

کارتون

هفته چهاردهم لیگ برتر بسکتبال؛ استقلال – پالایش نفت آبادان